

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه آذرآبادگان
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق گرایش عمومی

بررسی حق بر محیط زیست از منظر قوانین ایران و فقه امامیه

نگارش

حسین رحمانی رضائیه

استاد راهنما

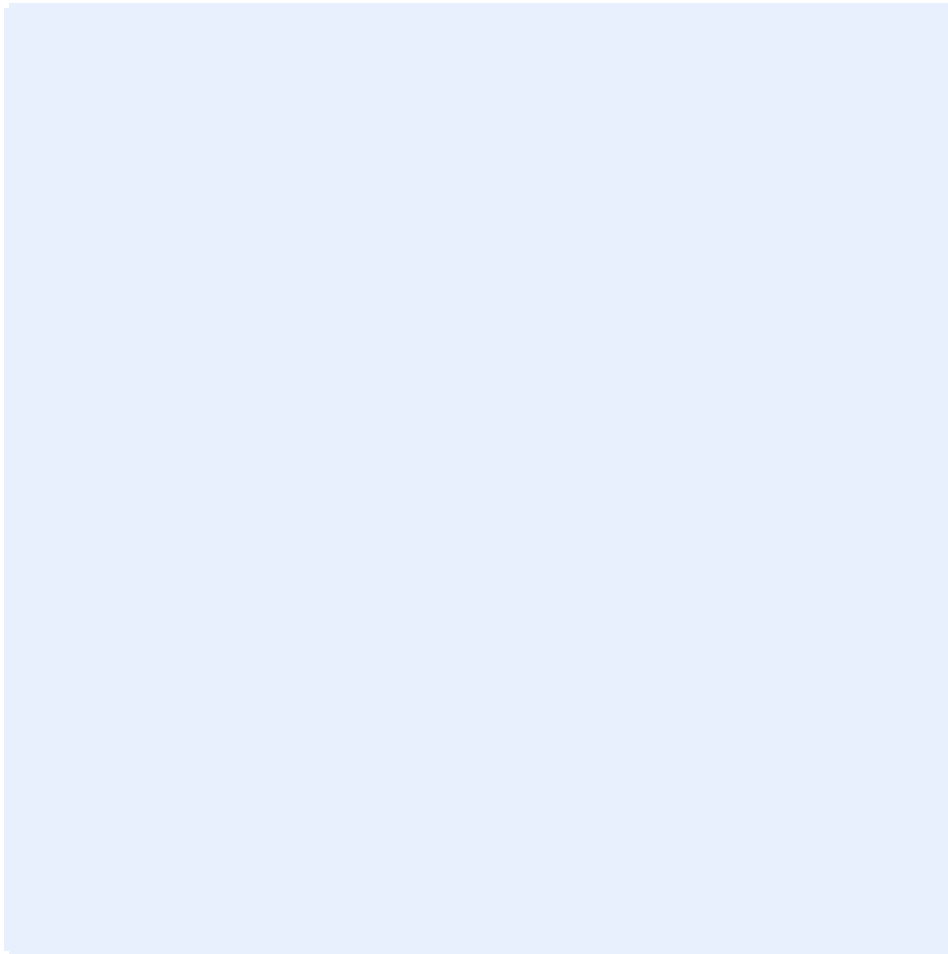
دکتر محمود اسماعیلی

استاد مشاور

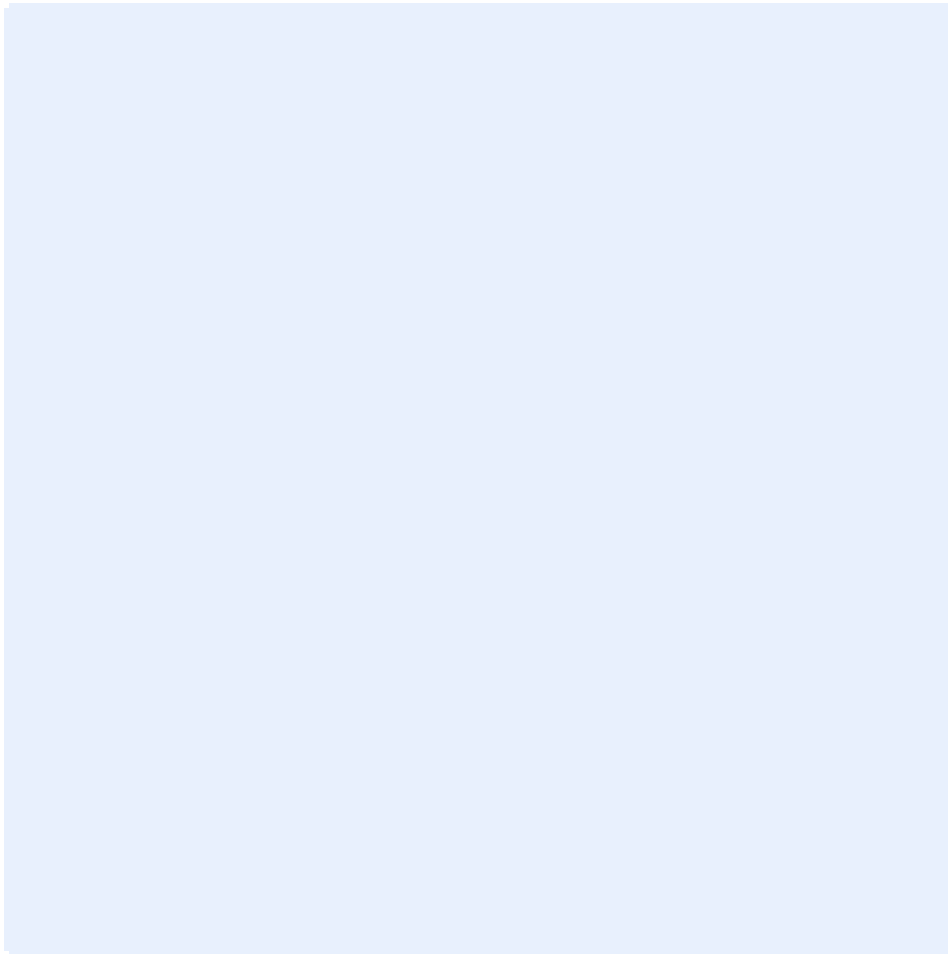
دکتر سعید شهید

خرداد ۱۴۰۲

برگ اصالت و مالکیت اثر



برگ تأیید هیئت داوران / صورت جلسه دفاع (به زبان فارسی)



تقدیم

چیدم گلی زباغ ادب تا بروز عید

دربارگاه میرادب پرور آورم

حیف است با خسان گل دانش کنی نثار

من گل نثار مردم دانشور آورم

شهریار

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان به پاس
عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران
بهترین پشتیبان است.

به پاس قلب‌های بزرگشان که فریاد رس است و سرگردانی و ترس در
پناهشان به شجاعت می‌گراید و به پاس محبت‌های بی دریغشان که هرگز
فروکش نمی‌کند این مجموعه را به خانواده عزیزم تقدیم می‌کنم.

سپاسگزاری

با سپاس فراوان از استاد راهنمای فرهیخته ام، جناب آقای دکتر محمود اسماعیلی که در طول مدت انجام این پایان نامه از رهنمودهای علمی و اخلاقی ایشان بهره مند شدم.

از استاد مشاور گرامی، جناب آقای دکتر شهید به خاطر رهنمودهای علمی و اخلاقی ارزنده شان سپاسگزارم.

چکیده

هدف: بیان کردن جایگاه والای محیط زیست در ادیان و مذاهب دنیا، و همچنین بررسی دیدگاه های مختلف ادیان با نگرشی ویژه به جایگاه محیط زیست و طبیعت در دین مبین اسلام، مواضع ائمه اطهار و معصومین نسبت به محیط زیست.

روش‌شناسی پژوهش: روشی که برای این تحقیق به کار گرفته شده است روش توصیفی-تحلیلی است. برای این منظور ابزارهایی استفاده خواهد شد، از جمله، استفاده از منابع موجود در کتابخانه ها و بانک های اطلاعاتی و آرای قضایی، پس از جمع آوری منابع و فیش برداری از آن ها، به تشریح و تحلیل مطالب، شناسایی معضلات مربوطه و راه های احتمالی پاسخگویی به آن ها، پرداخته خواهد شد. این پژوهش اساساً با استفاده از آخرین و جدیدترین مقالات و کتاب ها و اسناد حقوقی و هم چنین منابع معتبر الکترونیکی انجام خواهد شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها از طریق روش تحلیلی استنباطی است.

یافته‌ها: دین می تواند نقش بسزایی در حفاظت از محیط زیست داشته باشد. بسیاری از ادیان نیاز به مراقبت از محیط زیست را تصدیق می کنند و متون مقدس آنها پیروان را ترغیب می کند که مراقب زمین و تنوع زیستی آن باشند. نوشته های ادیانی مسیحیت و اسلام همگی حاوی آیاتی هستند که از حفاظت از محیط زیست حمایت می کنند هندوئیسم و سایر ادیان نیز حمایت از محیط زیست را تشویق می کند و به طور کلی، دین می تواند محرک قدرتمندی برای حفاظت از محیط زیست باشد و بر نگرش ها و رفتارهای مرتبط با محیط زیست تأثیر بگذارد.

نتیجه‌گیری: در دین مبین اسلام در کنار دستورات عبادی و فقهی، در زمینه حفاظت از محیط زیست نیز تعلیمات فراوانی به چشم می خورد علاوه بر تأکید دین اسلام بر رعایت حفاظت از محیط زیست، پیشوایان معصوم نیز با کردار و رفتار خود عملاً مشوق این صفات حسنه بودند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که دستورات و تعلیمات دین اسلام غالباً جنبه اخلاقی دارد و به صورت آداب و اخلاق اجتماعی یا فردی در کتاب های اخلاق ذکر شده است. به عبارت دیگر جرایم محیط زیستی در حقوق جزای اسلامی به تصریح بیان نشده و مجازات مشخصی نیز برای آن تعیین نشده است. بر همین اساس امروزه نیز این جرایم در شمار جرایم تعزیری قلمداد می شود.

کلیدواژه‌ها: ادیان، اسلام، فقه، محیط زیست

فهرست نوشتار

۱۷	فصل یک: مقدمات و بیان مساله.....
۱۷	۱-۱. مقدمه.....
۱۹	۲-۱. بیان مساله.....
۲۴	۳-۱. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق.....
۲۴	۴-۱. پیشینه تحقیق.....
۲۷	۵-۱. جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق.....
۲۷	۶-۱. سؤالات تحقیق.....
۲۷	۷-۱. فرضیه‌های تحقیق.....
۲۸	۸-۱. روش تحقیق.....
۲۹	۲. فصل دوم: تعریف محیط زیست و دیدگاه ادیان مختلف نسبت به آن.....
۲۹	۲-۱. تعریف محیط زیست.....
۳۰	۲-۲. اهمیت و نقش محیط زیست در زندگی انسان.....
۳۱	۳-۲. دور شدن بشر از طبیعت.....
۳۵	۴-۲. نقش اسلام در حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست.....
۳۷	۵-۲. دیدگاه ادیان مختلف نسبت به محیط زیست.....
۴۱	۲-۵-۱. محیط زیست در بودیسم.....

- ۲-۵-۲. محیط زیست در آئین هندوئیسم..... ۴۲
- ۲-۵-۳. محیط زیست در آئین مصریان باستان..... ۴۳
- ۲-۵-۴. محیط زیست در آئین چینیان..... ۴۴
- ۲-۵-۵. محیط زیست در آئین زرتشت..... ۴۴
- ۲-۵-۶. محیط زیست در یهودیت..... ۴۵
- ۲-۵-۷. محیط زیست در مسیحیت..... ۴۷
- ۲-۵-۸. محیط زیست در اسلام..... ۴۸
- ۳-۲. جامعیت اسلام..... ۶۹
- ۳-۳. آیات قرآن..... ۶۹
- ۳-۴. احادیث..... ۷۰
- ۳-۵. اصول مسلم و قواعد فقهی..... ۷۱
- ۳-۶. حکومت اسلامی و محیط زیست..... ۷۲
- ۳-۷. طبیعت از نگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)..... ۷۴
- ۳-۸. محیط زیست اسلامی در روایات..... ۸۰
- ۴-۲. نظارت بر جرایم زیست محیطی در اوایل اسلام..... ۹۲
- ۴-۲-۱. روایات و آیاتی از قرآن کریم راجع به اهمیت حفظ محیط زیست..... ۹۵
- ۴-۲-۲. اهتمام اسلام به فضای سبز..... ۱۰۴
- ۴-۲-۳. توصیه اسلام به رعایت حقوق حیوانات..... ۱۰۵
- ۴-۲-۴. وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تامین سلامت محیط زیست..... ۱۰۶
- ۴-۳. تاریخچه ی قانون گذاری جرایم زیست محیطی در حقوق ایران..... ۱۰۷

- ۵-۲. جایگاه حقوق محیط زیست..... ۱۱۴
- ۵-۳. منابع آلوده کننده محیط زیست..... ۱۱۷
- ۵-۴. جرم انگاری تخریب درختان..... ۱۱۷
- ۵-۵. جرم انگاری پسماند محور..... ۱۲۱
- ۵-۶. جرم انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی..... ۱۲۳
- ۵-۷. جرم انگاری آلودگی هوا..... ۱۲۶
- ۵-۸. وسایل نقلیه موتوری..... ۱۲۷
- ۵-۸-۱. تردد با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده..... ۱۲۷
- ۵-۸-۲. نقض ممنوعیتهای آلودگی هوا..... ۱۲۸
- ۵-۹. کارخانها، کارگاهها و نیروگاهها عددم رعایدت ضد دوابط، ردد آلدودگی یددا توددد
 فعالیتهاى موجب آلودگی هوا از سوی کارخانها و کارگاهها..... ۱۲۹
- ۵-۱۰. ممانعت از انجام بازرسی و عدم همکاری بداد مدموران سازمان حفاظت محیط زیست..... ۱۳۰
- ۵-۱۱. منابع تجاری، خانگی و متفرقه..... ۱۳۱
- ۵-۱۲. جرم انگای آلودگی آب..... ۱۳۱
- ۵-۱۳. جرم انگای آلودگی خاک..... ۱۳۳
- ۵-۱۴. جرم انگاری آلودگی صوتی..... ۱۳۴
- ۵-۱۵. نتیجه گیری..... ۱۳۷
- ۵-۱۶. پیشنهادها..... ۱۳۹

۱. فصل یک: مقدمات و بیان مساله

۱-۱. مقدمه

یکی از موضوعات مهم جهان معاصر به خصوص پس از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این طرف توجه به «محیط زیست» و «مسائل زیست محیطی» است؛ تا جایی که در هر کشور سازمان هایی درباره «محیط زیست» و «مسائل زیست محیطی» به وجود آمده است. متأسفانه پس از انقلاب صنعتی در اروپا و رشد و توسعه بی حد و مرز فن آوری تخریب کننده «طبیعت»، محیط زیست در معرض خطر جدی واقع شده که این امر مایه نگرانی جهانیان شده است.

امروزه محیط زیست به سبب سودجویی های ظالمانه و خودکامگی های قدرت های جهانخوار بیشتر از هر زمانی در معرض خطر و نابودی قرار گرفته است. آلودگی های فزاینده خاک، آب و هوا بیش از پیش «محیط زیست» را تهدید نموده و آسیب های جبران ناپذیری به آن وارد ساخته است. از میان عوامل مهم نابود کننده طبیعت، می توان استفاده بی رویه از ابزارآلات صنعتی و ادوات نظامی و مواد شیمیایی و سموم نام برد.

امروزه عوامل تخریب کننده طبیعت و محیط زیست چنان رو به گسترش است که از سوی دانشمندان زنگ خطر ویرانی محیط زیست در همه جای جهان به صدا درآمده است. اکنون این پرسش مطرح است که ادیان و مذاهب چه نقشی در حمایت از طبیعت و محیط زیست دارد؟ آیا مسائل زیست محیطی در آنها مورد توجه قرار گرفته است یا نه؟

در دین مبین اسلام در کنار دستورات عبادی و فقهی، در زمینه بهداشت و نظافت نیز تعلیمات فراوانی به چشم می خورد علاوه بر تأکید دین اسلام بر رعایت نظافت و بهداشت، پیشوایان معصوم نیز با کردار و رفتار خود عملاً مشوق این صفات حسنه بودند. با وجود این، به دلیل اهمیت مسأله بهداشت و سلامت جامعه و نیز امر درمان و مداوای بیماران، نظارت بر این

امور از صدر اسلام مورد توجه خلفا و زمامداران اسلامی قرار گرفت.

محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگل ها، مراتع، منابع آبی و... بوده و طیف وسیع و گسترده ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکال هایی را بوجود آورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست را بصورت جامع و مانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده اند بلکه در آنها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر سخن گفته است که در این راستا می توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود. جرم زیست محیطی هر نوع فعلی یا ترک فعلی را گویند که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی و سلامت بشر می شود. حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تاثیر آنها قرار گرفته و به همین علت درک مسایل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. در حقیقت در حقوق محیط زیست از یک سری نوآوری بدیع سود جسته و به همین سبب خود را عندالزوم با تکنیک های جدید تطبیق می دهد و قوانین و مقررات نظارتی در زمینه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی به شکل دستورهای تکنیکی و در قالب یک سری استاندارد های خاص بیان می گردد. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان کننده کلیه فعالیت ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان می باشد این نتیجه حاصل می گردد که حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین الملل و آن قسمت از حقوق را که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمت های حقوقی وارد کند را نیز در بر می گیرد. بی تردید اهمیت و جایگاه حقوق محیط زیست به بهترین شکل آن در اصل پنجاهم قانون اساسی متبلور شده و پیام آور این مهم می باشد که مسایل زیست محیطی یک امر کاملاً فرابخشی بوده و می بایست کلیه آحاد جامعه علی الخصوص سازمان ها و دستگاه ها هر

یک به فرا خور توان و کارائی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از محیط زیست بعنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیر قابل جبران محیط زیست همراه باشد. بحث حمایت از محیط زیست جزو مسائل و موضوع‌های حقوقی بین‌المللی است، و در این زمینه فعالیت‌ها و همکاری‌های بین‌المللی انجام شده است. بررسی سابقه قانون‌گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن می‌باشد که اولین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی مصوب (۱۳۰۷/۲/۱۸) قانون شکار (مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) صرفاً در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که بطور نسبی در خصوص کلیه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ می‌باشد خودداری نمایند. در قانون برنامه اول توسعه جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده راهکار خاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ گردیده بطوریکه یک در هزار در آمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و گارگاه‌های کشور به امر اختصاص یافته و با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه، موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و معرف آن در موارد معین تکرار گردید.

۱-۲. بیان مساله

دین بعنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی و فرهنگی، چنانچه از طرف پیروان خود به نیکی شناخته شود و به احکام آن نیز عمل شود در بیشتر موارد پشتوانه‌ای قوی برای حفظ محیط زیست است.

امروزه، وخامت بحران‌های محیط‌زیستی تا حدی است که حیات انسان و سایر موجودات بر کره خاکی را به مخاطره انداخته است. از این رو تبیین اخلاق محیط‌زیستی براساس مفهوم خداباوری می‌تواند رهیافت فراگیرتری نسبت به تعامل انسان با محیط‌زیست طبیعی فراهم آورد.

ادیان و مکاتب الهی در کنار توجه به مسائل معنوی و روحی، انسان را به احترام به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته‌اند.

اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این اعتقادند که «سیاست زیست محیطی» کارآمد، نیازمند جامعیت و حمایت‌های دینی و اخلاقی است؛ چرا که در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، هندو، زردشت و... احترام به طبیعت و همه عالم وجود، به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه و عنایت است.

آموزه‌های دینی و قوانین اجتماعی و بخصوص فقهی در حمایت از محیط زیست، در صد تربیت انسان و جهت دادن او در طریق بندگی خدا است. هر گاه آدمیان به این آموزه‌ها عمل کنند و راه و رسم خلیفه اللّهی را بپیمایند، مشکلات فراوان زیست محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم، رخت بر می‌بندند.

از ابتدای دهه ۱۹۶۰ میلادی استفاده لجام گسیخته از فناوری‌های مختلف زیان‌های فراوان و گسترده‌ای بیش از گذشته بر پیکره محیط زیست و طبیعت وارد نموده است. به همراه پیدایش رشد اقتصادی در پاره‌ای از کشورها در این دهه‌های اخیر، تغییرات جدی و نگران کننده‌ای در عرصه محیط زیست جهانی و زیست کره پدیدار گشته است. از یک سو فناوری‌های نوین انسان را از یک سلسله امکانات و توانمندی‌های بهره‌مند ساخته است، و از سوی دیگر به او و محیط زیست او که مبنای استقرار و استمرار موجودات زنده به ویژه آدمی و حیات آنان می‌باشد، خسارات قابل توجهی وارد کرده است.

امروزه ده ها دین و هزاران آیین و فرقه با تفاوت‌های آشکار در اصول و فروع خود در دنیا وجود دارند که هر کدام از این ها پیروان خاص خود را دارند. آنچه مسلم است هدف اصلی همه این ادیان و فرقه‌ها، حفظ موجودیت انسان و چیزی است که ما آن را کرامت انسان می‌نامیم. از آنجا که موجودیت انسان نیز به محیط زیست و طبیعت وابسته است، حفظ طبیعت هم نزد ادیان مختلف اهمیت خاص خود را دارد.

در مکاتب علمی به عوامل تشکیل دهنده طبیعت، منابع طبیعی گفته می‌شود که یک تلقی صرفاً علمی یا آکادمیک است. حال آنکه در نگرش‌های دینی و غیرعلمی، از این منابع بعنوان نعمت‌های الهی یا مواهب خداداده نام برده می‌شود که نشان از اهمیت نگرش‌های دینی بر ضرورت حفظ و اهمیت دادن به مجموعه آب، خاک، گیاهان و جانورانی است که تأمین و تضمین کننده حیات آدمی هستند.

تجاوز به طبیعت و حیات دیگر زیست‌مندان که در مکاتب علمی عملی خلاف و گاهی جرم تلقی می‌شود؛ در نگرش‌های دینی گناه تلقی می‌شوند که عملی به مراتب بدتر از خلاف و جرم شمرده می‌شود چون به جهان غیرمادی مرتبط است. در میان ادیان مختلف، ادیانی هم هستند که علاوه بر تاکید بر حفظ و نگهداری طبیعت، احکام مشخص و آشکاری در خودداری از قتل نفس موجودات، خودداری از تجاوز به طبیعت، خودداری از تخریب منابع حیاتی و مانند آن برای پیروان خود دارند. برای نمونه، اسلام احکام متعددی در این زمینه دارد که حرام کردن شکار و خوردن گوشت برخی جانوران و همچنین آلوده نکردن منابع حیاتی مانند آب و خاک از جمله آن‌هاست.

بسیاری از مردم، هنگامی که سخن از بحران‌های زیست‌محیطی و رابطه آن با دین به میان می‌آید، نسبت به دوران‌های پیشین که به‌ظاهر پیچیدگی کمتری داشت و پرسشگری از عقاید و اعمال دینی تا بدین حد با بی‌پروایی همراه نبود، احساس دل‌تنگی می‌کنند. یکی از چالش‌های پیش روی ادیان چگونگی روبرو شدن با بحران زیست‌محیطی است که بسیاری معتقدند بر اثر ماتریالیسم بی‌حدومرز، عرفی شدن و صنعتی شدن لجام‌گسیخته در جوامع امروزی پدید آمده است. درواقع بعضی معتقدند که جداکردن دین از زندگی سکولار می‌تواند یکی از علل عمده این معضل باشد.

با نگاه به جهان‌بینی‌های مبتنی بر ادیان ابراهیمی، درمی‌یابیم که سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، اخلاقیاتی انسان‌مدار را بنا نهاده‌اند. بنابراین طبیعت از دیدگاه این ادیان در درجه بالایی از اهمیت قرار دارد. از سوی دیگر، با بررسی دقیق‌تر مشاهده می‌کنیم که منابعی غنی از

دیدگاه‌های مثبت درباره محیط زیست در سنت عهد عتیق، در الهیات مقدس، در مسیح‌شناسی مبتنی بر تجسد مسیح و در مفهوم خلیفه‌الله بودن انسان در قرآن وجود دارد. سنت عهد عتیق حاوی تعهداتی است که نسبت به همه موجودات وجود دارد. تجسد مسیح بر این فرضیه متکی است که از آنجا که خداوند در شخص مسیح متجسد شد کل نظام هستی را می‌توان مقدس شمرد و بالاخره مفهوم خلیفه خدا بودن انسان بر روی زمین نشان می‌دهد که انسان برتری‌ها، مسئولیت‌ها و الزامات خاصی نسبت به طبیعت دارد.

در هندوئیسم اگرچه تاکید زیادی بر اجرای درمه یا تکلیف دینی می‌شود، هندوان در زندگی این جهانی میل شدیدی به موکشه یا رهایی از دنیای رنج یعنی سمساره دارند. برای تسکین این رنج، افراد از طریق ریاضت روحی و مراقبه، از جهان مادی دل برمی‌کنند و به سوی جهان لایتناهی معنوی رو می‌آورند. در عین حال در هندوئیسم سنت‌های متعددی وجود دارد که بعضی رودخانه‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها را مقدس می‌شمارد. علاوه بر این، الهیات هندویی در مفهوم لایلا (نقش خالقیت خدایان)، جهان را پدیده‌ای خلق شده توسط قوای آسمانی می‌داند. همین تضاد بین بریدن از جهان (مادی) و از سوی دیگر تایید و تصدیق آن در بودیسم هم وجود دارد. بعضی مکاتب بودیسم تراواده‌ای، بر ترک تعلق از جهان گذرای پر از رنج به‌هنگام مراقبه تاکید می‌کنند تا در نیروانا به رهایی برسند. از سوی دیگر مکاتب مهاییانه‌ای در بودیسم مانند هوآین بر پیوند درونی واقعیت تاکید می‌کنند و آن را به یک رشته جواهر متعلق به ایندرا تشبیه می‌کنند که هر قطعه جواهر منعکس‌کننده دیگر قطعات در جهان است. همچنین باغ‌های فرقه ذن در شرق آسیا بیانگر کمال ذات بودا در جهان طبیعی است. در سال‌های اخیر، بودیسم متمایل به امور اجتماعی، در حفاظت از محیط زیست هم در آسیا و هم در امریکا فعال بوده است.

سنت‌های شرق آسیایی کنفوسیانیسم و تائوئیسم به نوعی جزو حمایت‌کننده ترین ادیان از حیات این جهانی به شمار می‌روند. ارتباط منسجم بین خدا، انسان و جهان‌های طبیعی، این سنت‌های دینی را به مثابه جهانی‌بینی انسان‌مدارانه معرفی می‌کند. در این ادیان، آنچنان که در

سنت‌های ابراهیمی بر مساله ماوراء (تعالی) تاکید می‌شود هیچ اصراری بر این امر وجود ندارد؛ بلکه نوعی کیهان‌شناسی مبتنی بر تداوم خلقت که به واسطه تغییرات فعالانه و پیوسته طبیعت طی فصول و چرخه حیات به وجود می‌آید، مورد تایید و تاکید این ادیان است. این کیهان‌شناسی منسجم بر فلسفه "چی" که به معنای نیروی مادی است، مبتنی شده که این فلسفه، خود پایه گذار شناخت و ارزشیابی رابطه عمیق ماده و روح است. هماهنگ بودن با طبیعت و دیگر انسان‌ها همراه با توجه خاص به تائو (طریقت) هدف تربیت فردی در دو دین کنفوسیوسی و تائوئیسم است.

اقوام سرخپوست، در حالی که کیهان‌شناسی‌های زیست‌محیطی خاص خود را دارند، در بعضی موارد باعث بروز خسارت‌های زیست‌محیطی در مقیاس محلی [از طریق بعضی شعائر خود و یا کشاورزی غیراصولی] شده‌اند. با این حال بیشتر اقوام سرخپوست دارای گونه‌ای از اخلاقیات زیست‌محیطی هستند که در جهان‌بینی آنها منعکس شده است. این امر در تعهدات پیچیده و متقابل پیرامون تفسیر حیات و جمع‌آوری منابع که رابطه اجتماع را با زیست‌بوم محلی آنها مشخص می‌کند، مشهود است.

دیدگاه‌های دینی مبتنی بر شیوه زندگی سرخپوستان دربرگیرنده احترام به منابع غذا، پوشاک و سرپناه است که طبیعت برای آنها فراهم می‌کند. شکرگزاری خالق و نیروهای روحانی در خلقت، در مرکز بیشتر سنت‌های سرخپوستی قرار دارد. تقویم‌های آیینی بیشتر اقوام سرخپوست به دقت با حوادث فصلی مانند صدای پرندگان مهاجر در حال بازگشت، شکوفه دادن بعضی درختان، حرکت خورشید و تغییرات ماه هماهنگ شده است.

اکنون ما به شدت نیازمند کشف آن دیدگاه‌های جامع کیهان‌شناسانه و اخلاقیات زیست‌محیطی هستیم که عرصه را بر تخریب‌کنندگان طبیعت تنگ سازد. در همین راستا در ادامه به بررسی دیدگاه‌های ادیان مختلف نسبت به مساله محیط زیست پرداخته می‌شود.

۱-۳. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیست محیطی که بدون تردید ناشی از بهره‌وری نادرست انسان از طبیعت و منابع آن در سایه مسایل اقتصادی و صنعتی می‌باشد؛ موضوعی به نام «بحران زیستمحیطی» که یک معضل همه‌جانبه و فراگیر در عرصه‌های ملی و فراملی و بین‌المللی قلمداد می‌شود را به وجود آورده است و در این رهگذر توجه طرفداران و علاقمندان محیط زیست را در سطح داخلی و خارجی اعم از دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های عمومی و دولتی، اشخاص (اندیشمندان و متخصصین) و نیز مجامع و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود معطوف داشته است و در نتیجه، نگرارش مطالب علمی و تدوین و تصویب قوانین و مقررات داخلی و کنوانسیون‌ها، پروتکل‌ها و... را در قلمرو منطقه‌ای و بین‌المللی در جهت جلوگیری از آلودگی‌ها و نیز حمایت از محیط زیست و مقابله با عوامل آلاینده با استفاده از ابزارهای کیفری (در سطح داخلی) و حقوقی (در سطح داخلی و خارجی) به همراه داشته است. یکی از ابزارهای که در جلوگیری از تخریب محیط زیست موثر است نقش قوانین فقهی و دینی در حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن است. از این رو این تحقیق یک امر ضروری تا با اهداف زیر به بررسی این موضوع مهم بپردازد:

بررسی تعریف محیط زیست از دیدگاه‌های دینی

ارزیابی نقش دین در محیط زیست و زندگی انسان

بررسی جایگاه محیط زیست در ادیان مختلف

ارزیابی دیدگاه‌های ائمه اطهار نسبت به محیط زیست

۱-۴. پیشینه تحقیق

ارزیابی جایگاه محیط زیست از دیدگاه احکام و قوانین و ادیان موضوعی است که در طی سالیان مورد توجه محققین مختلف بوده و پژوهشگران همواره به دنبال درک جایگاه والای

محیط زیست از این منظر بوده اند. فغفور مغربی ۱۳۸۸ در تحقیقی با عنوان اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام، بیان کردند که محیط زیست عبارت است از همه چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آن ها تاثیر می گذاریم و آن ها نیز ما را متاثر می سازند و شامل محیط طبیعی، محیط مصنوعی و محیط اجتماعی است. از منظر اسلام می توان به اصولی اشاره کرد، که مهمترین آنها از این قرارند: عدالت در محیط زیست، آبادی محیط زیست مصنوعی، دعوت به حفاظت از محیط زیست، بررسی اثرات زیست محیطی طرح های توسعه، جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، مصرف بهینه، بهداشت محیط، بهداشت آب، بهداشت هوا، بهداشت صدا، بهداشت زمین، بهداشت زباله، ایجاد سیستم بازیافت، توسعه فضای سبز و اجرای پیمان های ملی و بین المللی. امامی قشلاقی و همکاران ۱۳۹۷ در تحقیقی با عنوان حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصول فقهی و اخلاقی دریافتند که در جهت نیل به برخورداری از محیط زیست سالم و اهمیت آن دو رویکرد وجود دارد در رویکرد اول برای طبیعت به عنوان ودیعه ای الهی ارزش ذاتی قائل شده و خود طبیعت مورد بحث است لیکن در رویکرد دوم لزوم حفظ طبیعت بعنوان ابزاری جهت استفاده نوع بشر مطرح می باشد که در این مقاله نگارندگان ضمن اعتقاد به رویکرد اول درصدد تبیین نظامنامه اخلاق محیط زیستی با تاکید بر آموزه های فقهی و اخلاقی در راستای صیانت از آن بعنوان حق بنیادین بشری می باشند. محمدی در تحقیقی با عنوان حفاظت از محیط زیست از منظر فقه اسلام ضمن بیان اینکه حق بهره مندی از محیط زیست را باید از مصادیق مهم حقوق بشر یاد نمود، بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز و تعدی تاکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. اسلام برای حفاظت از محیط زیست احکام و آداب خاصی دارد که این احکام و آداب به عنوان راهکارهایی در حوزه های مختلف عملکرد انسان در رابطه با طبیعت، مورد ارزیابی قرار گرفته است. امام دادی و ثقفی (۱۳۹۵) در تحقیقی به حمایت از حقوق محیط زیست در پرتو قواعد فقهی پرداختند. آنها در این تحقیق حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از آلودگی آن را یکی از مهم ترین مسائل اواخر قرن بیستم به شمار آوردند. و بیان کردند از

دیدگاه اسلام، حفظ طبیعت و تخریب نکردن آن یک وظیفه الهی، و آسیب به آن با توجه به منابع فقهی و اصول و قواعد آن، موجب خسارت است. فهیمی و مشهدی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی، ضمن اشاره به اهمیت محیط زیست در فقه امامیه ابتدا به ضرورت تحول در مبانی نظری حفاظت حقوقی از محیط زیست پرداخته و سپس ضمن ارائه نظریات روز حقوقی، به دنبال بازشناسی و ارائه نظریه فقه امامیه و حقوقدانان و تحلیل دکترین مطلوب جهت حمایت از محیط زیست خواهیم بود. یوسفی صادقلو (۱۳۹۹) در تحقیقی به مسئولیت مدنی محیط زیست در قانون و رویه پرداختند. آنها در این تحقیق مطرح این پرسش که آیا حقوق و فقه توانسته است با تکیه بر مبانی خود به حمایت حداکثری از محیط زیست برخیزد یا نقش این رشته به ویژه در حقوق و فقه کنونی نیز منفعل و غیر پویا است، به بررسی مبانی این مسئولیت در حقوق ایران و فقه پرداخته است. متأسفانه با توجه به اینکه کشورهای توسعه یافته به مسئولیت محض در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست محیطی روی آورده اند، حقوق ایران همچنان بر اثبات تقصیر در این خصوص اصرار می‌ورزد. همین مسئله منجر به منفعل و غیر پویا شدن این نوع مسئولیت گردیده است. ناصر قاسمی در سال ۱۳۸۵ پیرامون مبانی تحقق جرایم زیست محیطی تحقیق نموده است که با ملاحظه و بررسی متون تخصصی مربوط به محیط زیست و علل و بروز ناگواری‌های زیست محیطی و نیز ارزیابی قوانین و مقرراتی که در این رهگذر تدوین و تصویب گردیده است، شکل گیری جرایم زیست محیطی را می‌توان منوط به وجود دو مبنای عمده دانست که یکی از آن دو، آلودگی و آلاینده نمودن محیط زیست، اجزا و ابعاد گوناگون آن است. علاوه بر آنکه مقوله آلودگی زیست مفهوم و ویژگی‌های خاص خود را دارد بزه‌هایی که در این ارتباط مطرح هستند نیز هریک دارای مفهوم و ویژگی‌های مخصوص خود می‌باشند که در زمان بررسی جرایم زیست محیطی نکات مزبور مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت. دکتر ناصر قاسمی در سال ۱۳۸۵ پیرامون مبانی تحقق جرایم زیست محیطی تحقیق نموده است که با ملاحظه و بررسی متون تخصصی مربوط به محیط زیست و علل و بروز ناگواری‌های زیست محیطی و نیز ارزیابی قوانین و مقرراتی که در این رهگذر تدوین و تصویب گردیده است، شکل گیری

جرايم زیست محیطی را می توان منوط به وجود دو مبنای عمده دانست که یکی از آن دو، آلودگی و آلاینده نمودن محیط زیست، اجزا و ابعاد گوناگون آن است. علاوه بر آنکه مقوله آلودگی زیست مفهوم و ویژگی های خاص خود را دارد بزه هایی که در این ارتباط مطرح هستند نیز هریک دارای مفهوم و ویژگی های مخصوص خود می باشند که در زمان بررسی جرایم زیست محیطی نکات مزبور مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت.

۱-۵. جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق

از آنجائیکه تاکنون به صورت جامع به نقش ادیان و بخصوص دین اسلام در محیط زیست پرداخته نشده است. لذا در این تحقیق برای اولین بار به نقش دین و اصول فقهی در محیط زیست و زندگی انسان پرداخته می شود.

۱-۶. سوالات تحقیق

- ۱- منظور از آلودگی محیط زیست چیست؟
- ۲- ادیان و مذاهب چه نقشی در حمایت از طبیعت و محیط زیست دارد؟
- ۳- آیا مسائل زیست محیطی در آنها مورد توجه قرار گرفته است یا نه؟

۱-۷. فرضیه های تحقیق

فرض می شود که محیط زیست از منظر قانونی دارای حق و حقوق می باشد که به این حق و حقوق نیز از دیدگاه های دینی تاکید شده است. و تاکید بر حق محیط زیست از منظر قوانی و احکام دینی موجب بهبود حفاظت از آن می شود.

۸-۱. روش تحقیق

روشی که برای این تحقیق به کار گرفته شده است روش توصیفی-تحلیلی است. برای این منظور از ابزارهایی استفاده خواهد شد، از جمله، استفاده از منابع موجود در کتابخانه ها و بانک های اطلاعاتی و آرای قضایی، پس از جمع آوری منابع و فیش برداری از آن ها، به تشریح و تحلیل مطالب، شناسایی معضلات مربوطه و راه های احتمالی پاسخگویی به آن ها، پرداخته خواهد شد. این پژوهش اساساً با استفاده از آخرین و جدیدترین مقالات و کتاب ها و اسناد حقوقی و هم چنین منابع معتبر الکترونیکی انجام خواهد شد.

۲. فصل دوم: تعریف محیط زیست و دیدگاه ادیان مختلف نسبت به آن

۲-۱. تعریف محیط زیست

محیط زیست، از دو کلمه ترکیب یافته است، یکی «محیط» که واژه ای عربی است، و دیگری «زیست» که واژه ای فارسی است.

«محیط» به معنای مکان و اوضاع و احوال آمده است و آنچه که شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول می باشد. به دیگر تعبیر: محیط فراگیرنده و جای زندگی آدمی است. واژه «زیست» به معنای زندگی و حیات و زیستن آمده است.

شورای اقتصادی اروپا محیط زیست را این گونه تعریف کرده است: «محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و برونی مربوط به حیات هر موجود زنده می گردد.»

«محیط زیست» به دو مفهوم به کار رفته است: یکی مفهومی است که از علوم طبیعت نشأت گرفته و در آن با جوامع انسانی با بینش اکولوژیک برخورد می شود؛ یعنی مجموعه ای از پدیده های طبیعی و تعادل بین نیروهای رقیب در طبیعت که زندگی یک گروه بیولوژیک را مقید می کند.

مفهوم دوم کلمه «محیط زیست» از علوم معماری و شهر سازی ناشی می شود، و درباره تعاملی است که بین ساختمان، به مفهوم عام، و محیطی که در آن ایجاد می شود (محیط طبیعی یا مصنوعی) وجود دارد.

۲-۲. اهمیت و نقش محیط زیست در زندگی انسان

محیط زیست طبیعی تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد. شنیدن آواز روح بخش پرندگان، ترنم لطیف جویباران، آهنگ دلربای چشمه ساران، صفای سبز سبزه زاران، نسیم لطیف کوهستان، رقص دلنشین درختان و زیبایی شهر و دیار، همه و همه تأثیر اعجاب انگیزی بر زندگی و حیات انسان دارند. هر کسی از تماشای چنین منظره‌های زیبایی احساس آرامش و نشاط کرده و امنیت و آسایش را در حیات خویش لمس می‌کند. بر عکس، آسیب رساندن به محیط زیست و نابودی طبیعت باعث وارد آمدن صدمات و زیان‌های جبران ناپذیری به بشریت می‌شود.

افسردگی و افزایش بیماری‌های روحی و روانی انسان امروز بدون ارتباط به آسیب رساندن به محیط زیست نیست. هیچ کس نمی‌تواند منکر بشود که تخریب محیط زیست تأثیر منفی بر شیوه رفتار آدمیان می‌نهد، و اثرات ویرانگری بر اخلاق فردی و جمعی جامعه بشری بر جای می‌گذارد.

امام خمینی - قدس سره - در مورد تأثیر محیط زندگی بر شخصیت آدمی می‌نویسد:
 «محیط تربیت، شخصیت مربی، رفیق همنشین، اثرات شگفت آوری دارند که همه آن را مشاهده می‌کنند.»

قرآن کریم درباره اثر طبیعت می‌فرماید:
 «سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بد طینت، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی‌روید.»

از این آیه مبارک استفاده می‌شود همان‌طور که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، در رشد و تکامل انسان نیز مؤثر می‌باشد، و همان‌گونه که از زمین‌های شوره زار جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیانباری بر تربیت انسان دارد.

امام علی - علیه السلام - درباره اثر طبیعت بر انسان فرموده است:
 «از سرما در آغاز آن (فصل خزان) پرهیز کنید و در پایان آن (فصل بهار) به پیشواز آن

بشتابید؛ زیرا سرما بر بدن ها همان تأثیر را می گذارد که بر درخت ها؛ اول آن سوزاننده و نابود کننده است، و پایان آن رویاننده و شکوفا کننده.»

کلام امام درباره تأثیر طبیعت بر جسم و جان آدمی بسیار روشن و صریح است و همان سان که طبیعت بر جسم و بدن اثر گذار است، بر روح و روان بشر نیز اثر گذار می باشد. امروزه هیچ کس نمی تواند نقش زیانبار جنگ های بین المللی و منطقه ای را در تخریب محیط زیست و اثرات سوء آنها را بر زندگی انسان ها منکر شود. جوامعی که محیط زندگی آنها در اثر جنگ و تخریب نابوده شده است، ساکنان آنها دچار انواع بحران های روانی و جسمی شده اند. افغانستان یکی از جوامعی است که جنگ، تأثیر عمیقی بر زندگی مردم گذاشته است؛ چنانکه پژوهشگران مرکز کنترل و جلوگیری از بیماری یک سازمان تحقیقاتی پزشکی مستقر در آتلانتای آمریکا در گزارش خود گفته اند: «از هر سه شهروند افغانستان که پانزده سال یا بیشتر سن دارند دو نفر نشانه های افسردگی و سایر ناراحتی های روانی را از خود بروز می دهند.»

باربارا لویز کاردوزو، از نویسندگان این گزارش، گفته است: «در میان شهروندان افغانستانی میزان بالایی از افسردگی، اضطراب و نگرانی ناشی از ضربات روانی مشاهده می شود.» این گزارش به خوبی اثرات سوء تخریب طبیعت و تأثیر نابسامانی های اجتماعی را که بر اثر جنگ در این کشور به وجود آمده است، نشان می دهد و اثرات سوء و زیانبار جنگ را که یکی از عوامل تخریب محیط زندگی انسان است را بیان می دارد.

۲-۳. دور شدن بشر از طبیعت

روند زندگی ماشینی سبب شده که بشر از زیبایی های طبیعت فاصله بگیرد. انسان امروزی رابطه مستقیم با طبیعت را از دست داده است و فقط به وسیله الفاظ بی جان و داستان ها و تصاویر بی روح سعی دارد رابطه خود را با طبیعت برقرار کند؛ ولی غافل از اینکه رابطه غیر مستقیم با طبیعت هیچ گاه اثر رابطه مستقیم را ندارد. آری، انسان امروزی از بهره بردن از طبیعت

محروم شده است، و این محرومیت و جدایی، او را با پریشانی‌ها، افسردگی‌ها و انواع رنج‌ها مواجه کرده است.

محیط زیست طبیعی تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد. شنیدن آواز روح بخش پرندگان، ترنم لطیف جویباران، آهنگ دلربای چشمه ساران، صفای سبز سبزه زاران، نسیم لطیف کوهستان، رقص دلنشین درختان و زیبایی شهر و دیار، همه و همه تأثیر اعجاب انگیزی بر زندگی و حیات انسان دارند. بشر دور مانده از طبیعت، برای جبران این کمبود به فکر غنای مادی بیشتر افتاده و برای به دست آوردن ثروت، به تاراج طبیعت پرداخته است. از بین بردن بی‌رویه منابع طبیعی، آلوده کردن هوا و آب و خاک و نابودی گیاهان و انقراض نسل جانوران همه ناشی از سودجویی‌ها و بهره بردن ظالمانه بشر بخصوص قدرت‌های جهانخوار در عرصه جهانی است.

امروزه محیط زیست طبیعی مورد تهدید است زیرا انسان با کمک فناوری قادر است تا در سطح کره به تخریب محیط زیست اقدام کند. بروز بحران‌های محیط زیستی موجب طرح این پرسش شده است که آیا محیط زیست می‌تواند ادامه رفتار فعلی انسان‌ها را دوام بیاورد؟ هر روز بر این آگاهی افزوده می‌شود که نمی‌توان همانند گذشته به مصرف منابع جهان ادامه داد و نشانه‌های تنگناهای محیط زیستی در همه جا آشکار شده است. در حقیقت یکی از نقاط عزیمت اخلاق محیط زیستی مناقشه در همین انسان محوری در اخلاق است بر طبق این نگاه انسان محورانه، در عرصه اخلاق محیط زیستی نیز فقط این انسانها هستند که حق و حقوقی دارند و در استفاده از محیط زیست باید مصالح آنها مورد توجه قرار بگیرد. در اخلاق محیط زیستی این پرسش مطرح است که آیا باید همه رویکردهایمان به محیط زیست انسان محورانه باشد بدین معنا که اگر بنا است قید و شرطی برای رفتار ما با طبیعت وجود داشته باشد همیشه باید قید و شرط‌ها را به لحاظ نوع انسان تعریف کرد و یا نوع خود طبیعت نیز دارای حقوقی است که در مقام رفتار با طبیعت باید آن حقوق را سوای ملاحظه نوع بشر در مد نظر قرار داد. در بادی امر چنان می‌نماید که راه نجات محیط زیست این است که برای خود طبیعت با بخش‌هایی از طبیعت ارزش زیادی قائل شویم و در هر شرایطی مساله آنها را سوای ملاحظه نوع بشر

در مد نظر قرار داد و در شرایطی و سالها آنها را به پای مساله انسانی قربانی نکنیم به همین دلیل است که در مقابل اخلاق محیط زیستی انسان محورانه اخلاق محیط زیستی غیر انسان محورانه مطرح می شود. وجه اشتراک همه دیدگاه هایی از این قبیل این است که دایره ملاحظات اخلاقی را به برای محدوده نوع بشر گسترش می دهد اما اگر موجودات غیر از انسان را در خور ملاحظات اخلاقی بدانیم پرسش این است که چه چیزی انسان را می توان محور و مدار بسته قرار داد. اخلاق حیوان محورانه دیدگاهی است که علاوه بر انسان حیوان را نیز در خور ملاحظات اخلاقی می داند بنابراین در مقام تصمیم گیری کافی نیست که صرفاً تامین مصالح انسان ها یا کاستن از رنج آنها را در مد نظر قرار دهیم. بلکه باید همین ملاحظات را در مورد حیوانات نیز به کار ببریم. برخی دیدگاه ها دایره ملاحظات اخلاقی را از این هم فراتر می برند و همه جانداران را محور و مدار ملاحظات اخلاقی را از این هم فراتر می برند و همه جانداران را محور و مدار ملاحظات اخلاقی قرار می دهند ولی در اینجا جدیدترین پرسش مطرح این است که اساس آن حیات چیست؟ آیا همه جانداران ارزش یکسانی دارند؟ و در صورت تعیین مرتبه آنها چگونه میتوان نوع رفتار اخلاقی با آنها را تعیین کرد؟ این پرسش ها و بسیاری از پرسش های دیگر از این دست که برای اخلاق محیط زیستی مطرح است فعالان این حوزه را ناگزیر به مباحث ما بعد الطبیعی و الهیاتی درباره طبیعت سوق می دهد.

می توان گفت اخلاق محیط زیستی به تنهایی کفایت لازم را برای حل و فصل همه مسائل اخلاقی مطرح در مورد رابطه انسان با طبیعت را ندارد و در نتیجه ناگزیر است به حوزه های خارج از اخلاق روی آورد یکی از این حوزه ها دین است. این می تواند به خصوص از دو جهت به تعمیق اخلاق محیط زیستی و غنا بخشیدن به آن مدد برساند. یکی از این جهت که ژرفترین بصیرت ها درباره طبیعت و محیط زیست را در ادیان به خصوص در ساحت باطنی ادیان میتوان یافت. در حقیقت در پرتو همین ساحت باطنی ادیان در طول تاریخ کم نبوده و نیستند کسانی که اهل نظر بوده و نه تنها با حیوانات و گیاهان احساس همدلی و خویشاوندی می کرده بلکه اساساً محرم جان جمادات شدند. بر مبنای چنین شهود های راستینی نسبت به طبیعت حق و حقوق اخلاقی طبیعت معنای ژرفی پیدا می کند و این می تواند برای محققان

امروز بسیار الهام بخش باشد. جهت دیگر اینکه در طول تاریخ ادیان مختلف از طریق احکام دینی (شریعت) خویش دستورالعمل‌هایی برای زندگی بشر تدوین کرده‌اند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به حفظ و صیانت از محیط زیست مدد می‌رسانده است. به عنوان مثال دستورات دینی در مورد زهد (ترک دنیا) و قناعت که عموماً در ادیان به شکل‌های مختلف توصیه می‌شود هرچند ارتباط مستقیمی با حفظ محیط زیست ندارد ولی می‌توانند از جمله کارآمدترین تدابیر برای حفظ محیط زیست باشند. به علاوه احکام بسیاری در ادیان داریم که مثلاً به محبت به حیوانات، درختان، آزار نرساندن به آنها و حتی آلوده نکردن آب‌های روان و مانند آن امر می‌کنند و پیداست این احکام می‌توانند منبع الهام درخوری برای تدوین دستورالعمل‌های محیط زیستی باشد.

بسیاری بر این باورند که بحران محیط زیستی در واقع یک بحران معنوی و دینی است و جدایی دین و زندگی دنیایی می‌تواند مهمترین عامل بروز بحران‌های محیط زیستی باشد زیرا بوم‌شناسی انسانی به شدت تحت تاثیر باورهای انسان نسبت به ماهیت و طبیعت انسان یعنی دین قرار دارد با اهمیت یافتن تاثیر باورهای اخلاقی و ارزش مذهبی بر رفتار نسبت به دیگران و از جمله رابطه با سایر موجودات و گیاهان، تاکید بر این است که راه حل بحران‌های محیط زیستی در بازگشت مجدد به سنت ادیان جستجو شود. این موضوع ما را به کانون ارزشی دیگر به نام خدا گرایی رهنمون می‌شود خداگرایی رهیافتی خدا محور نسبت به جهان است که ناشی از ایمان دینی این موضوع است که خداوند خالق و نگهدارنده زمین است. در خدامحوری (ادیان ابراهیمی) خداوند خالق و نگهدارنده زمین است بنابراین مراقبت از محیط زیست مراقبت از چیزهایی است که متعلق به خداوند است اگر چه برخی به این دیدگاه ایراد انسان محور را گرفته‌اند زیرا معتقدند انسان را نسبت به سایر موجودات در مرتبه متفاوت می‌بیند، اما باید گفت که اگرچه انسان در ادیان ابراهیمی متفاوت از بقیه مخلوقات است ولی انسان به دلیل مسئولیتی که در قبال خداوند دارد نسبت به محیط زیست نیز مسئولیت ویژه دارد. این چنین مسئولیتی این است که در هنگام تصمیم‌گیری درباره محیط زیست پیامدهای ممکن بر سایر موجودات زنده نادیده گرفته نشود. بدین ترتیب در ادیان ابراهیمی پرسش پیرامون اینکه چه چیزی از ارزش

زیادی برخوردار است بر حسب خدامحوری ارائه می شود به این معنا که ارزش ذاتی در جهان هستی متعلق به خداوند است و ارزش سایر مخلوقات بر این مبنا قابل تعریف هستند از این رو تمامی اجزای طبیعت به دلیل این ارتباط از ارزش برخوردار می شوند و انسان وظیفه دارد تا از آنها مراقبت کند لذا می توان گفت معیار عمل اخلاقی نیز در چنین نگرشی بر مبنای انجام وظایفی استوار است که با خداشناسی بر عهده انسان گذارده شده است.

در یک تقسیم کلی ادیان بر مبنای تصورشان از خدا به دو دسته ادیان خدا باور و ادیان غیر خدا باور تقسیم می کند ادیان خدا باور به تعالی خدا یا خدایان در عالم عقیده دارند و این خدا یا خدایان را موجوداتی مشخص میدانند ادیانی مانند یهودیت مسیحیت و اسلام از این قسم اند. در مقابل ادیان غیر خدا باور در عین آنکه به بعد ماورایی عالم معتقدند ولی اعتقادی به وجود خدا یا خدایان متعالی ندارند بدین ترتیب باب نوعی رویکرد ابزار نگارانه بدین باز میشود. در این رویکرد فهم دنیای مدرن از طبیعت مسلم فرض می شود، طبیعت در پرتو دیدگاه کمیت مدار (علم جدیدی که نسبت حقیقی ماده و معنا رانمی بیند و به ثنویت اکید میان این دو قائل است) تفسیر می گردد. در عین حال تعالیم ادیان خواه تعالیم باطنی و خواه تعالیم ظاهری آنها را تا بدانجا به کرار مقاصد چاره اندیشی برای حل بحران محیط زیست می آید، مورد استفاده قرار می دهند. در نتیجه به اقتضای مقاصدشان یک دین را به نفع دین دیگر کنار می گذارند؛ در پاره ای موارد دست به التقاط می زنند و سعی می کنند دیدگاه دینی جدیدی با اقتباس از ادیان مختلف طراحی کنند، یا حتی در متن دین واحد، با تلقی استعاری از زبان دین، استعاره های نوین و حتی متعارض با خود آن دین خلق می کنند. ممکن است این پرسش مطرح شود که در اخلاق محیط زیستی اسلامی که بر مبنای خدا محوری و خداشناسی استوار است چه رهیافتی را می توان برای حفاظت از محیط زیست به کاربرد.

۲-۴. نقش اسلام در حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست

انسان، اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند در زمین است و تمام پدیده های طبیعی برای او

آفریده شده است.

خداوند نظر ویژه ای به انسان دارد. آسمان و زمین و دریا و کوه ها را در تسخیر بشر قرار داده تا از آنها به شیوه صحیح و مناسب بهره ببرد؛ چنان که آیات ذیل بر آن دلالت دارد:

«خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید، و باشد که سپاس دارید. او آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است به سود شما رام کرد؛ در این نشانه های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می کنند.»

«او خدایی است که همه آنچه را (از نعمت ها) در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هر چیز آگاه است.»

«او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه های آن راه بروید و از روزی های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.»

«و از آیات (عظمت) خدا این است که بادها را به عنوان بشارتگرانی می فرستد تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند و کشتی ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید؛ و امید که شکرگزاری کنید.»

«در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و [همچنین] در تغییر مسیر بادها و ابری که میان زمین و آسمان آرمیده است، نشانه هایی است [از ذات پاک خدا و یگانگی او] برای مردمی که می اندیشند.»

با توجه به آیاتی که ذکر شد، طبیعت در تسخیر انسان و برای بهره برداری در اختیار او قرار دارد. انسان می تواند با استفاده از توانایی ها و خلاقیت هایی که خداوند در سرشت او قرار داده بهترین بهره را از طبیعت ببرد، و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد.

«متون مختلف تعالیم اسلامی به انحاء گوناگون به طبیعت و عناصر آن و همچنین به فواید و

اثرهای آن اشاره نموده اند و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته اند ... آیاتی از قرآن کریم انسان را مورد سؤال قرار داده و یا او را به دستورهای امر کرده اند که یکی از مصادیق بارز این سؤالات و اوامر می تواند محیط زیست باشد. این در عین حالی است که قرآن کریم به بسیاری از اصول و قوانینی که ضامن بقا و تداوم حیات عالم هستی و حرکت آن به سوی کمال است، اشاره می فرماید که مراعات این قوانین خود مرحله ای از حفاظت از محیط زیست است.

برای نمونه می توان به موزون بودن عالم هستی و خلق عالم بر اساس توازن اشاره کرد، به این معنا که انسان نباید عملی مرتکب شود که سبب بر هم خوردن این توازن و تعادل گردد ... موضوع بعدی اشاره شده در قرآن که تجاوز به آن سبب بر هم خوردن این تعادل محیط می گردد، اندازه و قدر است. به بیان دیگر، در تماس با طبیعت و بهره گیری از منابع آن باید به گونه ای رفتار شود که اولاً؛ قدر و اندازه ملاک عمل قرار گیرد و ثانیاً تغییرات اندازه ها به حدی نباشد که سبب تخریب محیط زیست و از بین رفتن گونه هایی گردد.

حق بودن خلق الهی و یا به باطل و بازیچه آفریده نشدن آنها نیز موضوع مهم دیگری است که به بشر می آموزد تا از انهدام طبیعت و عناصر طبیعی در راه های باطل و بیهوده احتراز نماید. علاوه بر اینها قواعد فقهی متعددی همچون قاعده «لاضرر»، «ضمنان»، «اتلاف»، «تسیب» و «عدالت» را نیز می توان به عنوان بستری برای حقوق محیط زیست در فرهنگ اسلامی معرفی نمود. مضافاً بر اینکه بسیاری از اصول که بظاهر به عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی می شوند و می توانند در قلمروی از حیات مصداق خاص خویش را داشته باشند، مثل قناعت، خودکفایی، احتراز از اسراف و تبذیر و ... نیز پشتوانه های محکمی در حمایت از حقوق محیط زیست هستند.»

۲-۵. دیدگاه ادیان مختلف نسبت به محیط زیست

امروزه ده ها دین و هزاران آیین و فرقه با تفاوت های آشکار در اصول و فروع خود در دنیا

وجود دارند که هر کدام از این ها پیروان خاص خود را دارند. آنچه مسلم است هدف اصلی همه این ادیان و فرقه‌ها، حفظ موجودیت انسان و چیزی است که ما آن را کرامت انسان می‌نامیم. از آنجا که موجودیت انسان نیز به محیط زیست و طبیعت وابسته است، حفظ طبیعت هم نزد ادیان مختلف اهمیت خاص خود را دارد.

در مکاتب علمی به عوامل تشکیل دهنده طبیعت، منابع طبیعی گفته می‌شود که یک تلقی صرفاً علمی یا آکادمیک است. حال آنکه در نگرش های دینی و غیر علمی، از این منابع بعنوان نعمت های الهی یا مواهب خداداده نام برده می‌شود که نشان از اهمیت نگرش های دینی بر ضرورت حفظ و اهمیت دادن به مجموعه آب، خاک، گیاهان و جانورانی است که تأمین و تضمین کننده حیات آدمی هستند.

تجاوز به طبیعت و حیات دیگر زیست‌مندان که در مکاتب علمی عملی خلاف و گاهی جرم تلقی می‌شود؛ در نگرش های دینی گناه تلقی می‌شوند که عملی به مراتب بدتر از خلاف و جرم شمرده می‌شود چون به جهان غیرمادی مرتبط است. در میان ادیان مختلف، ادیانی هم هستند که علاوه بر تاکید بر حفظ و نگهداری طبیعت، احکام مشخص و آشکاری در خودداری از قتل نفس موجودات، خودداری از تجاوز به طبیعت، خودداری از تخریب منابع حیاتی و مانند آن برای پیروان خود دارند. برای نمونه، اسلام احکام متعددی در این زمینه دارد که حرام کردن شکار و خوردن گوشت برخی جانوران و همچنین آلوده نکردن منابع حیاتی مانند آب و خاک از جمله آن‌هاست.

بسیاری از مردم، هنگامی که سخن از بحران‌های زیست محیطی و رابطه آن با دین به میان می‌آید، نسبت به دوران‌های پیشین که به‌ظاهر پیچیدگی کمتری داشت و پرسشگری از عقاید و اعمال دینی تا بدین حد با بی‌پروایی همراه نبود، احساس دل‌تنگی می‌کنند. یکی از چالش‌های پیش روی ادیان چگونگی روبرو شدن با بحران زیست محیطی است که بسیاری معتقدند بر اثر ماتریالیسم بی‌حدومرز، عرفی شدن و صنعتی شدن لجام گسیخته در جوامع امروزی پدید آمده است. در واقع بعضی معتقدند که جدا کردن دین از زندگی سکولار می‌تواند یکی از علل عمده این معضل باشد.

با نگاه به جهان‌بینی‌های مبتنی بر ادیان ابراهیمی، درمی‌یابیم که سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام، اخلاقیاتی انسان‌مدار را بنا نهاده‌اند. بنابراین طبیعت از دیدگاه این ادیان در درجه بالایی از اهمیت قرار دارد. از سوی دیگر، با بررسی دقیق‌تر مشاهده می‌کنیم که منابعی غنی از دیدگاه‌های مثبت درباره محیط زیست در سنت عهد عتیق، در الهیات مقدس، در مسیح‌شناسی مبتنی بر تجسد مسیح و در مفهوم خلیفه‌الله بودن انسان در قرآن وجود دارد. سنت عهد عتیق حاوی تعهداتی است که نسبت به همه موجودات وجود دارد. تجسد مسیح بر این فرضیه متکی است که از آنجا که خداوند در شخص مسیح متجسد شد کل نظام هستی را می‌توان مقدس شمرد و بالاخره مفهوم خلیفه خدا بودن انسان بر روی زمین نشان می‌دهد که انسان برتری‌ها، مسئولیت‌ها و الزامات خاصی نسبت به طبیعت دارد.

در هندوئیسم اگرچه تاکید زیادی بر اجرای درمه یا تکلیف دینی می‌شود، هندوان در زندگی این جهانی میل شدیدی به موکشه یا رهایی از دنیای رنج یعنی سمساره دارند. برای تسکین این رنج، افراد از طریق ریاضت روحی و مراقبه، از جهان مادی دل برمی‌کنند و به سوی جهان لایتناهی معنوی رو می‌آورند. در عین حال در هندوئیسم سنت‌های متعددی وجود دارد که بعضی رودخانه‌ها، کوه‌ها و جنگل‌ها را مقدس می‌شمارد. علاوه بر این، الهیات هندویی در مفهوم لایلا (نقش خالقیت خدایان)، جهان را پدیده‌ای خلق شده توسط قوای آسمانی می‌داند. همین تضاد بین بریدن از جهان (مادی) و از سوی دیگر تایید و تصدیق آن در بودیسم هم وجود دارد. بعضی مکاتب بودیسم تراواده‌ای، بر ترک تعلق از جهان گذرای پر از رنج به‌هنگام مراقبه تاکید می‌کنند تا در نیروانا به رهایی برسند. از سوی دیگر مکاتب مهاییانه‌ای در بودیسم مانند هوآین بر پیوند درونی واقعیت تاکید می‌کنند و آن را به یک رشته جواهر متعلق به ایندرا تشبیه می‌کنند که هر قطعه جواهر منعکس‌کننده دیگر قطعات در جهان است. همچنین باغ‌های فرقه ذن در شرق آسیا بیانگر کمال ذات بودا در جهان طبیعی است. در سال‌های اخیر، بودیسم متمایل به امور اجتماعی، در حفاظت از محیط زیست هم در آسیا و هم در امریکا فعال بوده است.

سنت‌های شرق آسیایی کنفوسیانیسم و تائوئیسم به‌نوعی جزو حمایت‌کننده‌ترین ادیان از

حیات این جهانی به شمار می‌روند. ارتباط منسجم بین خدا، انسان و جهان‌های طبیعی، این سنت‌های دینی را به مثابه جهان‌بینی انسان‌مدارانه معرفی می‌کند. در این ادیان، آنچنان که در سنت‌های ابراهیمی بر مساله ماوراء (تعالی) تاکید می‌شود هیچ اصراری بر این امر وجود ندارد؛ بلکه نوعی کیهان‌شناسی مبتنی بر تداوم خلقت که به واسطه تغییرات فعالانه و پیوسته طبیعت طی فصول و چرخه حیات به وجود می‌آید، مورد تایید و تاکید این ادیان است. این کیهان‌شناسی منسجم بر فلسفه "چی" که به معنای نیروی مادی است، مبتنی شده که این فلسفه، خود پایه‌گذار شناخت و ارزشیابی رابطه عمیق ماده و روح است. هماهنگ بودن با طبیعت و دیگر انسان‌ها همراه با توجه خاص به تائو (طریقت) هدف تربیت فردی در دو دین کنفوسیوسی و تائوئیسم است.

اقوام سرخپوست، در حالی که کیهان‌شناسی‌های زیست‌محیطی خاص خود را دارند، در بعضی موارد باعث بروز خسارت‌های زیست‌محیطی در مقیاس محلی [از طریق بعضی شعائر خود و یا کشاورزی غیراصولی] شده‌اند. با این حال بیشتر اقوام سرخپوست دارای گونه‌ای از اخلاقیات زیست‌محیطی هستند که در جهان‌بینی آنها منعکس شده است. این امر در تعهدات پیچیده و متقابل پیرامون تفسیر حیات و جمع‌آوری منابع که رابطه اجتماع را با زیست‌بوم محلی آنها مشخص می‌کند، مشهود است.

دیدگاه‌های دینی مبتنی بر شیوه زندگی سرخپوستان دربرگیرنده احترام به منابع غذا، پوشاک و سرپناه است که طبیعت برای آنها فراهم می‌کند. شکرگزاری خالق و نیروهای روحانی در خلقت، در مرکز بیشتر سنت‌های سرخپوستی قرار دارد. تقویم‌های آیینی بیشتر اقوام سرخپوست به دقت با حوادث فصلی مانند صدای پرندگان مهاجر در حال بازگشت، شکوفه دادن بعضی درختان، حرکت خورشید و تغییرات ماه هماهنگ شده است.

اکنون ما به شدت نیازمند کشف آن دیدگاه‌های جامع کیهان‌شناسانه و اخلاقیات زیست‌محیطی هستیم که عرصه را بر تخریب‌کنندگان طبیعت تنگ سازد. در همین راستا در ادامه به بررسی دیدگاه‌های ادیان مختلف نسبت به مساله محیط زیست پرداخته می‌شود.

۲-۵-۱. محیط زیست در بودیسم

بهترین دارایی که دین ارائه می دهد چارچوب اخلاقی است که همگان باید از آن پیروی کنند. از آنجا که بسیاری از مشکلات زیست محیطی ناشی از فعالیت های انسانی است، بنابراین نتیجه گیری می شود که دین ممکن است راه حلی برای کاهش الگوهای مخرب داشته باشد. بودیسم ارتباط متقابل را ایده آل کرده و بر آن تأکید می کند، در نتیجه طرز تفکری ایجاد می کند که یک رابطه تولیدی و همکاری بین انسان و طبیعت ایجاد می کند. اینکه همه اقدامات مبتنی بر فرض ارتباط متقابل است، ذهنیت بودایی را در پرورش عفت، عطف و تعادل در بین پیروان موثر می کند، که در نهایت می تواند آسیب وارد شده به محیط زیست را کاهش دهد.

یکی از مزایای تفکر به هم پیوسته بودایی تواضع اجتناب ناپذیر ناشی از آن است. از آنجا که انسان ها با سیستم های طبیعی عجین شده اند، صدمه ای که به زمین وارد می شود، صدمه ای است که به انسان نیز وارد می شود. این تحقق کاملاً در حال تغییر در نژاد انسانی است که در طول تاریخ زمین را برای منافع فردی غارت می کند. هنگامی که انسان های منطقی شکاف بین بشریت و طبیعت را به حداقل برسانند و شکاف ها را برطرف کنند، تنها در این صورت است که احترام متقابل ظاهر می شود که در آن همه موجودات به جای مبارزه با هم زندگی می کنند. بودیسم معتقد است که دلیل همه رنج ها ناشی از دل بستگی است. وقتی رهایی از درک محکم بشریت نسبت به فردیت و جدائی رخ می دهد، آنگاه یکتایی و اتصال متقابل حاصل می شود. بنابراین بشریت به جای تأکید بر برندگان و بازندگان، وجود خود را در دیگران درک خواهد کرد. این منجر به حیائی می شود که ذهن خودخواهانه را خاتمه می دهد.

یکی دیگر از مزایای عملکرد بودایی برای محیط زیست، عطفی است که همه تفکر را برمی انگیزد. وقتی انسان ها بفهمند که همه آنها به هم پیوسته اند، صدمه ای که به شخص دیگری وارد شده هیچ گاه به نفع مبتکر نخواهد بود. بنابراین، آرزوهای مسالمت آمیز برای همه و همه چیز در نهایت به سود آغازگر است. از طریق پذیرفتن اینکه شبکه زندگی متصل است - اگر یک موجودیت سودمند باشد، همه سود می برند - پس ذهنیت حاکم اقدامات مسالمت

آمیز را همیشه تشویق می کند. اگر همه چیز به هر چیز دیگری بستگی داشته باشد، پس فقط وقایع مفید شرایط زندگی را بهتر می کنند. پذیرش شفقت، آموزش و تمرین را می طلبد، که این نیز با رفتار اخلاقی بودایی در قالب میانجیگری تشویق می شود. این تلاش عادی برای هماهنگی و دوستی در میان همه موجودات، رابطه کامل تری بین بشریت و طبیعت ایجاد می کند.

سرانجام، تفکر بودایی متکی به گام برداشتن در جاده میانه یا تلاش برای تعادل است. بنیانگذار آیین بودا، عمر خود را صرف جستجوی راه خروج از رنج انسان کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که باید تعادل بین تخریب خود و خودآزمایی ایجاد شود. در حالی که انسان های مدرن و صنعتی بر جنبه های اقتصادی و اجتماعی زندگی و در آخر جنبه های زیست محیطی تأکید دارند، این دیدگاه یک طرفه است. وقتی ترجیحات انسانی با ترجیحات محیطی - صدا دادن به سیستم های طبیعی و همچنین سیستم های انسانی - هم تراز شود، می توان تعادل و هماهنگی را تحقق بخشید.

بنابراین، با استفاده از این چارچوب ایده آل و منضبط که بودیسم می تواند ارائه دهد، می تواند راه حل های پایداری برای اصلاح رابطه گسسته بین بشریت و طبیعت ایجاد کند. آنچه در پی می آید، اخلاق است، نه سیاست کوتاه مدت یا رفع فن آوری. وقتی الگوی مصرف بی پایان برای بهبود جهان به عنوان یک کل متوقف شود، آنگاه همه سیستم ها به شکلی غیر سو با یکدیگر هماهنگ خواهند بود. بدون نیاز به پذیرش دین جدید، فقط شناخت و پذیرش این طرز تفکر می تواند به بهبود آسیب های زیست محیطی گذشته کمک کند.

۲-۵-۲. محیط زیست در آئین هندوئیسم

در عقیده هندوها گرچه بشر در رأس هرم تکامل است، اما عاملی جدا از کره زمین و سایر مخلوقات نیست. کتاب ها و دست نوشته های قدیمی دین هندو، توجه زیادی به محیط زیست طبیعی نشان می دهند و از دید آنان جنگل ها، بیسه زارها، درختان و ... مقدس هستند.

در کتاب «مهاباراتا» که تاریخ تمدن هند را بازگو می کند، آمده است اگر حتی یک درخت پر از گل و میوه در یک دهکده وجود داشته باشد، آن مکان برای پرستش و احترام با ارزش می شود.

در هندوئیسم، پزشکان و دانشمندان رویکردهای سنتی در موارد طبیعی را پیدا می کنند. فعالیت محیطی هندو همچنین ممکن است از فلسفه گاندی و مبارزات عملی، مانند جامعه بیشونوی در راجستان و مقاومت در برابر جنگلداری سیاست ها در اوتار پرادش، هند باشد. ماهاتما گاندی نقش عمده ای در محیط زیست هند داشت و "پدر محیط زیست هند" نامیده شده است. اندیشه زیست محیطی گاندی به موازات افکار اجتماعی وی از این جهت است که پایداری محیط زیست و نابرابری های اجتماعی باید با همان متدها مدیریت شود. تعالیم غیرخشونت آمیز وی تأثیر ماندگاری بر جای گذاشت، حتی از نظر کشاورزی.

۲-۳- محیط زیست در آئین مصریان باستان

زمین در نزد مصریان باستان نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است زیرا زمین به همراه آفتاب و رود نیل سه عامل اساسی کشاورزی در مصر بوده اند. بنابراین رود نیل، آفتاب و زمین، مثلثی را تشکیل می داده اند که بر افسانه ها و اساطیر کهن مصر بسیار تاثیر گذاشته است و همچنین مصریان در دوره ای خورشید را به نام خدای برین (رع) می پرستیدند و آنرا پدر درخشنده می دانستند که مادر زمین را با شعاع های نافذ نور و حرارت خویش باردار ساخته است. افسانه های آفرینش سومری معتقد بودند که در آغاز زمین و آسمان به هم در آمیخته بوده اند و بعد از هم جدا می شوند و انسان بوجود می آید، در افسانه درخت هولوپو که یکی از این افسانه ها است: «آنگاه که آسمان از زمین کنده شده بود و زمین از آسمان دور مانده بود نام انسان ماندگار شد».

۲-۵-۴. محیط زیست در آئین چینیان

چینیان قدیم نیز آسمان را پدر و زمین را مادر تمامی موجودات دانسته‌اند و دین آنها به درستی خاصیت و عامل کشاورزی را در تمدن باستانی آن قوم منعکس می‌کند به گزارش کتاب تاریخ جامع ادیان چینیان قدیم در هر روستا و دهی، تپه‌ای بلند از خاک به نشانه حاصلخیزی زمین می‌ساخته‌اند و بر قله آن تپه، درختی و اطراف آن درخت هم نهال‌های مقدس می‌کاشته‌اند و در تابستان زمانی که خورشید در اوج مدار تابستانی می‌رسیده شخص خاقان حضور می‌یافته و زمین‌ها را شیار می‌کرده است و ارواح زمین را عبادت و برای اهل آن مملکت دعا می‌کرده است. گویا این رسم تا چندی پیش نیز در چین مرسوم بوده است.

۲-۵-۵. محیط زیست در آئین زرتشت

دین زرتشت یکی از ادیانی است که در آن بیشترین سفارش‌ها جهت پاسداری از زمین و نگهداری از طبیعت به پیروانش شده است.

در اوستا کتاب مقدس زرتشت که یکی از پایه‌های استوار فرهنگ ایرانی است بارها به آشکاری از پاسداری زمین سخن رفته است همانگونه که در فروردین پشت بند ۱۵۳ و ۱۵۴ می‌خوانیم:

"می ستایم این زمین را، می ستایم آن آسمان را، می ستایم روان‌های جانوران سودمند را، می ستایم روان‌های مردان پیرو راستی را، می ستایم روان‌های زنان پیرو راستی را، در هر سرزمینی که زاده شده باشند". و این یعنی در ستایش آفریده‌های اورمزد نخست از زمین یاد شده است.

ایزدشناسی و کیهان‌شناسی زرتشتی حاکی از اهمیت اساسی طبیعت و محیط زیست در آیین زرتشتی است. در یزدان‌شناسی زرتشتی، اهورامزدا در بالای سلسله‌مراتب وجود قرار دارد و بعد از او فرشتگان بزرگ قرار دارند که امشاسپندان نامیده می‌شوند. این فرشتگان یاری‌دهنده اهورامزدا در امر آفرینش هستند. پس از فرشتگان، ایزدان قرار دارند که هر یک نسبت به جایگاه خود، وظیفه مشخصی را بر عهده دارند تا پیش از زرتشت، در فرهنگ کهن ایران و

اقوام ایرانی، همواره خدایانی که عمدتاً عناصر ننگهبان و نگهدار مظاهر طبیعت بودند، مورد پرستش قرار می‌گرفتند. زمین، دریا، گیاهان، حیوانات، آب، باد، خورشید و ... هر یک ایزد مخصوص به خود را داشتند.

احکام دین زرتشتی «ریشه در آموزه های ثنوی پیامبر و نیز در پیوندی دارد که وی در بین امر معنوی و مادی پدید آورد. همچنان که پرستش اهورا مزدا و شش امشاسپند به رستگاری معنوی مدد می‌رساند، نگاهبانی از آفریدگان هفتگانه نیز به دستیابی به فرشو کرتی (احیا و جان تازه بخشیدن) مادی کمک می‌کند.» باور بر این بود که این مخلوقات هفتگانه به صورتی کامل خلق شده بودند و تمام نقایص آنها (از قبیل ناپاکی، بیماری، زنگار، کدرشدگی، کپک زدگی، گندیدگی، آفت و فساد) کار انگره مینیو و سپاهیان او بود. به همین دلیل جلوگیری از هر کدام از نواقص ذکر شده یا کاهش دادن آنها، کمک و یاری رساندن به پاسداری از آفرینش نیک و تضعیف دشمن مهاجم بود. پس آنچه معیار رفتار با طبیعت و محیط زیست را تشکیل می‌دهد، وابسته به این است که پدیده یا موجود مورد نظر مظهري از اهورامزدا است یا اهریمن. به همین دلیل است که موجودات مخلوق اهورامزدا (مثل آب، آتش، خاک و باد، آسمان، خورشید) مورد پرستش و تقدیس قرار می‌گیرند و بر حراست و پاک داشتن آنها تاکید می‌شود اما موجوداتی که مخلوق اهریمن که خرفستره (شامل هر موجود مضر یا چنندش آور برای انسان مثل کژدم، رطیل و وزغ زشت) نامیده می‌شدند، ناپاک به شمار رفته، بر نابودی و کشتن آنها تاکید می‌شد چون به نظر ایشان این کار از بدی می‌کاست. اما از جنبه ای عملگرایانه به نظر می‌رسد که این نگرش، میزان سودمندی یا مضر بودن موجودات طبیعی از نظر انسان را معیار حفاظت یا نابودی آنها قرار می‌دهد. چرا که از نظر زرتشت غایت خلقت زمین و آسمان در جهت بهره وری انسان و استفاده نیکو از آنهاست.

۲-۵-۶. محیط زیست در یهودیت

یهودیان زمین را مادر خوانده اند که در سفر پیدایش تورات زمین در روز نخست آفریده

شده است.

در کتاب مزامیر در بخشی از سرود ۱۰۴ نیز میخوانیم: "خداوند نباتات را برای چهارپایان می رویاند و سبزه را برای خدمت انسان، و نان را از زمین بیرون می آورد ... ای خداوند، پدیده های تو چه بسیار است؛ جمیع آنها را به حکمت کرده ای و زمین از دولت تو پر است."

در یهودیت، جهان طبیعی نقشی اساسی در قانون یهود، ادبیات و آیین های مذهبی و سایر اعمال دارد. چند متفکر و خاخام یهودی معاصر تأکید کردند که اعتقاد اصلی در یهودیت این است که مردم، باید زمین را در همان وضعیتی که از جانب خدا، صاحب ابدی و واقعی آن دریافت کرده، حفظ کنند، بنابراین مردم امروز باید از آلوده کردن آن خودداری کرده و آن را برای نسل های بعدی تمیز نگه دارید. بر اساس این نظر، یهودیت به وضوح با اصول حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار مطابقت دارد.

بر طبق کتاب مقدس، آفرینش جهان به دست خداوند انجام گرفته است و اولین آیات کتاب مقدس داستان آفرینش را بازگو می کند. کتاب مقدس آکنده از آگاهی و قدردانی نسبت به طبیعت است، از «سفر پیدایش» گرفته تا «مزامیر». طبیعت گواه خداوند در امر خلقت است، بر خلاف جهان بینی های شرک آمیز ادیان باستان که به اشیاء موجود در طبیعت جنبه الوهیت می دادند، کتاب مقدس به طور آشکارا، طبیعت را کار دست خداوند دانسته و به هیچ وجه آن را بخشی از خداوند نمی داند.

جهان مادی بر اساس «سفر پیدایش» خیر است. بدی از طریق عمل و انتخاب آزاد مردم وارد جهان می شود و نه در جریان فرآیند خلقت.

مالک طبیعت خداست، در «مزامیر» آمده است: «زمین و هر آنچه در آن است و جهان و هر چه در آن زندگی می کند از آن خداوند است.» زمین برای خدا و همه ساکنان مخلوق اوست، احکام بسیاری در دین یهود بر این موضوع تأکید می کنند که انسان برای استفاده از آفرینش به اجازه خداوند احتیاج دارد: «به یاد داشته باشد که زمین مال خداست و نمی توانید آن را برای همیشه بفروشید، شما مهمان خداوند هستید، می توانید فقط از محصول زمین استفاده کنید.» از این رو، در دین یهود، جهان بر محوریت خداوند سامان می یابد و آن محل تجلی معنا،

هدف و ارزش آفرینش خداوند است.

در متون دینی یهودی آموزه‌های مرتبط با محیط زیست به طور ضمنی مطرح شده‌اند، چرا که این آموزه‌ها جزئی از مقوله ارتباط میان خداوند، انسان و جهان به شمار می‌آیند با این حال ائتلاف متنوعی از دستداران محیط زیست یهودی، هم از نظر آموزشی و هم از طرف سیاست در موضوعاتی مانند تنوع زیستی و گرم شدن کره زمین حمایت می‌کنند و برای محافظت از طبیعت و کاهش آلودگی تعداد زیادی سازمان دولتی و غیردولتی تشکیل داده‌اند.

۲-۵-۷. محیط زیست در مسیحیت

مسیحیت یک نگرانی تاریخی برای طبیعت و جهان طبیعی دارد. در همان زمان، نگرانی‌های زیست محیطی با تنش مقادیر انسانی مانند نظریه کتاب مقدس حاکمیت انسان بر زمین کار می‌کنند. طیف گسترده‌ای از موسسات مسیحی درگیر جنبش محیطی و نگرانی‌های زیست محیطی معاصر هستند.

در سنت کاتولیسم معنای عمل خیر عبارت است از غذا دادن به گرسنگان، عیادت بیماران و پناه دادن به بی‌خانمان‌ها، اما پاپ فرانسیس اکنون طبیعت را نیز مشمول عمل خیر اعلام کرده است و رعایت حق طبیعت را از جمله وظایف دینی مسیحیان قرار داده است.

رهبر کاتولیک‌های جهان در این باره گفته است: طبیعت خانه انسان است، بی‌احترامی و ناسپاسی انسان سبب شده است که طبیعت وضعیتی فاجعه‌بار پیدا کند.

مسیحیت معتقد است که در تمام سنت‌ها، بازگشت به طبیعت و محیط زیست وجود دارد. این عقیده را از ابتدای خلقت دنبال می‌کند و برای تمام ارجاعات و مستندات که در انجیل موجود است، ادله‌ای وجود دارد. همچنین مسیحیت عقیده دارد؛ خداوند جهان را آفرید و انسان را موظف کرد و طبیعت را برای انسان خلق کرد تا از آن بهره‌مند شود.

در آیین مسیحیت نیز طبیعت و محیط زیست مورد توجه است، در کتاب اعمال رسولان که ادامه انجیل لوقا است به بشر سفارش شده که در پدیده‌های طبیعی بیندیشید و از این راه به

وجود خدا پی ببرید. در قسمتی از باب چهارم این کتاب آمده است: «به شما بشارت می‌دهیم که از این اباطیل رجوع کنید به سوی خدای حی که آسمان‌ها و زمین و دریا و آنچه را که در آنهاست آفرید.»

۲-۵-۸. محیط زیست در اسلام

قرآن و سنت‌های نبوی [سخنان و اعمال محمد] روشن می‌کند که محیط یک نعمت و نشانه‌ای الهی است. قرآن بارها به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند و خوانندگان را وادار می‌کند تا به عنوان بازتابی از حقیقت - نشانه‌ای برای یک طراح - درباره محیط زیست تعمق کنند. می‌توان دانش عمیقی از طبیعت به دست آورد، بنابراین بشر باید آن را حفظ کند و از آن مراقبت کند.

قرآن کریم در سوره اعراف درباره اثر طبیعت می‌فرماید: سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمینهای بد طینت، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی‌روید. از این آیه مبارک استفاده می‌شود همان‌طور که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، در رشد و تکامل انسان نیز مؤثر می‌باشد، و همان‌گونه که از زمین‌های شوره‌زار جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیانباری بر تربیت انسان دارد..

حضرت امام جعفر صادق (ع) با کلام شیوای خود درباره اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام و قرآن چنین فرموده‌اند: «زندگی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نیست: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصلخیز. داشتن این سه امر حیاتی در زندگی کاملاً به عملکرد ساکنان سیاره زمین وابسته است.»

در اینجا چند نمونه از سخنان حضرت محمد (ص) در رابطه با محیط زیست آورده شده است:

۱- اگر یک مسلمان درختی بکارد یا بذر بکارد، و سپس یک پرنده، یا یک شخص یا حیوان

از آن بخورد، این به عنوان یک هدیه خیرخواهانه برای او در نظر گرفته می شود.
 -اصحاب [یعنی شاگردان پیامبر] ای رسول خدا! آیا خدمتی برای حیوانات جایزه ای برای ما دارد؟ وی پاسخ داد: "خدمت به هر موجود زنده پاداش دارد.
 -جهان زیبا و سرسبز است، و به راستی خداوند متعال شما را مباشر خود در آن قرار داده است.

-آب را هدر ندهید، حتی اگر در جریان آب باشید.
 در اینجا آیتی از قرآن وجود دارد که به حفاظت از محیط زیست پیوند خورده اند:
 او کسی است که شما را به عنوان جانشینان [خلیفه] بر روی زمین قرار داده است .
 ای فرزندان آدم! ... بخورید و بنوشید، اما هدر ندهید. مطمئناً او هدر دهندگان را دوست ندارد.

نصر معتقد است که برای غلبه بر بحران زیست محیطی باید این شناخت وجود داشته باشد که "کل طبیعت از عوالم معنوی بالاتر ناشی می شود." به گفته نصر، خلع سلاح زدایی از غرب منجر به افزایش ایدئولوژی ترویج سلطه بر زمین و منابع آن شده است که مغایر تفکر اسلامی است. به گفته جاناتان بنتال (متخصص حفاظت از محیط زیست و اسلام)، از طریق دو مضمون اصلی، دیدگاه مفیدی از محیط گرایی ارائه می دهد. اولین آن "جلال و منطق کیهان و بازآفرینی دوره ای زندگی" است که از طریق قسمت های قرآن، به ویژه مواردی که به مباشرت اشاره می کنند، قابل مشاهده است (خلیفه). موضوع دوم ارجاعات بنتال اساس محیطی است که اسلام از آن بنیان نهاده شده است، "محیطی که منابع طبیعی، به ویژه آب، درختان میوه و دام همیشه باید برای اطمینان از بقای انسان با دقت حفظ می شد.

بسیاری از مسلمانان فعالیت های اقلیمی را آغاز کرده اند. بنیاد اسلامی برای بوم شناسی و علوم محیطی یک سازمان خیریه است که به ارائه گفتگوها و تشویق فعالیت های مختلف که هم دیدگاه های اسلامی و هم پایداری اکولوژیکی را ترکیب می کند اختصاص یافته است. اهداف این سازمان ایجاد یک مرکز برای تحقیقات اسلامی است و همچنین به عنوان مکانی برای جمع آوری و آزمایش فن آوری های جدید پایدار عمل می باشد.

اکنون بیش از سه دهه است که اندیشمندان دین‌پژوه و دانشمندان محیط زیست، آثار برجسته‌ای را در زمینه رابطه دین و زیست بوم انجام داده‌اند و سری کتاب‌های مورد بحث ما از کاملترین این تحقیقات به شمار می‌رود.

مجموعه کتاب‌هایی که در این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرد، ادیان جهان و آموزه‌های زیست محیطی آنها را بررسی می‌کند. قصد مدیران این پروژه این است که حوزه مطالعاتی جدیدی را در دین‌پژوهی پدید آورند که به اخلاقیات زیست محیطی معاصر کمک کند.

این مجموعه کتاب حاصل تحقیقاتی است که در مرکز مطالعات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد طی سال‌های ۹۶ تا ۹۸ میلادی به انجام رسیده است. مدیران این پروژه خانم مری اولین تاکر و جان گریم بودند که همراه با گروهی از متخصصان مسئولیت این کار را بر عهده داشتند. این طرح عظیم از همکاری مستقیم بیش از ۶۰۰ تن از محققین، رهبران دینی و متخصصان محیط زیست از سراسر جهان بهره گرفته است. کنفرانس‌هایی که این مجموعه بر اساس آنها تهیه شده است توسط مرکز مطالعات ادیان جهانی دانشگاه هاروارد سازماندهی شده و از همکاری دانشگاه باکسل و مرکز "مطالعه زندگی و محیط زیست جامعه انسانی امریکا" برخوردار بوده است.

مجموعه کتاب‌های "ادیان جهان و محیط زیست" نه دین بزرگ را در مجلداتی جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد. این مجموعه که در اینجا بر اساس تاریخ انتشار کتاب‌ها معرفی می‌شوند، شامل این آثار است:

۱- کتاب بودیسم و محیط زیست (پیوند با اعمال)

این کتاب در سال ۱۹۹۷ میلادی به سرویراستاری مری اولین تاکر و دانکن ریوکن ویلیامز در پانصدونه صفحه به چاپ رسید. در بخشی از معرفی این کتاب می‌خوانیم: "با توجه به چالش‌های موجود که بر اثر بحران‌های زیست محیطی به وجود آمده است، تعالیم آیین بودایی در مورد ارتباط درونی همه اشکال حیات می‌تواند در بازیابی رابطه متقابل و منطقی انسان با طبیعت بسیار موثر باشد. در این مجموع بیست دین‌پژوه و کارشناس محیط زیست، دیدگاه‌های

بودیسم را درباره شبکه پیچیده حیات بررسی می‌کنند. نویسندگان، بر جنبه‌های سستی بودیسم که می‌تواند در شکل‌دهی اخلاقیات زیست‌محیطی کارآمد، مفید باشد، تاکید می‌کنند و نمونه‌هایی از پروژه‌های بودایی را که در آسیا و ایالات متحده در جهت حمایت از محیط زیست، اجرا گردیده است ارائه می‌دهند."

عنوان سرفصل‌های این کتاب که هر یک چندین مقاله را دربر می‌گیرد عبارت‌اند از: (۱) مرور کلی: دسته‌بندی موضوعات؛ (۲) بودیسم تراواده و محیط زیست: الگوی تایلند؛ (۳) بودیسم مهاییانه و محیط زیست: مورد ژاپن؛ (۴) بودیسم و حیوانات در هند و ژاپن؛ (۵) ذن بودیسم: معضلات و چشم‌انداز آینده؛ (۶) بودیسم امریکایی: تشکیل جوامع زیست‌محیطی؛ (۷) کاربردهای جهانی زیست‌محیطی بودیسم؛ (۸) مسائل نظری و روش‌شناختی در بودیسم.

۲- کنفوسیانیسم و محیط زیست (رابطه آسمان، زمین و انسان)

این اثر به سرویراستاری مری اولین تاکر و جان اچ. برترانگک در سال ۱۹۹۸ و در چهارصدویست صفحه منتشر شده است. سرفصل‌های اصلی مجموعه مقالات آن به این ترتیب است: (۱) طبیعت نقد؛ (۲) زمینه پاسخ؛ (۳) منابعی عقلانی از چین، کره و ژاپن؛ (۴) تاملات فلسفی؛ (۵) از اصول‌پردازی تا عمل.

یکی از منتقدین درباره این اثر چنین گفته است: "این کتاب ارزش بسیار فراوانی دارد. کنفوسیانیسم یکی از غنی‌ترین و در عین حال مغفول‌ترین منابع موثر در بینش زیست‌محیطی است و باید در بحث‌های بین‌فرهنگی و در تاملات زیست‌محیطی به اندازه بودیسم و ادیان بومی آمریکا، مورد توجه قرار گیرد.

۳- مسیحیت و محیط زیست (جست‌وجوی بهروزی برای زمین و انسانها)

این کتاب تحت نظارت دیتر. تی. هسل و رزماری رادفور وریتر در سال ۲۰۰۰ میلادی، در هفتصدویست صفحه چاپ شده است. این اثر شامل مجموعه مقالاتی، با موضوعات زیر است: (۱) پدر، پسر، روح‌القدس از دیدگاه زیست‌محیطی؛ (۲) بینش، رسالت انسانی و فضایل برای

اجتماع زمینی؛ ۳) مسائل عمومی و خاص در اخلاقیات و معنویت؛ ۴) به سوی امنیت و پایداری جهانی؛ ۵) سنت مسیحی برای محیط زیست و عدالت.

سنت‌های مسیحی چه کمکی می‌تواند به تضمین سعادت آینده زمین بکند؟ به همان میزان که زمین گرم تر، طوفانی تر، نامتعادل تر، پرجمعیت تر و از عدالت دورتر می‌شود، تعداد فزاینده‌ای از متکلمان و علمای اخلاق مسیحی، به چالش‌های زیست محیطی می‌پردازند. این کتاب جامع که جزئی از مجموعه کتاب‌های "ادیان جهان و محیط زیست" است به ما گوشزد می‌کند که باید با رویکردی جدید به الهیات مسیحی بنگریم و با کمک اخلاق ناظر به عدالت زیست محیطی، به تلاشی همگانی در راه بازسازی محیط زیست اقدام کنیم. نویسندگان این کتاب که طیف وسیعی از اندیشمندان پروتستان، کاتولیک و ارتدوکس را تشکیل می‌دهند، از موضوعات بحث‌انگیزی پرده برمی‌دارند که منجر به غفلت و سوءاستفاده از محیط زیست گردیده و در عوض دیدگاه‌های سازنده‌ای را طرح می‌کنند که در تامین عدالت زیست محیطی و زندگی اجتماعی توأم با مسئولیت‌پذیری، موثر است.

۴- محیط زیست و هندوئیسم (فصل مشترک زمین، آسمان و آب)

این کتاب چهارمین اثر از مجموعه ادیان جهان و محیط زیست به شمار می‌رود و تحت سرپرستی کریستوفر کی چاپل و مری اولین تاکر در سال ۲۰۰۰ میلادی و در ۶۵۶ صفحه به چاپ رسیده است.

این اثر، نقش سنت چندوجهی هندوئیسم را در توسعه آگاهی‌های زیست محیطی در هند نشان می‌دهد. نویسندگان این کتاب در جست و جوی پاسخ این سوال‌اند که چگونه مفاهیم سنتی ناظر به طبیعت، در متون کلاسیک می‌تواند الهام‌بخش یا مانعی در ایجاد رابطه دوستانه بین هندوهای امروزی و محیط زیست باشد. آنها بعضی از دیدگاه‌های مردم عادی را در حمایت از محیط زیست توصیف می‌کنند. سرفصل‌های عمده این کتاب شامل این عناوین است:

۱) بنیان‌های فرهنگی: مفاهیم سنتی هندوها درباره طبیعت؛ ۲) فلسفه گاندی و پیدایش نوعی

اخلاقیات زیست محیطی سرخپوستی - هندی؛ ۳) جنگل‌ها در متون و سنت‌های کلاسیک؛ ۴) تقدس جاری و بی‌حرمی مخاطره‌آمیز: رودخانه‌های یامونا، گنگا و نرمده؛ ۵) آیا متون و اعمال آیینی هندوی می‌تواند به اشاعه آگاهی زیست محیطی کمک کند؟

۵- سنت‌های سرخپوستی و محیط زیست: پیوند کیهان‌شناسی و جامعه
این کتاب تحت نظارت جان گریم در سال ۲۰۰۱ میلادی و در ۸۲۴ صفحه منتشر گردیده است. نویسندگان که جمعی از محققان سرخپوست و نیز دانشمندان غیربومی و فعالان زیست محیطی هستند، به مسائل مهمی که جوامع سرخپوستی با آن مواجهند مانند تهدید قلمرو زندگی خود و مقاومت در برابر آن، جهانی شدن بازار و رسانه‌ها و حفظ موجودات در معرض انقراض می‌پردازند. این کتاب با مواجه کردن خواننده با ارزش‌های بسیار والای انسانی و زیست محیطی سرخپوستان در عصر جهانی شدن، اشکال خلاقانه مقاومت آنها را در برابر این معضلات می‌ستاید.

فصول اصلی این کتاب عبارت‌اند از: ۱) جوامع پراکنده؛ ۲) کیهان‌شناسی‌های پیچیده؛ ۳) جهان‌بینی‌های مستحکم؛ ۴) مقاومت و نوزایی؛ ۵) زیست بوم‌های رهاننده.

۶- تائوئیسم و محیط زیست: (راه‌هایی در چشم‌اندازی نامتناهی)
این اثر در سال ۲۰۰۱ میلادی تحت سرپرستی لیو زیاوگان، جیمز میلر و ان. جی. گیراردات در ۴۷۶ صفحه عرضه شد. نویسندگان این اثر تعامل تائوئیسم و محیط زیست را با نگاهی به شاخصه‌های نظری و تاریخی‌ای که رویکرد این دین را به محیط زیست پی‌ریزی کرده است، بررسی می‌کنند. همچنین آنها به تحلیل دیدگاه‌های متون دینی تائویی در زمینه وسیع فرهنگ چینی می‌پردازند تا موضوعات اساسی موجود در متون کلاسیک را روشن کنند.

۷- جینیسم و محیط زیست (عدم آزار در شبکه حیات)

این کتاب زیر نظر کریستوفر کی چاپل در سال ۲۰۰۲ میلادی و در ۳۰۴ صفحه به چاپ رسیده است. آیین دوهزاروپانصدساله جینیسم که بر "عدم آزار" به مثابه تنها راه نجات انسان‌ها تاکید می‌کند، جهان‌بینی‌ای را ارائه می‌دهد که ظاهراً با اهداف فعالیت زیست محیطی هماهنگ است. اما آیا جینیسم می‌تواند نوعی محیط زیست‌گرایی جامعه‌محور را بدون فداکردن اصول زاهدانه و سنت معنوی خود بپذیرد؟

۸- یهودیت و محیط زیست (جهان مخلوق و کلمه وحیانی)

این کتاب تحت نظر حوا تیروش ساموئلسون در ۶۲۰ صفحه و در سال ۲۰۰۲ میلادی به بازار نشر وارد گردید. گفتمان زیست محیطی یهودی نشان داده است که یهودیت در ذات خود دغدغه عمیقی درباره رفاه و سعادت جهان طبیعی دارد. این کتاب قصد دارد تا به گفتمان نوظهور یهودیت و محیط زیست [با روش ساختن مفاهیم متعدد طبیعت در تفکر یهودی] کمک کند تا زمینه‌ساز ایجاد الهیات طبیعی یهودی شود. نویسنده مقالات این کتاب، محور کار خود را عهد عتیق و ادبیات ربینیک قرار داده‌اند و رابطه بین نظریه خلقت و نظریه وحی در زمینه قانون طبیعی را بررسی می‌کنند و به مسائلی پیرامون طبیعت و اخلاق می‌پردازند. آنها از منظر سنت عرفانی یهود، گفتمان سکولار زیست محیطی و فرمان‌های دینی یهودی را به چالش می‌کشند.

۹- اسلام و محیط زیست (امانت الهی)

این اثر، نهمین و آخرین کتاب از این مجموعه به شمار می‌رود که در سال ۲۰۰۳ میلادی تحت نظارت ریچارد سی. فالنس، فردریک ام. دنی و عزیزان بهارالدین در ۵۸۴ صفحه به چاپ رسیده است.

مسلمانان با جمعیت یک میلیارد و چندصد میلیون نفری، حدود یک ششم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. عامه مردم در غرب، اسلام را معادل خاورمیانه و جهان عرب می‌دانند در حالی که ذکر این نکته مهم است که بدانیم در حدود هفتادوپنج درصد از مسلمانان در خاور دور در

آسیا و حدود ۳۵۰ میلیون نفر از این جمعیت در بنگلادش، پاکستان و هند زندگی می‌کنند و اندونزی بیشترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده است. اقلیت‌های مسلمان در کشورهای مختلفی همچون فنلاند، اکوادور و نیوزلند اقامت دارند و بیشتر کشورهای غربی دارای جمعیت قابل توجهی از مسلمانان هستند. بسیاری معتقدند که اسلام در ایالات متحده، بیشترین رشد را نسبت به سایر ادیان به خود اختصاص داده است.

اسلام همانند مسیحیت و یهودیت، دینی توحیدی است و کتاب مقدس این دین [قرآن کریم] محور ایمان مسلمانان است. قرآن، رسول خدا حضرت محمد (ص) را الگوی مسلمانان معرفی می‌کند. بنابراین، حدیث که به ثبت گفتار و رفتار پیامبر می‌پردازد به نوعی مکمل قرآن است و مسلمانان را در درک بهتر شیوه زندگی اسلامی (شریعت) کمک می‌کند. قرآن مملو از اشارات به منابع ارزشمند حیاتی یعنی آب، هوا و خاک است و مسلمانان را از اسراف نهی می‌کند. از سوی دیگر احادیث نیز بیانگر دغدغه پیامبر درباره حفظ منابع طبیعی و توزیع عادلانه آنها در میان همه مردم است. اسلام از همان بدو پیدایش یعنی هزار و چهارصد سال پیش اصولی را برای شناخت زیست محیطی که لازمه کسب شایستگی خلیفه‌اللهی است، به انسان‌ها عرضه کرد.

اما پیدایش اخلاقیات زیست محیطی به مفهوم امروزی آن، پدیده‌ای نوظهور است. نخستین اندیشمند مسلمان که به این حوزه پرداخت فیلسوف شیعه ایرانی پروفیسور سید حسین نصر بود که در کتاب "Prennis Philosophia" که با همکاری فریتهوف شوان، تیتوس بورکهارت و رنه گنون به رشته تحریر درآورد، این عقیده را مطرح کرد که حقایق جاودانه در تعدادی از سنت‌های فلسفی و فرهنگی تاریخی، شرح داده شده است.

انتقاد زیست محیطی نصر از جهان غرب با مجموعه سخنرانی‌های وی در دانشگاه شیکاگو در سال ۱۹۶۶ آغاز گردید که یک سال بعد در کتابی تحت عنوان "Man and Nature" منتشر شد. کنفرانس اسلام و محیط زیست که بخشی از کتاب مورد بحث ما «Islam and Ecology» حاصل جمع‌آوری مقالات مطرح شده در این کنفرانس است، توسط جان گریم، فضلون خالد و مری اولین تا کر سازماندهی و در روزهای هفتم تا دهم ماه مه سال ۱۹۹۸ در مرکز مطالعات

ادیان جهان در مدرسه الهیات هاروارد، برگزار شد. بعد از این رویداد، کنفرانس‌های دیگری در سطح جهان اسلام به این موضوع پرداختند (مانند کنفرانس تهران و جده) که همگی از سوی دولت‌ها سازماندهی شده بودند. کتاب حاضر، شامل تعدادی از مقالات عرضه شده در این کنفرانس و چند مقاله دیگر است.

به عقیده بسیاری از متفکران مسلمان، بحران زیست محیطی نشانه‌ای است از یک فاجعه بزرگتر یعنی دور شدن انسان‌ها از زندگی‌ای که مطابق با خواست خداوند است. یک جامعه مبتنی بر عدالت که در آن روابط انسان‌ها با یکدیگر و با خداوند به طور شایسته برقرار گردیده است به راحتی دچار معضلات زیست محیطی نخواهد شد.

کتاب حاضر در پنج فصل تنظیم گردیده که عبارت‌اند از: (۱) خدا، انسان و طبیعت؛ (۲) چالش تفسیر (مجدد)؛ (۳) محیط زیست و عدالت اجتماعی؛ (۴) به سوی جامعه‌ای پایدار؛ (۵) باغ اسلامی، استعاره‌ای از بهشت.

بخش نخست: مقالات این بخش "خدا، انسان و طبیعت"، دیدگاه اسلام را درباره نظام کیهانی شرح می‌دهند و عبارتند از: الف) نخستین مقاله با عنوان "شناخت اخلاقیات زیست محیطی از منظر قرآن" به قلم ابراهیم اوزدمیر با تمرکز بر قرآن، مقدمه‌ای مناسب در شناخت دیدگاه اسلام درباره جایگاه انسان در سلسله مراتب وجود محسوب می‌شود. اوزدمیر با تفاسیر کهن و جدید، معتقد است که فرد مسلمان اگر به درستی رابطه بین خالق، انسان‌ها و مخلوقات دیگر را که در قرآن شرح داده شده، درک کند، در این کتاب آسمانی، اخلاقیات زیست محیطی اسلام را پیدا خواهد کرد.

ب) دومین مقاله با عنوان "جهان زنده: طبیعت در مثنوی جلال‌الدین رومی" نوشته ال. کلارک است. وی کیهان‌شناسی‌ای را که در اشعار عرفانی جلال‌الدین مولوی یافت می‌شود، توضیح می‌دهد. از دیدگاه مولوی کل جهان زنده است و انسان‌ها تنها بخشی از خلقت الهی‌اند که در آن همگی موجودات خداوند را تسبیح می‌گویند.

ج) سعدیه خاورخان چشتی در مقاله خود با عنوان "فطرت: الگویی اسلامی برای بشریت و محیط زیست"، تفسیری زیست محیطی بر اساس مفهوم فطرت در اسلام را پیشنهاد می‌کند که

به‌مثابه ماهیت و ذات ابدی اشیاء تعبیر می‌شود. وی می‌افزاید که ماهیت بنیادین (فطرت) بشر هماهنگ با محیط زیست او آفریده شده است. بنابراین وجدان زیست‌محیطی چیزی است که نیاز به آموزش ندارد بلکه باید آن را بیدار کرد.

بخش دوم: مقالات این بخش ما را به تفکر درباره این امر تشویق می‌کند که چگونه می‌توان جهان‌بینی اسلامی معاصر را در زمینه معضلات زیست‌محیطی فعلی به کار برد.

الف) نخستین مقاله این فصل به قلم دکتر سید حسین نصر و تحت عنوان "اسلام، دنیای اسلامی معاصر و بحران زیست‌محیطی" ارائه شده است. وی در این مقاله به موانع زیادی که بر سر راه تحقق اخلاقیات زیست‌محیطی اسلام در دنیای معاصر وجود دارد اشاره و راه‌هایی را برای غلبه بر این موانع پیشنهاد می‌کند.

ب) ماویل عزالدین، یکی از نخستین اندیشمندان مسلمانی است که مسائل زیست‌محیطی را به‌مثابه معضلی اساسی مطرح کرد. وی در مقاله خود "اسلام و محیط زیست: فرضیه و عمل" به مسائلی چون بحران‌های آلودگی، کمبود آب و دیگر معضلات پیش روی جهان اسلام اشاره می‌کند.

ج) نعمان الحق در مقاله‌ای با عنوان "اسلام و زیست‌بوم: اصلاح و بازسازی" با مراجعه به منابع اصلی اسلام یعنی قرآن، حدیث و شریعت اسلامی، در جست‌وجوی کشف این مطلب است که چگونه اسلام سنتی می‌تواند مسلمانان را در مواجهه با معضلات زیست‌محیطی هدایت کند.

د) عبدالعزیز سعید و ناتان سی. فانک، به قرائتی زیست‌محیطی از مفاهیم سنتی اسلام مانند "توحید" و "سلام" (صلح) می‌پردازند و معتقدند که مسائل زیست‌محیطی ناشی از نادیده گرفتن معنای واقعی "اسلام" است که آن هم به علت غفلت از توحید به وجود آمده است.

عثمان عبدالرحمان لیولین در مقاله خود: "مبنایی برای ایجاد رشته حقوق زیست‌محیطی اسلامی" نگاهی کلی و جامع به کیفیت تعامل شریعت سنتی اسلامی با مدیریت زیست‌محیطی می‌افکند و با ذکر این مطلب که بسیاری از قوانین شریعت اسلامی در اکثر کشورهای مسلمان اجرا نمی‌شود، راه‌حلهایی مشخص برای تفسیر این قوانین و اجرای آنها پیشنهاد می‌کند.

و) مقاله بعدی با عنوان "محیط زیست گرایی اسلامی: موضوعی در خور بررسی" به قلم ریچارد سی فالتس راه عبور از نظریه پردازی تا عمل را با نشان دادن چگونگی کاربردی شدن اصول اسلامی در حفاظت از محیط زیست در سطوح دولتی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، بررسی می کند.

ز) کاوه افراسیابی در مقاله "به سوی الهیات زیست محیطی اسلام" بر این عقیده است که اگرچه اسلام دارای منابع مهمی درباره احترام به محیط زیست است اما متفکران مسلمان باید گامی فراتر بنهند و در صورتی که انتظار دارند که سنت به طور موثر به بحران های فعلی پاسخ دهد، باید به بازنگری بعضی از پیش فرض های اولیه خود پردازند.

مقالات بخش سوم: الف) فضلون خالد در مقاله "محیط زیست و عدالت اجتماعی" ریشه های بحران زیست محیطی را در مدرنیته غربی می یابد که در چند قرن گذشته بر جوامع اسلامی تحمیل شده است.

ب) یاسین داتن به بررسی بعضی جنبه های دنیای مدرن مثلاً نظام بانکداری جهانی که مبتنی بر سود است می پردازد و در مقاله خود "بحران زیست محیطی زمان ما: پاسخ اسلامی"، معضلات زیست محیطی را ناشی از سودجویی بی حد و حصر به قیمت نابودی جوامع انسانی می داند.

ج) هاشم اسماعیل دوکرت در مقاله "اسلام، جامعه اسلامی و دغدغه های زیست محیطی: یک الگوی توسعه بر اساس جامعه نظام مند اسلام"، با تایید نظریه داتن این نکته را شرح داده است که چگونه نظام اسلامی مدرن نظری (فرضی) با نظام موجود فعلی تفاوت دارد.

د) نوال عمار در مقاله "عدالت زیست محیطی و حقوق انسانی زنان در اسلام" نقدهای اکوفمینیستی را با بررسی عدالت اجتماعی اسلامی ترکیب می کند و نتیجه می گیرد که مسائل زیست محیطی باید در زمینه ای وسیع تر که حقوق زنان در دسترسی مساوی به منابع طبیعی و اجتماعی را فراهم سازد مورد موشکافی قرار گیرد.

بخش چهارم (به سوی جامعه ای پایدار): الف) با مقاله محمد اسلم پرویز تحت عنوان "نوآوری علمی و میزان" به بررسی مفهوم قرآنی توازن "المیزان" می پردازد. وی با ارائه

الگوهای از جوامع معاصر به چگونگی نادیده انگاشتن این اصل قرآنی می‌پردازد.

ب) دومین مقاله این بخش به قلم صفی‌الدین ا. حامد با عنوان "ظرفیت‌سازی برای توسعه پایدار: مشکل اسلامی کردن موسسات زیست‌محیطی" به بررسی توسعه در جوامع معاصر اسلامی از دیدگاهی وسیع‌تر می‌پردازد. حامد با بیش از حد خوشبینانه خواندن آرمانگرایی بعضی از نویسندگان قبلی می‌پرسد که تا چه حد مدل‌های خالص اسلامی می‌تواند در عمل کاربرد داشته باشد.

ج) نانسی دلبیو. جبرا و جوزف جی. جبرا نمونه‌هایی از برنامه‌های تنظیم خانواده در کشورهای اسلامی مصر و ایران را بررسی می‌کنند. عنوان مقاله آنها "اسلام، محیط زیست و برنامه‌ریزی برای خانواده: دو نمونه ایران و مصر" است.

محمد یوسف صدیق به بررسی تجربه بنگلادش [یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای اسلامی و از فقیرترین کشورهای جهان] می‌پردازد تا ثابت کند که حفاظت از محیط زیست نمی‌تواند جدای از تلاش برای از بین بردن فقر باشد. "یک سفر زیست‌محیطی در بنگلادش اسلامی" عنوان مقاله یوسف صدیق است.

"اسلام در نظریه توسعه و برنامه‌ریزی مالزی" نوشته ابوبکر عبدالمجید، پنجمین مقاله این فصل است که نویسنده اصول زیربنایی توسعه مالزی را با تعاریف اسلامی از عدالت اجتماعی سازگار می‌داند. برنامه توسعه مالزی چشم‌انداز سال ۲۰۲۰ نام دارد.

در آخرین مقاله این فصل با عنوان "شبکه توسعه آقاخان: اخلاقیات توسعه پایدار و بیداری اجتماعی" به بررسی پروژه‌های تحت حمایت بنیاد آقاخان پیشوای اسماعیلیان می‌پردازد.

فصل پنجم: در این فصل ابتدا آتیلیو پتروچولی در مقاله خود با عنوان "طبیعت در شهرسازی اسلامی: باغ واقعی و باغ استعاری" به بررسی شیوه‌هایی می‌پردازد که جوامع سنتی اسلامی جایگاه خود را در نظام طبیعت از طریق معماری و ساختن باغ‌ها، نشان داده‌اند.

۳. فصل سوم. محیط زیست از دیدگاه فقهی دین مبین اسلام

۳-۱. محیط زیست از دیدگاه اسلام

هرچند امروز مسائل و مشکلات محیط زیستی در جهان اسلام به همان اندازه مطرح است که در جهان غرب، و اگرچه به ظاهر چنین می نماید که نظر اسلام نسبت به طبیعت و جهان با نظری که دنیای غرب برپایه آن بشریت را دچار بحران زیستی ساخته است چندان تفاوتی ندارد، ولی تعمق بیشتر می تواند این حقیقت را آشکار سازد که نگاه اسلام به طبیعت، با دیدگاه غرب در چند قرن اخیر بسیار متفاوت است. اگر نظر اسلام چندان روشن و آشکار نیست، به این دلیل است که تمدن اسلامی از قرن هجدهم به بعد تحت تأثیر تمدن غربی سخت دگرگون شده است و حقیقت این است که جهان اسلام بیش از آنکه اسلامی باشد، زیر پوشش تمدن و فرهنگ غربی پنهان شده است. اگر می بینیم معضلات محیط زیستی در نواحی اسلامی نیز وجود دارد، این امر حاکی از آن نیست که جامعه اسلامی مطابق آرمان ها و اصول اسلامی خود زیست می نماید، بلکه دال بر آن است که از اصول و آرمان های خود به دور افتاده است. نظر اسلام بایست علی القاعده برای غرب از اهمیت شایانی برخوردار باشد، چرا که نظر اسلام نسبت به محیط زیست بر تقدس عالم طبیعت که آفریده خدای ابراهیم است و یهودیان و مسیحیان همه به او معتقدند، استوار است. بنابراین اسلام یادآور چیزی است که غرب به برکت ادیان ابراهیمی که اسلام نیز در زمره آنهاست، از آن بهره مند بوده، ولی امروزه آن را از دست داده است.

برای فهم نظر اسلام نسبت به محیط زیست باید سه مطلب را خوب لمس کرد: خدا و رابطه او با جهان، انسان و طبیعت. در مقوله «خدا و رابطه او با جهان» باید گفت: شاید برخی «توحید»

را که اصل اولیه از اصول بنیادین اسلام و کلیه ادیان توحیدی است، صرفاً به اصل اثبات صانع و یکتائی محدود بدانند؛ در حالی که مهمترین و شاید پیچیده ترین مسأله از مسائل الهیات، نه اصل اثبات صانع، بلکه رابطه ازلی و ابدی او با جهان است. سؤال اصلی این است که: خدا در جهان چگونه تصرف می کند؟ ارتباط او چگونه است؟ شاید برخی چنین بیندیشند که اثبات صانع برای جهان اصلی ترین مسأله الهیات است. در حالی که برای اثبات صانع به هر حال هر گروهی دلایلی اقامه کرده اند. حکیمان و متکلمان براهینی نظیر «برهان امکان و وجوب»، «برهان نظم»، «برهان صدیقین»، «برهان محرک نخستین» اقامه کرده اند؛ ولی با همه اینها، آنچه تبیین و درکش چندان آسان نیست، رابطه جهان با خداست. حقیقت این رابطه چیست و چگونه رابطه ای است؟ آیا جهان صرفاً در اصل ایجاد و حدوث اولیه، نیازمند خداوند است؟ ابن سینا حتی از قول برخی متکلمان نقل می کند که آنان «رابطه خدا و جهان» را «رابطه صانع و مصنوع» و «فاعل و مفعول» می دانستند و درست همان احکام و آثار را بر آن بار می کردند. آنان فکر می کردند خدا همانند بناست و جهان همانند بنا.

اروپائیان قرن هفدهم خدا را به سازنده ساعت تشبیه می کردند و تمثیل مورد علاقه بویل در مورد جهان و آفریدگار، ساعت مشهوری در استراسبورگ بود؛ در حالی که چنین نیست. حضور پروردگار در سراسر ذرات موجودات نزد حکیمان مسلمان حضوری دائم است. بطلان این پندار را فارابی، ابن سینا و بعدها غزالی مبین کرده اند.

اما در مقوله «انسان»؛ برای شناخت نگاه ادیان الهی به انسان بایست به کتب مقدس مراجعه کنیم. در کتب مقدس قرآن، تورات و انجیل، داستان و یا به تعبیر برخی، اسطوره خلقت انسان بیان شده که بسیار با اهمیت و دارای پیام های بسیار است. البته متون کتب مقدس در این زمینه با یکدیگر برابر نیستند، اندکی مختلف اند.

در قرآن مجید انسان «خلیفه خدا»ست. در سوره بقره چنین آمده: و إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً: یاد کن آنگاه که پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت. قالوا اَنْجَعِلْ فِیْهَا مِنْ یُّفْسِدُ فِیْهَا وَ یَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نَقْدِسُ

لک: [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم. قال إني أعلم ما لا تعلمون: فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید. و علم آدم الأسماء كلها: [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت. ثم عرضهم على الملائكة فقال أنبوني بأسماء هؤلاء ان كنتم صادقين: سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید! قالوا سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت العليم الحكيم: گفتند منزهی تو، ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نیست؛ تویی دانای حکیم. قال يا آدم أنبئهم بأسمائهم: فرمود ای آدم، ایشان را از اسامی آنان خبر ده! فلما أنبأهم بأسمائهم قال ألم أقل لكم إني أعلم غيب السماوات والأرض وأعلم ما تبءون و ما كنتم تكتمون: چون [آدم] ایشان را از نامهایشان خبر داد، فرمود: آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید، می‌دانم؟

به موجب آیات قرآن مجید، انسان در بهشت مرتکب لغزش شد، ولی خداوند به وی توبه را آموزش داد. او توبه کرد و خداوند توبه اش را پذیرفت. پس از پذیرفتن توبه، او را برای خود برگزید: «فتلقى آدم من ربه كلمات فتاب عليه إنه هو التواب الرحيم: سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و خدا توبه او را پذیرفت، زیرا توبه‌پذیر و مهربان است». جای دیگر در همین باره می‌فرماید: «وعصی آدم ربه فغوى: آدم به پروردگارش عصیان ورزید و بیراهه رفت. ثم اجتابه ربه فتاب عليه و هدى: سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد. قال اهبطا منها جميعا بعضكم لبعض عدو: فرمود همگی از آن [مقام] فرود آید، در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است. فإما يأتينكم منى هدى فمن اتبع هداى فلا يضل و لا يشقى: پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد، هر کس از هدایم پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه تیره‌بخت. و من أعرض عن ذكرى فإن له معيشة ضنكا و نحشه يوم القيمة أعمى: و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می‌کنیم».

به موجب آیات فوق خداوند در بهشت توبه آدم را پذیرفته و نیز خداوند عصیان کاری بشر را در ذات او نهاده، ولی او را قابل هدایت و انتخاب کردن راه سعادت دانسته است. مستفاد از آیات آن است که خداوند در همان بهشت آدم را «مجتبی» و «مصطفی» قرار داده و او را «برگزیده» است. هبوط به معنای نزول و جودی است، ولی هبوطی است که در نظام آفرینش پیش بینی شده است. به دیگر سخن اگر آدم عصیان نمی کرد، اصولاً طرح آفرینشش عملی نمی شد. موجودی بود همانند سایر ملائکه که به صورت بی اختیار تسبیح حق می گویند و نه از روی اختیار. اما بشر عاصی، ولی تائب است که مورد توجه الهی است و از همین جهت که عصیان کار و توبه کن است، خلیفه الله و دارای امانت الهی است. حال البته توبه را عرفاً ناشی از عشق به حق گرفته اند که در آدم وجود دارد، ولی در ملک وجود ندارد. حافظ می گوید:

جلوه ای کرد رخت دید، ملک عشق نداشت عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد

این بیان قرآن است؛ ولی همین مقوله در انجیل به این بیان نیست. در مسیحیت انسان به دنبال مقابله با خدا و برابری با وی و ذاتا شریر و گناهکار است. تلقی ناصوابی بر اثر تحریف در کتاب های تورات و انجیل رخ داده و آن این است که این درخت، «درخت معرفت» معرفی شده و خوردن آدم از آن مایه ارتقای او بوده است.

رابطه انسان با طبیعت در قرآن کریم چگونه بیان شده است؟

در میان کتب مقدس آسمانی، نگاه قرآن به رابطه انسان با طبیعت، بسیار جالب توجه است؛ قرآن به نحو اجمال به پنج اصل بسیار مهم و جالب توجه اشاره می کند: نخستین اصل این است که طبیعت مخلوق خداست، بنابراین نباید آن را سجده کرد، بلکه فقط برای خداوند باید سجده کرد: «و من آیاته اللیل و النهار و الشمس و القمر: از نشانه های او، شب و روز و خورشید و ماه است.» بی درنگ ادامه می دهد: «لا تسجدوا للشمس و لا للقمر: به خورشید و ماه سجده مبرید، و اسجدوا لله الذی خلقهن ان کنتم ایاه تعبدون: به خداوندی که آنها را آفریده است، سجده کنید اگر او را می پرستید.»

اصل دوم که بسیار مهم است، این است که جهان آیه و نشانه خداست: سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ: ما آیات خود را در جهان نشان می دهیم. آیه و نشانه بودن جهان را به دو گونه می توان تفسیر کرد. تفسیر اول، کلامی است و همه متکلمان هم در باره اش حرف زده اند؛ به این معنا که شما از نشانه، یعنی از اثر پی به مؤثر بپرسید، یا از معلول به علت پی بپرسید؛ مثلاً رد پای کسی را روی زمین می بینید، درمی یابید که از اینجا عبور کرده است. در این تفسیر، جهان آیه خداوند یعنی نشانه وجود خداست. بین آیه و صاحبش، جدایی و تمایز است: آیه چیزی است و صاحب آیه چیز دیگر؛ ولی آیه دلالت بر وجود صاحب آیه می کند.

تفسیر دیگر تفسیر عرفانی است. در عرفان اسلامی آیه که جهان هستی است، صفات حق تعالی است و نه تنها نشانه او. به عبارت دیگر، همه جهان اسما و صفات حق تعالی است و خداوند از اسما و صفاتش جدا نیست، همان گونه که خورشید از صفاتش که نور و گرمی و درخشندگی است، جدا نیست. حق تعالی نیز یعنی موجودات عالم، نمایاننده حق اند و نه چیزی جدا از حقیقت. آنچه ما ببینیم، از یک نگاه موجودات هستند و جدای از حق و از نگاه دیگر، هستی و خداوند است. همان گونه که انسان از اندیشه هایش جدا نیست و به یک معنا انسان همان اندیشه هایش است و به یک معنا انسان چیزی است و اندیشه هایش چیز دیگر، رابطه آیه و نشانه یا اسما و صفات با حق تعالی نیز همین گونه است. یکی از جملاتی که در دعای کمیل بیانگر همین معنای بالاست، و جز با همین تفسیر امکان بیان ندارد، این جمله است: «و بأسمائك التي ملأت أركان كل شيء» (ای خدا، تو را به نامهایت سوگند که اركان هر چیزی را آکنده است).

و اما اصل سوم این است که بشر مأمور به حفظ و آبادانی زمین است. نکته بسیار عجیب و جالبی است، می فرماید: «هو الذي أنشأكم من الارض و استعمركم فيها: او هموست که شما را از زمین پدیدار کرد و شما را در آن به آبادانی گمارد». به موجب این آیه، خداوند آبادانی و عمران زمین را به بشر واگذار کرده است؛ یعنی گفته این زمین، مستعد آبادانی

و بهره برداری است و توای بشر، باید آن را آباد کنی. عبادت انسان این است که در زمین آبادانی ایجاد کند، برای اینکه به حیات طیبه و رزق طیب برسد.

چهارمین اصل این است که طبیعت متعلق به کل بشریت است. قرآن، وحدت کامل بشریت را در نظر می گیرد و می گوید: این طبیعت به همه انسان ها تعلق دارد. این اصل را می توانیم به عنوان اصل «مشترک بودن طبیعت در میان همه بشریت»، در نظر بگیریم. کل بشر، نه فقط بشر امروزی و کنونی، بلکه همه نسلهای بشری که در گذشته بوده اند و در آینده خواهند بود. نسل بشر از صفت بخشندگی خداوند و رحمانیت واسعة او دارای حق می شوند و در نتیجه، در بهره مندی از مواهب طبیعی همه آنها با هم شریک اند. از این مطلب نتیجه گرفته می شود که ما حق نداریم بیش از نیاز خود از مواهب طبیعت برداشت کنیم و آن را از بین ببریم.

پنجمین اصل قرآنی نیز عبارت است از: ممنوعیت نابود ساختن گیاهان و جانوران. در سوره بقره، آیه ای است که در باره اخلاق قدرتمندان بیان شده است. می فرماید: کسانی هستند که وقتی به قدرت می رسند، کاری جز فساد و نابودی انجام نمی دهند، حرث و نسل، درخت و موجود زنده، همه چیز را از بین می برند: «و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل و الله لایحب الفساد: نتیجه قدرتمند شدن او چیزی جز این نیست که در زمین تباهی کند و کشت و نسل را به هلاکت برساند و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.»

اما انسان های دیگری هم وجود دارند که وقتی به قدرت می رسند، خود را قربانی بشریت می کنند، خود را فدای آنهایی می کنند که مدیریت آنها را برعهده دارند «و من الناس من یشری نفسه أبتغاء مرضات الله و الله رثوف بالعباد: از میان مردم، کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می فروشد و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است.»

۴. از این اصول پنج گانه چه نتیجه گیری می توان کرد؟

با توجه به اصول ذکر شده، می توانیم چنین نتیجه بگیریم که از نظر تعلیمات قرآن، بشر در مورد طبیعت آزادی مطلق ندارد. رابطه انسان با طبیعت، از یک سو «حق» است و از سوی دیگر «تکلیف». حق دارد که از طبیعت بهره مند شود؛ ولی متقابلاً مکلف است که در حفظ آن بکوشد و از هر گونه فساد و خرابی آن را محافظت و نگاهبانی نماید. و نیز مکلف است که آن را آباد کند.

«فساد در زمین» از نظر قرآن، معنای وسیعی دارد و قلمرو آن، هم شامل جنبه مادی است و هم شامل ابعاد معنوی. قرآن کریم تمام زشتی های اخلاقی را داخل در «فساد در زمین» قرار داده است: جنگها، خونریزی ها، ستمگری ها، بی عدالتی ها همه داخل در «فساد در ارض» است؛ متقابلاً صلح و دوستی و ارج نهادن به کرامت انسانی، آبادی زمین است. قرآن مجید انسان های کامل را که آنان را «بندگان رحمن» نامیده، چنین توصیف می کند: «و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما: بندگان [خاص خدای] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند [و سخنان نابخردانه گویند]، به آنها بدرود می گویند [و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند].»

انسان در عمل چگونه می تواند بار «امانت الهی» را بر دوش کشد در حالی که قادر است زمین را تباه کند و چگونه می تواند در مقام جانشین و خلیفه تمام عیار و کامل در زمین افساد نماید بلکه بالاتر از آن، در زمین صلح و هماهنگی ایجاد کند؟

پاسخ این سؤال در مفهوم «عبودیت» نهفته است؛ یعنی لازم است در خصوص جایگاه انسان در عالم هستی، یک قید ثانوی از تعالیم قرآنی بر مفهوم خلیفه الهی آدمی افزوده شود تا بتوان تصویر کاملی از منظر اسلامی در خصوص انسان به دست آورد و آن «عبد» بودن اوست؛ صفتی که انسان را قادر می سازد تا به کمال انسانیت خود برسد و بدان لحاظ بتواند خلیفه خدا گردد. خلیفه ای که بر زمین حکم می راند، مطابق امیال و خواسته های خود فرمان نمی راند، بلکه مطابق احکام الهی حکم می راند. او در آن صورت می تواند

نماینده ذات باری تعالی باشد که از محدودیت انگیزه های شخصی گذر کرده و اراده خود را کاملاً تسلیم اراده ذات خداوند بنماید. قرآن پیامبر اسلام(ص) را قبل از هر چیز، «عبد» خداوند معرفی کرده است و مسلمانان در نماز همواره او را به همین عنوان می خوانند: «عبد و رسوله: بنده خدا و فرستاده او» و به موجب نصوص قرآنی، مسلمانان باید شیوه رسول الله(ص) را پیروی کنند؛ بنابراین کسانی که از شیوه آن حضرت پیروی می کنند، قبل از هر چیز باید عبد و بنده خداوند باشند تا بتوانند امیدوار باشند که خلیفه و جانشین او گردند.

نکته مهم این است که انسان صرفاً زمانی می تواند خلیفه خداوند باشد و بر آفرینش به نیابت از او حکم براند که با تأسی به رسول خدا(ص)، عبدالله باشد و اراده خود را تسلیم خداوند نماید و روی زمین با صلح و صفا و آرامش زیست کند و با کائنات و محیط خود هماهنگ و موزون باشد. قرآن می گوید: «بندگان خداوند مهربان، آناند که روی زمین آرام می زیند». چنانچه آدمی به هدایت الهی تن ندهد، بنده خدای مهربان نخواهد بود و نمی تواند در مقام خلیفه الهی انجام وظیفه کند و در آن صورت، به عوض ایجاد صلح و آرامش و تعادل و انسجام با محیط زیست خود، تخم فساد خواهد افشاند و به تعبیر قرآن «مفسد فی الارض» خواهد شد.

هدف تعالیم اسلام ارائه سیستمی از ارزش هاست که ملحوظ داشتن آن، مسیر تکاملی عالم وجود و انسان را تضمین کند. در این راستا رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و محیط تبیین می گردد. این سیستم در برگیرنده ی مباحث مربوط به محیط زیست، از جمله نحوه ی استفاده از منابع، نحوه ی ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم تر، نحوه ی نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آنها بوده و نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات، گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است. آئین اسلام، حتی به حفظ محیط زیست در شرایط جنگی نیز توجه داشته و تخریب و انهدام محیط زیست، کشتار حیوانات اهلی، استعمال مواد سمی و شیمیایی و مانند آن در زمان جنگ منع کرده است. خلاصه ای از آموزه ها و نظام ارزشی زیست محیطی از منظر اسلام در این فصل تبیین می گردد.

۲-۳. جامعیت اسلام

اسلام به عنوان دین خاتم، رسالت ارائه ی برنامه ای جامع برای سعادت و تکامل مادی و معنوی فرد و جامعه را بر عهده دارد. خداوند متعال نیز بر این معنا که از بیان هیچ چیز در قرآن فروگذار نشده و بیان کامل هر چیزی در آن آمده است، تأکید دارد، لذا وظیفه ی ما تلاش و جهد جهت درك و استنباط اصول و احكام در زمینه های مختلف است.

«اسلام در کلیه شئون و روابط انسانی اعم از روط الهی و بشری، بلکه حتی در چگونگی ارتباط انسان با حیوانات و دیگر اشیاء دخالت کرده و برای همه آنها مقرراتی وضع نموده است؛ لیکن این بدان معنی نیست که برای هر موضوع با عنوان ویژه و متداول امروزی آن، حکم خاصی مقرر داشته است، بلکه احیاناً کلیات و یا اصول و قواعدی وضع نموده که می توان از آن حکم موضوع مورد نظر را به دست آورد. مسأله ی محیط زیست هم از همین قبیل است به یقین در هیچ یک از منابع اسلامی به عنوان محیط زیست حکمی مطرح نشده است ولی بدون تردید درباره آب، خاک، زمین، هوا، پاکی و ناپاکی، نظافت، آلودگی، طوفان، باد، گرد و خاک، آتش سوزی، و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع، احکام زیادی وجود دارد که به کمک آنها می توان مقررات دقیقی برای مسائل محیط زیست به دست آورد. متأسفانه به علت قصور و یا شاید به جهت اینکه محققان اسلامی از آغاز طرح این عنوان تا این اواخر خود را نیازمند تحقیق در این مسائل نمی دیدند؛ تاکنون در این مورد از نظر اسلامی تحقیق و پژوهشی انجام نگرفته است.»

۳-۳. آیات قرآن

آیات متعددی از قرآن کریم به مظاهر مختلف طبیعت با عنوان نشانه ها [آیات]ی از خداوند و جلوه ای از قدرت او می پردازد، حتی خداوند به آنها قسم یاد می کند و انسان را به تدبر و

تأمل در این آفرینش حکیمانه فرا می خواند. بحث از طبیعت و محیط زیست در آیات قرآن گسترده است اما عصاره و خلاصه کلام که می تواند به خوبی پیوستگی و ارتباط حکیمانه انسان با محیط را بیان نماید در این گفتار به نیکی متجلی می شود:

خداوند متعال به صراحت می فرماید: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ او خدائی است که شما را از زمین بیافرید و آبادانیش را به شما وا گذاشت. و ضمن تأکید بر این که نظام هستی بر اساس صلاح آفریده شده، در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می کند.

در جایی دیگر نیز پس از تجویز استفاده از رزق خداوندی، می فرماید: در روی زمین فتنه و فساد نکنید. طبیعی است که استفاده نابخردانه از مواهب طبیعت و زیاده روی در بهره برداری از آن، یا آلودگی محیط، از موارد فساد در روی زمین خواهد بود. بنابراین انسانی که خداوند او را جانشین خود معرفی می کند، می بایست جایگاه خود را باز شناسد و با خردورزی و شایستگی این وظیفه را به انجام رساند.

۳-۴. احادیث

در احادیث نیز تأکید فراوانی بر اخلاق زیست محیطی و حمایت از محیط زیست وجود دارد که تنها به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می نمایم.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) دین اسلام دین پاکیزگی معرفی و ضمن اینکه پاکیزگی دستور همگانی برای مردم تلقی شده، بهشت را نیز که مظهر پاکیزگی است، مختص به پاکیزگان دانسته است. درخت کاری، ایجاد فضای سبز و آب روان مورد تأکید آموزهای دینی قرار گرفته است و مسلمانان به این موارد تشویق شده اند بر اساس روایتی از پیامبر اکرم (ص) سه چیز سبب روشنی چشم دانسته شده است: نگاه به فضای سبز، آب جاری و روی نیکو.

در جای دیگر آمده است: هر گاه نهالی در دست شما است و قیامت بر پا می شود در آن فرصت کوتاه آن نهال را بکارید. در روایت دیگر کاشتن درخت و جاری ساختن قنات و... در

ردیف تعلیم دانش و ساختن مسجد شمرده شده است.

رسول گرامی اسلام فرمودند سه گروه اند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می گیرند: کسانی که اماکن عمومی، سایبان ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند و کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند و کسانی که سد معبر کرده، مانع عبور عابران شوند.

۳-۱.۵ اصول مسلم و قواعد فقهی

در اسلام احکام عامی وجود دارد که با استفاده از آنها می توان مسائل جدید را بررسی و تطبیق داد. مهمترین این اصول، اصل لاضرر می باشد. این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است. طبق این قاعده هیچکس نمی تواند فعالیتی که به زیان دیگری باشد انجام دهد و در صورتی که هر گونه زینانی از او به دیگری وارد شود، گر چه این کار او به منظور اعمال حق خویش باشد؛ ضامن جبران خسارت وارده شده است، حتی تمسک به اصل تسلیط، «الناس مسلطون علی اموالهم»، تا زمانی امکان پذیر است که بین آن و قاعده لاضرر تعارضی به وجود نیاید در غیر این صورت، اصل لاضرر مرجح است. بر همین اساس، هر شخصی که با تولید یا مصرف خود باعث آلوده سازی محیط زیست شود؛ از جهت شرعی ضامن است و در مواردی که طرف مقابل او اجتماع یا نسل های آینده باشد؛ دولت موظف است به نمایندگی از عموم مردم، به احقاق حق آنان و جلوگیری از چنین عملی پردازد.

در اصل چهلم قانون اساسی نیز به این قاعده اشاره شده و در حقوق بین الملل نیز مفاد آن با تفاوت هایی وجود دارد. علاوه بر اصل لاضرر، موازین دیگری نیز وجود دارد که با استناد به آنها می توان مانع اجرای اعمالی شد که باعث تخریب و آلوده سازی محیط زیست می شوند بنابراین ثروت های عمومی مربوط به همگان هستند و لطمه زدن به آنها حتی در حکومت جور نیز جایز نیست. از این ثروت های عمومی و موهبت های طبیعت در اسلام به عنوان انفال یاد

شده است.

یکی دیگر از این موازین امر به معروف و نهی از منکر است. قرآن کریم علاوه بر اینکه از همگان می خواهد عمل صالح انجام دهند؛ از مردم می خواهد که دیگران را نیز به عمل صالح و کارهای خوب امر کنند. امر به معروف و نهی از منکر محدود به مسائل خاصی نیست بلکه یک فرهنگ سازنده و «سیاست جنایی مشارکتی» کارا در جامعه اسلامی است. از آنجا که یکی از منهیات مهم، لطمه زدن به ثروت های عمومی است؛ لذا باید از چنین اعمالی نهی و جلوگیری نمود و به تعبیر قرآن کریم از فتنه ای که تنها دامن ستمکاران را نمی گیرد، ترسید.

۳-۶. حکومت اسلامی و محیط زیست

بعضی از اموال و دارایی های موجود در کره زمین، وضعیتی خاص دارد؛ این اموال، دارایی و ثروت عمومی و موهبتی الهی برای همه مردم می باشد؛ در اسلام از این دارایی ها با عنوان انفال یاد می شود. مالکیت این اموال، شخصی نیست، بلکه در اختیار حاکم یا حکومت اسلامی قرار می گیرد تا با رعایت مصالح جامعه ی اسلامی و مردم مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا مالکیت امام و دولت اسلامی در این موارد به لحاظ منافع شخصی حاکم یا گروهی خاص نیست.

انفال در مفهوم وسیع خود، یعنی تمام ثروت های طبیعی از قبیل جنگل ها و بیشه ها و حتی معادن، بنا بر قولی و کلیه اراضی آزاد مانند زمین های موات و قله های کوه ها و قعر دره ها و ساحل دریاها و اموال منقول و غیرمنقول که مالک ندارند، مانند دارایی های بازمانده از شخصی که وارث ندارد و اموالی که مالکان، آنرا به هر دلیل رها کرده و رفته باشند و کلیه اموال پادشاهان کفر در سرزمین های فتح شده و اشیاء بی همتا، نفیس و قیمتی که در میان غنائم باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با الهام از تعالیم عالیه اسلام به مسئله انفال و دارایی های عمومی توجه نموده است. به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی، «انفال و ثروت های عمومی از قبیل زمین های موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه ها، رودخانه ها و سایر آب های

عمومی، کوه ها، دره ها، جنگل ها، نزارها، بیشه های طبیعی، مراعاتی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید؛ تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می کند.»

مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مدنی نیز بر مالکیت و تصرف دولت بر اموال عمومی بر اساس مصالح عمومی و منافع ملی اشاره دارد. بنابراین انفال در عصر غیبت در اختیار ولی فقیه و حکومت اسلامی قرار می گیرد تا نحوه صحیح استفاده عموم را از آنها تعیین کند و بهره برداری از آنها را تحت نظم خاصی در آورد؛ از این رو انفال در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عمومی از آن بهره برداری کند.

از سوی دیگر فراهم کردن زمینه رفاه عمومی از وظایف اصلی دولت است با توجه به اینکه داشتن محیط زیست سالم یکی از مؤلفه های برقراری رفاه در جامعه به شمار می رود این اصل را اقتضا می کند؛ تا با هر فعالیتی که به گونه ای، رفاه عمومی را مختل می سازد، برخورد شود؛ اصل ۴۸ قانون اساسی نیز بر این مسأله تأکید می کند.

هر سیاست یا فعالیتی که انجام یا ترک آن به مختل شدن نظم جامعه منجر شود؛ ممنوع است. برای مثال با این که بهره برداری از مشترکات و مباحات در نظام اقتصادی اسلام مجاز شمرده شده است، هر گاه بر اثر ازدیاد جمعیت و فراوانی استفاده از این منابع، آن منبع مشترک از بین برود یا آسیب جدی بیند و در نتیجه، نظام بهره برداری از آن مختل شود، این آزادی مشروع، محدود می شود. در ماده ۴۴ قانون اساسی ضمن برشمردن انواع مالکیت به این نکته اشاره شده است.

بنابر آنچه ذکر گردید؛ دولت جهت برقراری اصول فوق الذکر با رعایت مصلحت و در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب، باید به قانونگذاری و تحدید آزادی اشخاص پردازد، طبیعی است که محدودیت آزادی افراد نیز باید سنجیده و در حد ضرورت باشد تا زمینه بهره برداری بهینه، مدبرانه و عادلانه از مواهب طبیعی را فراهم سازد.

۳-۷. طبیعت از نگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله)

طبیعت با عناصر گونه گونه، زیبا و دلربایش در نگاه اهالی زمین که همواره چشمی به آسمان و گوشی به نجوای رازناک این عناصر داشته اند مایه آرامش، نشاط، شادمانی و زمینه ساز ترقی، پیشرفت و ثروت بوده است. در این میان، توجه به نگاه عرشی رسول خدا صلی الله علیه و آله به این عناصر مخلوق خدای زیبایی آفرین، بی گمان برای ما بسی شیرین، درس آموز و رازگشا خواهد بود.

نخستین «جمعیت حمایت از حقوق حیوانات، در سال ۱۸۲۴ میلادی در انگلستان تأسیس شد. اما اسلام ۱۲۰۰ سال پیش از غربیها، حمایت از انواع حقوق حیوانات را در صدر فرمانهای خود به مسلمانان قرار داد. گروه های حامی حقوق حیوانات، بر اساس مسائل اخلاقی و انسانی دست به این کار ارزشمند زدند؛ اما اسلام، افزون بر اینها، قوانینی حقوقی نیز برای آن تنظیم کرده است که بر اساس آن، کسی که این حقوق را رعایت کند، ثواب (پاداش) و فردی که آن را انجام ندهد، کیفر (جزای) این جهانی و آن جهانی دارد.

سخن ما یک ادعاست و برای اثبات آن کافی است تا آشنایان به مسائل حقوقی، نگاهی به کتابهای فقهی اسلامی بیفکنند تا درستی سخن ما را دریابند. نکته دیگر، «جایگاه ارزشمند حیوانات» در اسلام است. قرآن آن قدر برای آنها ارزش قائل شده که بلندترین و دومین سوره خود را به نام یکی از سودمندترین حیوانات کرده است: بقره [گاو ماده]. نامگذاری دیگر سوره ها نیز به اسامی: انعام [چارپایان]، نحل [زنبور عسل]، نمل [مورچه]، عنکبوت، عادیات [اسبان دونده] و فیل، دلیلی دیگر بر این ادعاست.

در قرآن کریم بیست بار از پرندگان سخن به میان آمده است. از حشرات و آبزبان نیز بارها سخن گفته شده است. در روایات، با بیان ارزشهای حیوانات توجه مسلمانان به لزوم مهربانی با آنها جلب شده است.

اینک به نمونه هایی توجه فرمایید که در آنها حقوق حیوانات بسی فراتر از قوانین غربی حمایت از حقوق حیوانات مطرح شده است.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله مردم را از به جان هم انداختن جانداران باز می داشت. از نخستین کسانی در جهان بود که «احترام» به حیوانات را مطرح کرد: کسی که چارپایی می گیرد، باید آن را گرامی دارد. می فرمود: پروردگار نیکی را بر هر چیزی نوشته است، پس هر گاه می خواهید حیوانی را سر بُرید، به نیکی سر آن را بُرید... آلت قتاله را تیز کنید تا قربانی راحت کشته شود. در فتح مکه، هنگام آمدن از مدینه به مکه، در کنار آبی سگی ماده را دید که عوعو می کرد و به توله هایش شیر می داد. به یکی از یارانش دستور داد که در برابر آن سگ بنشیند تا کسی از سپاهیان اسلام متعرض سگ و توله هایش نشود. روزی از کنار الاغی گذشت که صورتش را داغ کرده بودند، فرمود: آفریدگار لعنت کند کسی را که این حیوان را داغ کرده است. همچنین هر کسی را که اعضای حیوان را بُرد، نفرین کرده است. نهی فرمود که سه نفر بر یک مرکب سوار شوند. فرمود: مردی از راهی می گذشت. تشنه شد. چاهی یافت. وارد آن شد و آب نوشید وقتی بیرون آمد، سگی را دید که [از تشنگی] له له می زد و خاک [مرطوب] را می خورد. با خویش گفت: او هم مثل من تشنه است! پس دوباره وارد چاه شد. کفشش را از آب پر کرد، آن را به دندان گرفت و از چاه بیرون آمد و سگ را سیراب کرد. خداوند نیز از وی سپاسگزاری کرد. پرسیدند: مگر سیراب کردن چارپایان نیز پاداش دارد؟ فرمود: سیراب کردن هر تشنه ای پاداش دارد. در روایت دیگر فرمود: سپاسگزاری خدا از آن مرد آن بود که وی را وارد بهشت کرد. خداوند خجسته و والا، نرمخویی را دوست دارد و به آن کمک می کند؛ پس هر گاه سوار چارپایان گرسنه شدید،... اگر زمین [محل عبور شما] بی گیاه است، با سرعت از آن بگذرید؛ و اگر سر سبز است، بایستید. چارپا بر صاحبش [حقوق و] بهره هایی دارد: هنگامی که فرود می آید، ابتدا او را علف بدهد؛ از آبی می گذرد، آب را بر او عرضه کند؛ بر صورتش نزند؛ چرا که او هم خدایش را به پاکی یاد می کند؛ جز در راه خدا، وقتی حیوان متوقف است، بر پشتش ننشیند؛ بیش از توانش بر او بار نکنند؛ بیش از

قدرتش او را ندواند. پیامبر روزی شتر ماده ای را دید که ایستاده و بر پشتش بار بود. فرمود: صاحبش کجاست؟ خود را برای بازخواست در فردا [ی رستاخیز] مهیا کند. نهی می فرمود که عضوی از حیوان را آتش بزنند. مردمان را از کشتن مورچه، زنبور عسل، شانه به سر و صُرد. باز می داشت. پشت چارپایان را جای نشستن خود [برای گفت و گو] قرار ندهید؛ چه بسیار مرکبی که از سوار خود بهتر و به پروردگار مطیع تر است و ذکر خداوند بیش تر می گوید. بارها را در انتهای کمر و پشت حیوان قرار دهید؛ زیرا دستان حیوان آویزان [لرزان] است و دو پای او محکم. اجازه نمی داد برای کشتن حیوانی، او را به جایی ببندند و سنگبارانش کنند. اجازه نمی داد برای کشتن حیوان، او را از جای مرتفعی پرتاب کنند. کشتن حیوان با چیزی غیر از آهن [مانند سنگ تیز] را اجازه نمی داد. خوش نمی داشت حیوان شیرده و حامله را بی ضرورت سر بُرند. دستور داده بود پیش از جان دادن کامل و آرام گرفتن حیوان حلال گوشتی که ذبح شده است، سرش را یکباره قطع نکنند و پوستش را نکنند.

از همین روی است که فقیهان شیعه بی هیچ اختلافی فتوا به وجوب تغذیه حیواناتی داده اند که انسان در اختیار دارد. کرم ابریشم و زنبور عسل نیز در زمره آنها قرار دارد؛ چه آن حیوانات حلال گوشت باشند، و چه حرام گوشت. و چه انسانها از آنها نفعی ببرند و چه نبرند. آری، غذا دادن به حیواناتی که در اختیار ماست، واجب است.

می فرمود:

کسی که جو را برای اسبش پاکیزه سازد و سپس آن را به حیوان بخوراند، پروردگار برای هر دانه جو، پاداشی برای او می نویسد. یال اسب را نچینید؛ زیرا اسب با یال خود گرم می شود. خداوند لعنت کند کسی را که یال اسب را بکند یا بچیند.

درباره چلچله نیک اندیشی کنید؛ چرا که او مأنوس ترین پرنده به انسان است. از آشیانه سازی چلچله در خانه هایتان جلوگیری نکنید.

حضرت در خانه اش خروس سپیدی نگه می داشت. می فرمود: به خروس دشنام مدهید که

بیدارگر نماز [صبح] است. به جنگ انداختن خروس ها را حرام شمرد.

می فرمود: [شب معراج] وارد بهشت شدم، صاحب سگی را دیدم که حیوان را سیراب کرده بود. زن بدکاره ای را بخشیدند؛ زیرا از کنار سگی گذشت که کنار چاه آب [کم عمقی] از تشنگی له له می زد. سگ، در آستانه مردن بود. زن کفش را درآورد و آن را به روسری اش بست و با آن آب از چاه برآورد [و به سگ داد] و به خاطر همین بخشیده شد. هرگز عضوهای جاننداری را نبرید؛ گرچه آن حیوان سگی درنده باشد.

شتر مایه ارجمندی صاحبان خویش است. مردی در حضور ایشان شتر ماده ای را دوشید. پیامبر به او فرمود: مقداری شیر [در پستان شتر برای فرزندش] بگذار.

هماره از دیدن کبوتر سرخ، لذت می بُرد. در خانه اش جفتی کبوتر قرمز بود. نگه داشتن کبوتر و گرامی داشتن آن را مستحب شمرد. مردی به نزد او آمد و از تنهایی شکایت کرد. حضرت فرمان داد برای خودش جفتی کبوتر تهیه کند.

پس از گوسفندداری، گاوداری را بهترین ثروت اعلام کرد. نگهداری گاو را در منزل مستحب و برکت شمرد.

[در شب معراج] صاحب گربه ای را در دوزخ دیدم، که گوشت های پس و پیش او را می کنند. او زنی بود که گربه ای را جایی بسته بود، نه به او غذایی می داد و نه رهاش می کرد تا گربه برای سیر کردن شکمش از حشرات و دیگر خزندگان زمین بهره گیرد. می فرمود: گربه را گرامی بدارید! او از جانورانی است که دور و بر شما پرسه می زند [و چشم امید به شما دارد].

امام علی علیه السلام نقل کرده است: هنگامی که پیامبر مشغول وضو گرفتن بود، گربه ای خانگی به او پناه آورد. حضرت دریافت او تشنه است. کاسه [ی آب وضو] را کج کرد و گربه از آن نوشید. از باقی مانده آب، وضو گرفت.

کسی که بیهوده گنجشکی را بکشد، [این پرنده] روز قیامت جیغ کشان نزد آفریدگار خواهد آمد و می گوید: خداوند گارا! این فرد مرا بیهوده کشت، از کشتن من سودی هم نبرد و

زنده ام نگذاشت تا از حشرات زمین تغذیه کنم [پس او را کیفر ده].

بر شما باد به گوسفند [داری] و کشاورزی. پس از کشاورزی، بهترین ثروت را گوسفندداری اعلام کرد. بهترین ثروت را گوسفند [داری] شمرد. می فرمود: گوسفند، روغنش گذران زندگی و پشمش جامه است. یک گوسفند یک برکت، دو گوسفند دو برکت و سه گوسفند سود است. نگهداری گوسفند شیرده در خانه و گرمی داشتن آن را مستحب شمرد.

نگهداری گوسفند در خانه، هفتاد درِ بینوایی را می بندد. می فرمود: آب بینی گوسفندان را از صورتشان پاک کنید. آغل آنها را پاکیزه نمایید.

روزی مردی را دید که گوسفندی را خوابانده بود و کاردش را تیز می کرد بدو فرمود: می خواهی او را دو بار بکشی؟ چرا پیش از خواباندنش کارد را تیز نکرده ای؟

روزی از جایی می گذشت. دید گروهی مرغی را جایی بسته اند و از هر سو به سمتش تیر [یا سنگ] پرتاب می کنند. پرسید: آنها کی اند؟ خدایشان لعنت کند.

نگهداری مرغ را مستحب دانست. می فرمود: حیوانات اهلی زیادی را در خانه نگهدارید؛ زیرا شیاطین کاری به کار کودکان نخواهند داشت. و این گونه نقش سرگرمیهای مفید را در پُر کردن اوقات فراغت فرزندان یادآوری می کرد. مرغ در خانه، باعث برکت است.

آب پاشی به ریشه های درخت هنگام کاشتن و پیش از ریختن خاک را مستحب برشمرد. اگر قیامت دارد برپا می شود و در دست یکی از شما نهالی هست، اگر فرصت آن را دارد، باید آن را بکارد.

ابی سعید خدری از ایشان نقل کرده است: کسی که درخت طلحه یا سدري را آب دهد، گویا دین باور تشنه ای را سیراب کرده است. هیچ مسلمانی درختی نمی کارد که انسان، چارپا یا پرندۀ ای از [میوه های] آن بخورد، جز آن که برایش در روز رستاخیز صدقه محسوب می شود.

درختان استوار و بلند خرما که در گل می رویند و درختانی که در بیابانهای خشک و تفتیده میوه می دهند، بهترین ثروت اند. بهترین دارایی، ردیفهای طولانی، زیبا و منظم خرما و درختان میوه دار است. پس از کشاورزی و دامداری، نخلداری را بهترین ثروت اعلام کرد و فرمود: نخل خوب چیزی است. [هرگاه] کسی که آن را بفروشد، پولش به سان مثنی خاکستر بر قله ای رفیع در روزی طوفانی است؛ مگر آن که نخلی دیگر بکارد یا بخرد. حضرت هسته خرما را مرطوب می کرد و می کاشت.

برترین رستنیها را گل سرخ و بنفشه می دانست. می فرمود: عطر حورالعین بوی آسه است و فرشتگان بوی گل سرخ می دهند. می فرمود: کسی که می خواهد بوی خوش مرا استشمام کند، گل سرخ را بپوید. می فرمود: هرگاه به یکی از شما گلی دادند، پس آن را بپوید و بر چشمانش گذارد، که آن از بهشت است. و هرگاه به شما گلی [هدیه] دادند، آن را رد نکنید.

امام علی علیه السلام می فرماید: رسول گرامی با دو دستش به من گل سرخ هدیه داد، چون آن را به بینی ام نزدیک کردم، حضرت فرمود: آگاه باش که گل سرخ، بعد از «آسه»، سرور گلهای بهشتی است. بر شما باد به «مرزنگوش». آن را بپوید که برای [بهبود] گرفتگی بینی خوب است.

پس از چشم فرو بستن از جهان، این بود میراث مردی که هزاران سکه طلا را میان بیوایان تقسیم کرده بود: دو قطعه پارچه، از نوع «بُرد»؛ دو جامه؛ دو پیراهن بلند؛ یک پیراهن [کوتاه]؛ یک بالا پوش یمنی؛ دو عدد خیمه؛ یک حوله؛ یک عبای سبید؛ یک چادر شب؛ مسواک؛ قیچی؛ سرمه دان؛ آینه؛ سه قَدَح؛ یک کاسه؛ تغار سنگی؛ کوزه آب؛ کاسه بزرگ برای میهمانان؛ عصای یک متری؛ بیل، پیمان، و پلاسی برای تقسیم زکات فطره. وقتی از جهان رفت، زرهش به خاطر سی صاع جو - که به خاطر خانواده اش قرض کرده بود - در گرو یک یهودی بود.

امام علی علیه السلام: پدر و مادرم فدای تو باد؛ ای فرستاده خدا! اگر به شکیبایی امر نمی کردی، و از بی تابی نهی نمی فرمودی، آن قدر اشک می ریختم تا اشکهایم تمام شود؛ و این

درد جانگاہ همیشه در من می ماند و اندوهم جاودانه می شد؛ که همه اینها در مصیبت تو ناچیز است! همانا شکیبایی نیکوست جز در غم از دست دادنت؛ و بی تابی ناپسند است جز در اندوه مرگِ تو؛ مصیبت تو بزرگ، و مصیبت‌های پیش از تو و پس از تو [در برابر فقدان] ناچیزند.

۳-۸. محیط زیست اسلامی در روایات

هرچند در این مبحث آیات و روایات بسیاری موجود است اما به عنوان نمونه بعضی از موارد در این نوشتار به رشته تحریر در آمده است باشد که ما به عنوان انسانهای معتقد به قرآن و اهل بیت در جهت حفظ محیط زیست هر چه بیشتر کوشش نماییم و بتوانیم به عنوان الگو و نمونه انسانهای شایسته، این پیام را برای جهان مخابره کنیم که ما تحت تعالیم عالیه اسلام به حفاظت از مواهب خدادادی می پردازیم.

اسلام برای همه نعمت‌هایی که خداوند در جهت رشد انسان خلق نموده است، سفارشات زیادی دارد که یکی از آنها حفظ آب و خاک و گیاهان و درختان و گونه‌های مختلف حیوانات است.

در روایتی از پیامبر گرامی اسلام آمده است: پنج گروه دارای صدقات جاریه هستند که پیوسته در نامه عملشان ثبت می شود: کسی که نهالی بکارد و چاه آبی حفر کند کسی که مسجدی بسازد، کسی که قرآنی بنویسد و کسی که فرزند صالحی به یادگار بگذارد.

اینکه در این روایت پیامبر کاشت درخت و حفر قنات را مساوی با ساخت مسجد و نوشتن قرآن بیان فرمودند بیانگر اهمیت این امر است، همان گونه که ساخت مسجد در جهت رشد و تعالی انسان است و نیز نوشتن و در دسترس قرار دادن قرآن موجب رشد فکری و معنوی انسانها میشود، حفر قنات و کاشت درخت و حفظ آب و خاک نیز در جهت استفاده بشر و رشد و نمو و قدرت بدنی انسانهاست تا بتوانند با نیروی بهتر و بیشتر و در کمال سلامت به تعالی جسمی و روحی برسند.

و نیز در روایت دیگری آمده که پیامبر به مجاهدان می فرماید: **ولا تقطعوا شجره مثمره، ولا تحرقوا زرعاً**

از قطع درختان، و سوزاندن مزارع شدیداً اجتناب کنند.

استفاده بشر از گازهای گلخانه ای موجب گرم شدن بیش از اندازه زمین و خشکسالی شده است همچنین از بین بردن جنگلها و پوشش های گیاهی، که به دنبال آن پدیده کم بارشی شدن و از بین رفتن سفره های آب زیر زمینی اتفاق افتاده است یکی از دلایل آسیب دیدن محیط زیست است. دلایل بسیاری را می شود برشمرد که منجر به از بین رفتن محیط زیست شده است. از جمله گسترش بیش از حد صنایع آلاینده، استفاده بیش از اندازه از کودهای شیمیایی، آلودگی های صوتی و پسماند های صنعتی و پس آبهای آلوده کارخانجات و نفوذ آنها در آبهای زیر زمینی یا رودخانه ها و دریاها موجبات تلف شدن بسیاری از گونه های دریایی و غیره است. و همه اینها را میتوان در این کلام خداوند یافت آنجا که در آیه می فرماید: **«الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ»** کسانی که در زمین فساد میکنند و به اصلاح اقدام نمی کنند.

البته این افساد در زمین از دیدگاه مفسرین به انواع مفسده ها تعمیم داده میشود که یکی از این موارد مفسده در امور محیط زیستی است. فساد یعنی ضایع کردن و از بین بردن، پس هر حرکتی که باعث خرابی و از بین رفتن محیط زیست شود مشمول این آیه میشود.

می دانیم اسراف همان تجاوز از حد قانون آفرینش و قانون تشریح است، این نیز روشن است که در یک نظام صحیح هر گونه تجاوز از حد موجب فساد و از هم گسیختگی می شود، و به تعبیر دیگر سرچشمه فساد، اسراف است و نتیجه اسراف فساد.

در اینجا مفسر اشاره به این مطلب دارد که اگر در هر زمینه ای از حد تجاوز شود مشکلاتی را برای خودشان و دیگر موجودات بوجود می آورند. حال این تجاوز از حد در هر زمینه ای مصداق پیدا میکند، چه در زمینه مباحث محیط زیستی و چه در مباحث حقوقی دیگر.

در مباحث محیط زیستی اسراف کردن همان برداشت کردن بیش از حد از آبهای زیر زمینی و موجبات فرسایش زمین میتواند باشد و نیز تجاوز به حدود رودخانه ها و تخریب جنگلها، ساخت وسازهای بی رویه در اراضی کشاورزی و جنگلی برای مطامع شخصی که موجب بر هم خوردن اکوسیستم طبیعی، و زیست محیطی که منجر به سیلابها و خرابی های ناشی از آن می شود، همه اینها مصداق اسراف و تجاوز از حدود، در حیطه محیط زیست است.

امام صادق (ع) می فرماید: «لا تطیب السکنی الا بثلاث: الهواء الطیب، و الماء الغزیر العذب، و الارض الخواره» زندگی بدون داشتن سه چیز حیاتی گوارا نیست: هوای پاک، آب فراوان و گوارا، و زمین حاصل خیز و قابل کشت و زرع (مقاله محیط زیست در قرآن و روایات، سایت و یکی پرسش).

طبق فرمایش امام صادق (ع) زندگی سالم در گرو داشتن آب سالم، هوای سالم و زمین سالم است که همه اینها یعنی محیط زیستی سالم. هر یک از موارد گوناگون در حوزه محیط زیست چنانچه با مشکل مواجه شود به زندگی سالم آسیب میرساند.

از روایاتی که در مضامین آب آورده شده اند می توان به این اشاره کرد که آب باران پاک کننده بدن و زداینده بیماریها و رنجها است. این گونه توصیهها بر زبان اهل بیت (علیه السلام) جاری شده است. خداوند خلقت آب را به گونه ای رقم زد که سبب پاکی و قدرت درون (ربط قلب) و نیز آرامش می شود.

«وَ يُنَزَّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهَّرَ كُفُّكُمْ بِهِ وَيُدْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيُرَبِّطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ»؛ و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند، و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دلهايتان را محکم سازد.

از دیگر عناصر مهمی که در چرخه حیات زمین نقش آفرینی می کند و تمامی موجودات زنده از آن سود می جویند، هوای پاک می باشد. خداوند زمین را به گونه ای خلق نمود که از میلیاردها سال پیش تا کنون و از هم اکنون تا پایان زمین برای موجودات زنده هوای پاک به

صورت کافی وجود دارد. و این یکی از نشانه‌های مهم و معجزات بزرگ خلقت است. از سوی دیگر سازوکار و ارگانیزم بدن موجودات زنده را به گونه‌ای آفرید که با آن تنظیم می‌شود. تنفس در هوای پاک سبب تن درستی، سلامت جسمی و آرامش عصبی و روحی انسان می‌گردد. مضامین جالبی در ارتباط با هوا، نسیم و تنفس و نیز ارتباط آنها با آرامش روانی وجود دارد. امام صادق (علیه السلام) در گفتگو با مفضل سودمندی و کارسازی هوا را این گونه بیان می‌کند؛ باید از این نسیمی که به نام هوا دریافت می‌کنی، شناخت کافی داشته باشی و بدانی که چه فوایدی برای این بدن‌ها دارد. این هواست که بدن با استنشاق آن حفظ می‌شود و بر روحیه و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد.

همچنین ششمین امام (علیه السلام) تأثیرات مثبت باد و هوا را در حیات موجودات زنده تبیین نمود.

بادها محیط زیست را عطر آگین نموده و ابرها را از جایی به جای دیگر منتقل می‌کنند، تا سود آن به عموم مردم برسد و نیز موجب بارور شدن گیاهان و درختان و حرکت کشتی‌ها می‌شود..... باد باعث زنده شدن چیزهای روی زمین می‌شود. پس اگر باد نبود، همه چیز فاسد شده و حیوانات می‌مردند.

آن امام همام با بیانی دیگر به اهمیت باد اشاره می‌کند:

«أَنْبَهُكَ يَا مُفَضَّلُ عَلَى الرِّيحِ وَمَا فِيهَا أَلَسْتَ تَرَى رُكُودَهَا إِذَا رَكَدَتْ كَيْفَ يُحَدِّثُ الْكَرْبُ الْذِي يَكَادُ أَنْ يَأْتِيَ عَلَى النَّفْسِ وَيُمْرِضُ الْأَصِحَّاءَ وَيَنْهَكُ الْمَرْضَى»؛ نمی‌نگری که هنگام خاموش شدن باد چگونه مصیبت بر پا می‌شود و جان‌ها در معرض نابودی قرار می‌گیرند. افراد سالم به بیماری مبتلا شده و بیماران در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرند.

امام رضا (علیه السلام) ارتباط مستقیم میان وضعیت جسمی و روانی انسان از یکسو و اوضاع آب و هوا برقرار نموده است:

پایداری و نیرومندی روانی افراد تابع سلامت مزاجی آنهاست و سلامت مزاجی افراد خود

متأثر از اوضاع آب و هوایی است.

در این جا نمی توان از فرمایش زیبای حضرت امیر المؤمنین (ع) به مالک اشتر که در نامه پنجاه و سوم از نهج البلاغه آمده است گذشت. این نامه بلند بالا را که به مناسبت استانداری مالک اشتر بر مصر نوشته شده است و حضرت در آن نصایح جامع و قواعد حکمرانی بر مردم و شیوه مردم داری و وظایف حاکم را ذکر فرموده اند. به حق می توان این نامه را مرام نامه و اساسنامه حکومت داری دانست.

حضرت در آغاز این نامه می نویسد: این، فرمانی است از بنده خدا، امیر المؤمنین (ع) به مالک اشتر نخعی هنگامی که استانداری مصر را به او سپرد. حضرت در ادامه مسئولیت های عمده فرماندار را در چهار مورد خلاصه می کند و آن ها را سرعنوان و اهم برنامه های او برمی شمارد. سزاوار است که مسئولان و دولت مردان و فرمانداران شهرها و استان ها این چهار چیز و نیز انبوه سفارش های ناب این نامه گران سنگ را سرلوحه کار خود قرار دهند. این چهار مورد عبارتند از:

۱. «جَبَايَةَ خَرَاجِهَا؛ گردآوری خراج آن سامان». نخست گرفتن مالیات از مردم است که بدون آن، سامان دادن به امور آن دیار ممکن نخواهد بود و بودجه دولت فراهم نکند.
۲. «وَجِهَادَ عَدُوِّهَا؛ جنگیدن با دشمنان آن جا». تأمین امنیت از اهم نیازهای مردم است. دولت پشخوانه امنیتی مردم و حامی سرزمین و کیان آنان است.
۳. «وَأَسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا؛ و اصلاح مردم آن دیار». برنامه های تربیتی دولت از دیگر نیازهای اساسی مردم است. این بند ناظر به ضرورت کار فرهنگی دولت است.
۴. «وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا؛ و آبادانی شهرها». این یکی ناظر به بحث محیط زیست و ناظر به بحث ماست.

این چهار امر، هر یک ناظر به بُعدی از وظایف حکومت هاست. اولی بُعد مالی؛ دومی بُعد نظامی، سومی بُعد فرهنگی و چهارمی محیط زیست - در معنای کامل و عمومی آن - است. و

در اواسط این عهدنامه حضرت نیز این نکته را می‌افزاید که «فَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ» و می‌باید که توجه تو در آبادانی سرزمین بیشتر از توجهت به گردآوری مالیات باشد.

آباد ساختن زمین و اصلاح بلاد مثل پل ساختن و خیابان کشیدن از گرفتن مالیات مهم‌تر است و باید حاکم توجه بیشتری به آن بکند، حتی اگر از مردم مالیات دریافت نکرده باشد. با روشن شدن اهمیت محیط زیست از منظر قرآن و اهل بیت (ع) ادامه بررسی محیط زیست اسلامی را با مرور پاره‌ای از روایات وارد شده از معصومان (ع) بیان می‌کنیم. روایاتی در اهمیت آبادانی زمین و زراعت و درخت کاری که فهرست وار و با اجمال مرور می‌کنیم. در قسمتی از یک روایت درباره حضرت امیر المؤمنین (ع) آمده است:

«كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ... وَ يَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ»

حضرت امیر مؤمنان - درود خدا بر او - [همواره] به احیای زمین همت می‌گماشت.

روایت دیگر خیلی شگفت برانگیز است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«إِن قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسَهَا»

اگر قیامت برپا شود و در دست یکی از شما نهالی باشد [که می‌خواهید آن را بکارید] اگر برایتان ممکن است پیش از قیامت آن را بکارید، پس حتماً آن را بکارید.

قرآن درباره عظمت و هول‌انگیزی قیامت توصیفات فراوانی کرده است از جمله: «إِذَا زُلْزِلَتْ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» آن‌گاه که زمین سخت به لرزه افتد. و «إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ» آن‌گاه که خورشید در هم پیچیده شود. حتی در جایی می‌فرماید که از شدت هول قیامت زنان باردار وضع حمل می‌کنند:

«يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ» روزی که می‌بینید [آن‌چنان وحشت سراپای

همه را فرا می‌گیرد که] هر مادر شیردهی کودک شیرخوارش را فراموش می‌کند و هر آبستنی بار (نوزاد) خود را بر زمین فرو می‌نهد، و مردم را [در آن روز] مست می‌بینی حال آن‌که مست نیستند، بلکه عذاب خدا شدید است.

قیامت در راه است و در آستانه نفع صور، کسی نهالی در دست دارد و می‌خواهد آن را بکارد، با آن همه آشفتگی و هراس که از زمین و زمان بر سر او می‌ریزد، اگر اندک فرصتی بیاید چه خوب است که نهالش را بکارد. سؤال این‌که حال‌که قرار است قیامت شود و زمین با هر چه در آن است زیر و رو گردد پس کاشتن یک نهال چه سودی دارد؟ آری، حضرت با این تصویر آفرینش قصد بیان اهمیت و ضرورت نهال کاری و آبادانی محیط زیست را دارد. احیای زمین و محافظت از محیط زیست تا این قدر در نظر معصومان ما ارجح و اهمیت دارد. روایت زیر نیز به گوشه‌ای دیگر از اهمیت این امر اشاره دارد. حضرت پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«ما مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا يَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ دَابَّةٌ أَوْ طَيْرٌ إِلَّا أَنْ يُكْتَبَ لَهُ صَدَقَةٌ»

مسلمانی نیست که نهالی بکارد که کشته‌ای [هم‌چون گندم یا جو] بپاشد و انسان یا پرنده یا حیوانی از ثمره آن بخورد، مگر آن‌که برای او صدقه‌ای از نزد [خدای عزوجل] خواهد بود.

در روایات وارد شده از معصومان تأکید بسیاری شده بر این‌که خون حیوانی که ذبح می‌شود در کوچه و محل عبور و مرور مردم ریخته نشود. چیزی که متأسفانه امروزه در شهرها و محل‌های ما کم و بیش رعایت نمی‌شود. برخی اوقات شاهدیم که قربانی کسی که از حج یا زیارت بازمی‌گردد یا حیوانی که برای مناسبتی نذر شده یا در عروسی‌ها و دیگر موارد را در کوچه و خیابان و در پیش پا و در برابر انظار مردم سر می‌برند. این کار افزون بر آلودگی‌ای که به وجود می‌آورد، تأثیر نسبتاً نامطلوبی بر روح و روان آدمی می‌گذارد. کودکان و نوجوانان با داشتن روحیه لطیف و آسیب‌پذیر چه بسا از دیدن این صحنه‌ها آزرده خاطر گردند و صدمه سنگینی به روحیه لطیف آنان وارد شود. پس چه بهتر که هم برای رعایت بهداشت محیط زیست و هم بهداشت روانی هموعان، از ذبح حیوانات در محل عبور و مرور مردم اجتناب

کنیم.

در تأیید این سخن اشاره به یک موضوع فقهی خالی از لطف نیست. در گذشته کسانی بودند که آن‌ها را محتسب می‌نامیدند. محتسب، نوعی بازرس بود. آن هم بازرس دینی؛ کسی که در میان مردم می‌گشت و امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. در واقع به امر به معروف و ناهی از منکر که بدین وظیفه در میان مردم گماشته شده است محتسب می‌گفتند. در کتب فقهی از این صنف یاد کرده و در روایتی وظایفی برای ایشان برشمرده‌اند:

«يَجِبُ عَلَى الْمُحْتَسِبِ أَنْ يَمْنَعَهُمْ مِنَ الذَّبْحِ عَلَى أَبْوَابِ دُكَاكِينِهِمْ فَإِنَّهُمْ يُلَوِّثُونَ الطَّرِيقَ»

بر محتسب لازم است که مردم را از ذبح در برابر مغازه‌ها [و در معابر عمومی] باز دارد؛ چرا که با این کار راه‌ها [ی عبور و مرور مردم] را می‌آلایند.

در این جا نمونه ای از سیره امام علی (ع) را در برخورد با جوانان هرزه درای و ژاژ خای و آلودگی محیط زیست می‌آوریم تا روشن شود حکومت اسلامی با هرگونه آلودگی محیط که از آن جمله است هرزه درایی و ژاژخایی جوانان و لگردد به مبارزه برمی‌خیزد تا جامعه اسلامی از آلودگیها پیراسته گردد.

روایت شده که در دوران حکومت امام علی (ع) آب فرات بالا آمد. مردم به آن حضرت گفتند: می‌ترسیم آب ما را فرا بگیرد و غرق سازد.

امام بر مرکب خویش سوار شد و آهنگ فرات کرد.

در مسیر به گروهی از جوانان برخوردند که نیزه بازی می‌کردند و به سُخره شماری از آنان حضرت را نشانه رفتند. حضرت به سوی آنان برگشت و فرمود: ای بازماندگان قوم ثمود و ای روی برگرداندگان به

ناز و افاده! آیا شما را جز فرومایگان می‌توان نامید.

و سپس فرمود: چه کسی جلو این فرومایگان را می‌گیرد.

بزرگان آنان روی به حضرت کردند و گفتند: اینان جوان هستند و نادان و رفتار آنان بر ما مگیر و از ما درگذر.

حضرت فرمود: در نمی گذرم مگر آن که تا هنگامی که برمی گردم جایگاه اینان در در هم بکوبید و افزون بر این دریچه های خانه هایی که به کوچه گشوده می شود ببندید و ناودانها و آبریزگاه هایی که به کوچه ها راه دارند و گندابها و پلیدها را در گذرگاه مردم می ریزند از بین ببرید زیرا همه اینها در راه و گذرگاه و محل رفت و آمد مسلمانان قرار گرفته اند و سبب آزار و اذیت آنان است.

این فراز از سیره امام علی(ع) درسهای آموزنده ای برای تک تک مردم و حکومت گران دارد که می باید به درستی در آنها درنگ کرد و الگو برای سالم سازی جامعه قرار داد:

۱- ساحت زندگی باید از هر گونه آلودگی پاک گردد چه آن آلوده گران جوانان ژاژ خامی باشند که با چشم و زبان و رفتارهای ناشایست آرامش و آسایش وامنیت مردم را به هم می زنند و چه آبریزگاه های خانه ها باشد که گذرگاه ها و خیابانها و کوچه ها را می آلاینند.

۲- بدون هیچ سهل انگاری و مسامحه ای مرکزهای آلوده کننده و فساد آفرین باید بسته و یا در هم کوبیده شود.

۳- ساخت و ساز و معماری باید به گونه ای باشد هیچ ناودانی و آبریز گاهی به کوچه نریزد و سبب آزار و اذیت مردم شود و محیط زیست را بیالاید.

۴- افزون بر این دریچه های خانه ها نباید به گونه ای به کوچه گشوده شود که سبب آزار و اذیت مردم باشد و یا اهل خانه از این راه به رفت و شد کنندگان آسیب برسانند و یا آنان را به سخره بگیرند.

۵- دیگر این که همه اینها وظیفه حکومت است برحکومت است که از ساخت و سازهای مزاحم جوانان ژاژخای و هر گونه حرکت و رفتار زیان آور جلوگیری کند.

این قواعد و مواردی از این دست در فقه و حدیث معصومان (ع) به منظور داشتن محیطی

سالم و ایمن از آلودگی‌ها وضع شده، به جای خود گواه دیگری است از اهمیت دادنِ اسلام به مقوله محیط زیست.

۴. فصل چهار. مفهوم شناسی و تاریخچه جرم تهدید علیه محیط زیست

۴-۱. تاریخچه ی جرایم محیطی

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمت های الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آنچنان باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان گونه که حق استفاده و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسؤولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد. با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، در می‌یابیم که انسانها در بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست به مسؤولیت خود در حفظ و حراست از آن به درستی عمل نکرده‌اند. شاهد این سخن، بحران عظیمی است که محیط زیست دچار آن شده است. تخریب و نابودی روز افزون جنگل‌ها و مراتع، نابودی گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، آلودگی آب، خاک و هوا، استفاده از سلاح های هسته‌ای و شیمیایی، ورود مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر مانند: فاضلاب کارخانه‌ها و مجتمع های صنعتی به رودخانه‌ها و دریاها، آسیب دیدن لایه ازن، باران های اسیدی، مصرف روز افزون سوخت های فسیلی، استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفات نباتی و ده‌ها عامل آلوده‌کننده دیگر که نام بردن از آنها فقط بر تلخ کامی و ناراحتی انسان می‌افزاید گویای این واقعیت مهم است که بشر در داد و ستد خود با محیط زیست، راه خطرناک و مهلکی را در پیش گرفته که نتیجه آن چیزی جز به خطر افتادن سلامت و حیات انسان و دیگر موجودات نخواهد بود. اندکی تأمل و تفکر در آمارهایی که همه روزه در مورد وضعیت محیط زیست بیان می‌شود، کافی است تا انسان خود را بر لب پرتگاهی احساس کند که ساخته و پرداخته

خود اوست.

اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول و جامع‌نگر، مدعی است که پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در هر عصری است و برای کلیه روابط و شؤون او، دارای قوانین و مقرراتی است. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروزی آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد؛ بلکه کلیات، اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد، که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد. یکی از همین موضوعات محیط زیست است. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد.

۴-۲. نظارت بر جرایم زیست محیطی در اوایل اسلام

«در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص)، آن حضرت شخصاً نسبت به عرضه و فروش مواد غذایی نظارت می‌کردند و این مسأله در زمان خلفا نیز ادامه یافت و به مرور زمان، تشکیلات متمرکزی به نام «حسبه» برای جلوگیری از تخلفات در زمینه های مختلف تشکیل شد. در مورد تاریخ پیدایش تشکیلات حسبه اختلاف نظر وجود دارد. اما بسیاری از تاریخ‌دانان پیدایش حسبه به عنوان یک نهاد حکومتی منظم و معین را، به اوایل دوران خلفای عباسی نسبت می‌دهند.»

وظیفه سازمان حسبه در اعصار خلافت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر در مراتب مختلف و به مفهوم وسیع آنها (که شامل مکروهات و مستحبات شرعی و عرفی می‌شد) بود. حسبه در سال های خلافت اسلامی از تشکیلات اداری ساده و بسیطی برخوردار بود و زیر نظر و اشراف شخص خلیفه اداره می‌شد و چه بسا شخص خلیفه یا امام تصدی اکثر وظایف آنرا به عهده می‌گرفت.

نویسنده کتاب «الاحکام السلطانیة» در تعریف حسبه می‌نویسد:

«حسبه عبارت است از امر به معروف و وقتی که انجام کارهای نیک و پسندیده در جامعه به دست فراموشی سپرده شود و نهی از منکر وقتی که ارتکاب کارهای بد در اجتماع شیوع یابد.»

و «محتسب به شخصی گفته می‌شد که شخص امام و یا نایب او را برای نظارت در احوال مردم و کشف امور و مصالح عمومی آنان از قبیل معاملات و خرید و فروش و غذا و لباس و آب و مسکن آنان و امور مربوط به راه‌ها از جهت امنیت و غیره تعیین و نصب کرده باشد.»

بررسی تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد که پیامبر اسلام (ص) شخصاً امور حسبه را به عهده داشتند و وظایف محتسب را انجام می‌دادند که به عنوان نمونه به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

«از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که روزی رسول خدا (ص) در بازار مدینه گندمی را دید به فروشنده آن فرمود: تو خائن و متقلب بر مسلمانان هستی.»

در روایت دیگری نقل شده است که حضرت به گندم فروشی برخورد، که گندم‌هایی را برای فروش عرضه کرده است. چون دست خود را در گندم‌ها فرو برد ملاحظه کرد که گندم‌های زیرین خیس و مرطوب است، پس خطاب به آن مرد فرمود: هر کس تقلب کند از ما نیست.»

علاوه بر این پیامبر اسلام (ص) در برخی موارد اشخاصی را برای انجام وظایف حسبه مشخص می‌کردند به عنوان مثال پس از فتح مکه، آن حضرت سعید بن سعید بن عاص را به نظارت در امور بازار و کسب و کار بازاریان مکه گماشتند.

حضرت علی (ع) نیز شخصاً نظارت بر معاملات و امور بازار را به عهده داشتند و به عنوان نمونه نقل شده است که آن حضرت در حالی که تازیانه‌ای به دست می‌گرفت در بازارها به راه می‌افتاد و کسانی را که در خرید و فروش مسلمین کم‌فروشی یا تقلب می‌کردند، با آن تازیانه می‌کرد.

چنان که گفتم سازمان حسبه به عنوان یک تشکیلات منظم و با وظایف مشخص به مرور

زمان پدید آمد و بر حیطة وظایف و اختیارات آن افزوده شد تا جایی که در قرون بعد به صورت یکی از ارکان حکومت های اسلامی درآمد. وظایف حسب در این دوران بسیار متنوع و مختلف بود. نویسنده کتاب «معالم القربه فی احکام الحسبه» طی هفتاد باب به تشریح و توضیح وظایف محتسب در زمینه های مختلف از قبیل رسیدگی به کار بازار، کوی و برزن، خرید و فروش، منع از تقلب کسبه و اصناف و نظایر آن پرداخته است.

نکته جالب توجه این که بسیاری از مقررات بهداشتی و درمانی و دارویی که امروزه در کشورهای مختلف مقرر گردیده و جرایمی که در این زمینه وضع شده در سازمان حسب مورد توجه بوده و محتسبان نظارت بر این امور را از وظایف اصلی خود می دانستند. به طور خلاصه اهم صلاحیت حسب به این شرح بود:

- ۱- حفظ نظم و امنیت شهر و جلوگیری از تجاوز به مال و عرض و جان و حیثیت مردم.
- ۲- نظارت بر معاملات و داد و ستد و جلوگیری از معاملات خلاف قانون و مضر حال مردم.
- ۳- دستورات مربوط به حفظ نظافت شهر و جلوگیری از آلودگی کوچه ها و خیابان ها.
- ۴- نظارت بر اوزان و مقادیر
- ۵- تأمین آذوقه شهر و جلوگیری از احتکار
- ۶- نظارت بر طرز ساختن ابنیه و نظارت بر اماکن عمومی.
- ۷- نظارت بر امور اصناف و پیشه وران

ابن اخوه درباره حسب بر نان پزان می نویسد: «محتسب به آنان دستور می دهد که دکان های خود را تمیز کرده و تنور، ماله و آب آن را نظیف نگاه دارند و ظروف و قدح ها را پاکیزه شستشو دهند. و محتسب باید مراقب باشد که آنها در پختن نان غش نکنند و ظاهر نان را با مواد رنگی نظیر زعفران و رنگ های مصنوعی زینت نکنند.»

درباره اغذیه فروشان و شیرینی پزان نیز وظیفه محتسب آن است که کیفیت ساخت و پخت

آن را زیر نظر داشته باشد تا کار خود را به نحو احسن انجام دهند و از غش و خیانت بپرهیزند و همواره موازین سلامت و صحت و نظافت را در شغل خود مراعات کنند.

و در باب بیست و چهارم از کتاب معالم القربه درباره حربه بر داروسازان می‌خوانیم:

« تدلیس و تقلب در این زمینه بسیار زیاد است زیرا گیاهان دارویی و شربت های حاصله از آن از جهت طبیعت و مزاج گوناگون است و درمان با آنها متناسب با خصوصیات ترکیبی آنهاست بر محتسب لازم است که آنان را بیم دهد و از مجازات و تعزیر بترساند و در فرصت های مختلف بدون این که از قبل در جریان باشند داروهای آنها را مورد آزمایش قرار دهد. »

محتسب همچنین مراقبت در کار اطباء و داروسازان می‌کرد تا این اصناف در کار خود تخلف نکرده و از راه درست منحرف نگردند. محتسب موظف بود تا تنها کسانی که معلومات و تجربیاتی در کار دارو دارند به این حرفه اشتغال ورزند و نیز عهده دار بود که سازندگان داروها را به ترس از خدا و مکافات الهی و مجازات های فوری متذکر کند.

۴-۲-۱. روایات و آیاتی از قرآن کریم راجع به اهمیت حفظ محیط زیست

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

« مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ »

یعنی: ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم.

در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

« وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ »

یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست.

امام صادق علیه السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرماید:

خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آنگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است. «ان الله تبارک و تعالی انزل فی القرآن تیان کل شیء...»

از امام باقر علیه‌السلام نیز روایت شده که فرمودند:

خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است، در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حدّ تجاوز کند، حدّ و مجازاتی قرار داده است.

بر طبق این آیات و روایات، بخوبی می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب، که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است، که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که منظور از «همه چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است.

به طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. بدین سبب، شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد.

از آن‌جا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛

با نگاهی به متون دینی - و از جمله قرآن کریم - می‌توان دریافت که محیط زیست و تلاش

برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

آیات متعددی در قرآن بر این مسأله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

آیاتی از قرآن که محیط زیست را حق همگانی می‌داند

این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسانها در همه زمانها وجود دارد.

خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»

یعنی: و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسانها، در همه زمانها می‌داند؛ که باید به‌طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسانها در همه دوره‌ها صورت پذیرد.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید:

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشًا»

یعنی: شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است.

در آیه ۱۰ سوره الرحمن آمده است:

«وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»

یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد.

بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسلهای آینده حفظ شود.

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود.

در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آن‌ها برای انسان تأکید می‌کند.

در سوره نحل خداوند می‌فرماید:

«وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَ مَنَافِعُ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ»

یعنی: چهارپایان را آفرید که برای شما از آن‌ها گرما (جامه‌های گرم) و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آن‌ها می‌خورید.

در همین سوره خداوند همچنین می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...»

یعنی: اوست (خدایی) که از آسمانها آب فرستاد که از آن می آشامید و بدان درخت و گیاه می روید، که در آن (روییده‌ها)، دامهای خود را می چرانید.

و در آیه بعد می فرماید:

«يُنَبِّئُكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»

یعنی: و با آن برایتان کشتزارها و درختهای زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می رویاند.

در سوره نمل نیز خداوند می فرماید:

«وَأَنْزَلْ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ»

یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستانهایی شادی انگیز رویانیدیم.

این دسته از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این که آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسانهاست و همه انسانها حق دارند از این الطاف الهی بهره‌مند شوند و هیچ کس نمی تواند این حق خدادادی را از آنها سلب کند.

تعبیراتی نظیر: «لکم (برای شما)»، «الناس (مردم)» و «الانام (همگان)»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند، که این نعمتها، برای همه مردم و حق همه آنهاست - صرف نظر از هرگونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و... - و همه حق دارند تا از این نعمت ارزشمند الهی بهره‌مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند.

دسته‌ای از آیات قرآن هستند که در آنها از واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسانها به کار رفته است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگلها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره‌برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد.

در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن مانند تسخیر خورشید و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین.

برای این که حق انسان در استفاده و بهره‌برداری از طبیعت را در این قسم از آیات بیان کنیم، به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

خداوند در سوره نحل می‌فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...»

یعنی: خداوند، خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت.

و در سوره دیگر چنین می‌فرماید:

«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...»

یعنی: خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد.

و در جای دیگر اشاره می‌کند:

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...»

یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمانها و زمین است، مطیع شما کرد.

در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می‌فرماید:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ...»

یعنی: آیا ندیدی خداوند آنچه را در زمین است، مسخّر شما ساخت.

و موارد فراوان دیگری که بر همین معنا دلالت دارند.

استاد شهید مرتضی مطهری، در مورد این آیات می‌فرماید:

«در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوه‌ها، باد و هر چه در آسمان و زمین است، یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره‌برداری انسان هستند».

از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسانها در همه دورانهاست. بنابراین، در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.

به عنوان مثال، علم و فناوری، مهمترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است، که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده روی کند، ثمره‌ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و به طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می‌خواهد، اما زیاده‌روی در این امر باعث شده که کار از دست انسان خارج شود؛ به گونه‌ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره‌های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است.

با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه‌ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند. به عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست باید به شیوه‌ای باشد که آدمی را به غایت و هدف

خلقت برساند. بدین جهت، استفاده از آن به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این نعمتها وسیله‌اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه‌ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره‌مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان‌پذیر نخواهد بود.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

«هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسلها از نعمتهای الهی، و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی، و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی، و تعبد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است.»

بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوبهایی است که باید آن‌ها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسلهای آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز بین انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود.

بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است:

«هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»

یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما وا گذاشت.

از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است.

نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود.

قرآن کریم بارها بر رفتارهای سازنده و اصلاح‌گرانه تأکید کرده - که به‌طور قطع، یکی از رفتارهای اصلاح‌گرانه در زمین حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست است - و در مقابل، از رفتارهای فسادانگیز نهی کرده است. در قرآن کریم در بسیاری موارد، واژه «اصلاح» در مقابل «فساد» آمده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...»

یعنی: و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید.

بدون شک، تخریب، نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است. همانگونه که در آیه بالا هم آمده است، در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الارض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط زیست نیز خواهد بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آن‌ها را مصداق بارز فساد می‌داند و خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

«وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»

یعنی: هنگامی که روی بر می‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعتها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد.

۴-۲-۲. اهتمام اسلام به فضای سبز

اهتمام اسلام به فضای سبز، به ویژه خوشه یا شاخه مثمر، کاملاً از مطاوی رهنمودهای رهبران الهی در متون دینی مشهود است؛ به طوری که گاهی کاشتن درخت، در ردیف بهترین و مقدس ترین کارهای خیر قرار می گیرد؛ چنانکه از رسول اکرم ماثور است: «سبعٌ یجری للعبد اجرهنّ و هو فی قبره بعد موته: من علّم علماً أو أجرى نهراً أو حفر بئراً أو غرس نخلاً أو بنى مسجداً أو ورث مصحفاً أو ترک ولدأ یتستغفر له بعد موته».

همچنین از امیرمؤمنان، علی بن ابی طالب (علیه السلام) نقل شده است: از بریدن درخت تر و سبز پرهیز شود، مگر برای ضرورت. چنانکه از امام رضا (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) در این باره حدیثهای سودمندی نقل شده است و حفظ آن را برای مناطق کویری و کم درخت و بیابان، نافع تر معرفی کردند و قطع درخت را با تبدیل و تعویض، بدون مانع اعلام فرمودند.

از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) ماثور است: «لا یطیب السکنی الّا بثلاث، الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب، و الأرض الخواره»؛ زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی گوارا نیست: هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصل خیز و قابل کشت و زرع. خداوند تمام عناصر محوری مورد نیاز زندگی بشر را تامین فرمود و بهره برداری از آنها را جزو حقوق بشر قرار داد و جامعه را به صیانت آنها از آفت، انقراض، کمبودی و مانند آن مکلف کرده است.

اگر فرد یا جامعه، دولت یا ملت در شناخت این عناصر اصلی فتور ورزد، در تحصیل با نگهداری آنها قصور کند، وظیفه دینی خود را انجام نداده است؛ یعنی لازم است درباره اصل هوا، کیفیت بهره برداری از این امانت الهی و چیزهایی که آن را آلوده و بیمار می کند و چیزهایی که در پالایش و درمان آن موثر است و نحوه پالایش آن، کارشناسی دقیق شده و

اجرا شود.

همچنین لازم است درباره اصل آب گوارا، کیفیت انتفاع از این ذخیره خدایی و اشیایی که آن را آلوده و مریض می کند و اموری که در تطهیر و تنظیف آن موثر است و نحوه تصفیه آن ابتکار فنی معمول شود. نیز لازم است درباره اصلی زمین حاصل خیز، کیفیت استفاده از این سفره گسترده الهی و اموری که آن را ویران و بیمار می کند و چیزهایی که در احیا، تسطیح، کویرزدایی و صیانت از رانش، تاثیر بسزایی دارد، ماهرانه ارزیابی و اقدام شود؛ تا به دستور اسلام امثال شده باشد.

۴-۲-۳. توصیه اسلام به رعایت حقوق حیوانات

هر گونه فایده ای که از فضای سبز بهره انسان، حیوان دونده، خزنده، رونده، پرنده و مانند آن باشد، مورد ترغیب دین مقدس اسلام است؛ زیرا رهبران الهی به هر موجود زنده بی آزار که زیان او به چیزی یا کسی نمی رسد، احسان می نمودند و چنین کاری را هم به دیگران توصیه می فرمودند؛ چنانکه حضرت مسیح (علیه السلام) هنگام عبور از کرانه دریا مقداری از غذای شخصی خود را به دریا انداخت. برخی از حواریان گفتند: یا روح الله، چرا چنین کردی؟ فرمود: برای حیوانات دریا، تا از آن تغذیه کنند و ثواب این کار نزد خداوند بزرگ است.

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: خنک کردن جگر گرم و تشنه، واجب است و هر کس جگر تشنه حیوان و یا غیر آن را سیراب نماید، خداوند او را در روزی که هیچ سایه ای غیر از ظلّ معنوی خدا نیست، در سایه خود پناه می دهد.

پیام قرآن کریم که عصاره متون مقدس آسمانی است، چنین است: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْزَهَ أَهْلِهَا أَذْلَةً». سلاطین ستم، حکمرانان قلدر، دولت مردان جور و طغیان، هنگام ورود به منطقه دیگران و زمان اقتدار بر آن و وقت نفوذ در آن، به تباهی آن اقدام می کنند. اگر در گذشته تاریخ، برای افساد و تخریب، دخول شخصی و ورود فیزیکی لازم

بود، هم اکنون با سرعت سرسام آور صنعت، کنترل از دور برای افساد کافی است. اینان که رسالت اصلی آنها غمخواری توده محروم است، سفارت خویش را چون ددان، خونخواری می دانند:

هر که را رنجه داشتن دین است تن او نیست تن که تین است

۴-۲-۴. وظیفه حکومت اسلامی نسبت به تامین سلامت محیط زیست

نظام اسلامی وظیفه رسمی والی را چنین ترسیم نموده است: «ایما امریء ولی من امر المسلمین شیئاً لم یحطهم بما یحوط نفسه لم یر رائحه الجنه» هر کس سمتی را در دولت اسلامی به عهده بگیرد و مسئول بخشی از بخشهای حکومت دینی گردد، موظف است هر آنچه را که برای حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی و مانند آن، نسبت به خود به کار می برد، برای توده مردم نیز تامین کند. اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید. از اینجا معلوم می شود که اگر دولت یا ملت عمداً به فضای سبز و سالم و نشاط آور نیندیشند و از آلاینده های پرهیز نکنند و منطقه زرین خداداد طبیعت را آلوده نمایند یا در قبال آلوده کردن صاحبان کارگاه های سودجو، مهر بی مهری بر لب زند و خاموش شوند، مشمول قهر خدای قاهر شده، قعر دوزخ جایگاه آنان خواهد بود. البته چنان قهری، چنین قهری را به دنبال دارد، لذا رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ثلاث ملعون من فعلهن؛ المتغوّط فی ظلّ النّزال، و المانع الماء المتتاب و سادّ الطریق المسلوک»؛ سه گروه اند که در اثر سه کار ناروا مورد لعنت خداوند سبحان هستند:

۱. کسی که مکان عمومی، سایه بانها، پارکها، محل نزول مسافران و ... را آلوده کند.
۲. کسی که آب نوبه ای را به غصب ببرد؛ یعنی رعایت نوبت حقوق شهروندان نکند.
۳. کسی که سدّ معبر کند و مانع عبور عابران شود.

رفتار رهبران الهی همتای گفتار آنان، برای ترغیب دولت و ملت به رعایت اصول زیست محیطی انجام می شد، لذا حضرت امام سجاد (علیه السلام) اگر کلوخی را در معبر می دیدند، از مرکب پیاده می شدند و آن را از راه، دور می کردند که مزاحم رهگذر نشود.

حضرت مسیح (علیه السلام) از کنار گوری می گذشت و صاحب آن قبر را معذّب دید. سال بعد، هنگام عبور از کنار آن گور، صاحب آن را در غذاب ندید. پرسید: خدایا! عامل رفع عذاب او چه بود؟ فرمود: فرزند او بزرگ شد و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، لذا از گناه او صرف نظر شد.

۴-۳. تاریخچه ی قانون گذاری جرایم زیست محیطی در حقوق ایران

یکی از مهمترین وظایفی که بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نهاده شده «تأمین بهداشت عمومی و ارتقای سطح آن از طریق اجرای برنامه های بهداشتی مخصوصاً در زمینه بهداشت محیط، مبارزه با بیماری ها، بهداشت خانواده و مدارس، آموزش بهداشت عمومی، بهداشت کار و شاغلین» می باشد. در همین رابطه ماده ۲ «آیین نامه بهداشت محیط» مصوب ۱۳۷۱/۴/۲۴ که در اجرای همین بند از وظایف وزارت مزبور به تصویب هیأت وزیرات رسیده مقرر می دارد: «هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی شناخته شود ممنوع می باشد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است پس از تشخیص هر مورد از مواردی که در حیطه وظایف وزارت می باشد، رأساً اقدام قانونی معمول و در سایر موارد موضوع را به مراجع ذیربط جهت انجام اقدامهای قانونی فوری اعلام نماید. متخلفان از مقررات بهداشت عمومی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت». همچنین در دیگر مواد این آئین نامه نیز به منظور حفظ بهداشت عمومی مقرراتی در مورد آلوده کردن آب آشامیدنی، آلودگی آبهای سطحی و زیرزمینی، آلودگی هوای استنشاقی و سایر موارد موثر بر انسان و موارد مشابه وضع شده است. به موجب ماده ۷ همین آئین نامه «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است مراکز بهداشتی، درمانی، آموزشی، و تربیتی، اماکن عمومی و مراکز تهیه، توزیع،

نگهداری و فروش مواد خوردنی، آشامیدنی و بهداشتی را از نظر ضوابط و مقررات بهداشت محیطی کنترل و با متخلفان از دستورالعملها و توصیه‌های بهداشتی وزارت، برابر مقررات قانونی مربوط (قانون تعزیرات) رفتار نماید». همچنین به موجب ماده ۱۲ همین آئین نامه «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از طریق شبکه های بهداشتی، درمانی و خانه های بهداشت در روستاها ضمن آموزش گسترده با بسیج مردم و جلب همکاری بین بخشی در زمینه مسایل بهداشت محیطی از قبیل جمع آوری، حمل و نقل بهداشتی زباله، دفع بهداشتی مدفوع و کود حیوانی، بهسازی معابر و جداسازی محل نگهداری دام و پرندگان از محل سکونت، نظارت و پیگیری لازم را معمول داشته، همچنین در جهت بهسازی منابع و کنترل کیفی آب آشامیدنی، جمع آوری و دفع بهداشتی فاضلاب ها، کنترل اماکن عمومی و مراکز تهیه، توزیع و نگهداری و فروش مواد غذایی اقدام نماید». در ۱۱/۴/۱۳۳۴ قانون شهرداری به تصویب رسید. در ماده ۵۵ آن به مسائل زیست محیطی شهری توجه شده و شهرداری را ناظر بر اجرای آن نموده است.

قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب مرداد ۱۳۴۶ در ماده ۱۲ استفاده از مواد غیر مجاز و سمی در مواد خوردنی، آشامیدنی، بهداشتی و آرایشی را ممنوع اعلام نموده و مختلف به مجازات پیش بینی شده می‌رساند. قانون آب و نحوه ملی شدن آن در ۲۷/۴/۱۳۴۷ آب را بعنوان یکی از عناصر مهم زیست محیطی مورد توجه قرار می‌دهد. به موجب ماده ۶۰ این قانون هر کسی عمداً آب رودخانه و انهار عمومی و جویبارها و مخازن و منابع و قنوات و چاه‌ها را با اضافه کردن مواد خارجی آلوده کند مجرم بوده و به مجازات پیش بینی شده می‌رسد آئین نامه جلوگیری از آلودگی آب در ۳۰/۸/۱۳۵۰ و سپس در ۲۴/۹/۱۳۶۳ و ۱۸/۲/۱۳۷۳ به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، در همین رابطه باید به قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۴/۱۱/۱۳۵۴، قانون لایحه قانونی راجع به عضویت ایران در کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریائی و نواحی ساحلی مصوب ۲۱/۹/۱۳۵۸، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۶/۱۲/۱۳۶۱، قانون اجازه الحاق به پروتکل راجع به آلودگی دریائی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره

مصوب ۱۳۷۰/۷/۲، قانون پروتکل راجع به حمایت محیط زیست دریائی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۹، قانون مناطق دریائی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۱/۱/۳۱ مجلس، آئین‌نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱/۴/۲۴ هیأت وزیران اشاره نمود. مسئله آلودگی‌های شیمیائی و زباله، نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این مورد می‌توان به قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریائی ناشی از دفع مواد زاید و دیگر مواد مصوب ۱۳۷۵/۶/۲۵ مجلس شورای اسلامی ایران اشاره نمود. مسئله آلودگی هوا نیز مورد توجه قانونگذاران ایران قرار گرفته و در قوانین متعدد مقررات حقوقی مربوطه تدوین گردیده است. آئین‌نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ کمیسیونهای مجلس، آئین‌نامه تعزیرات حکومتی در شهرداریهای کشور در خصوص شهروندان و کارکنان مصوب ۱۳۶۷/۳/۲۵ و ماده واحده قانون تشدید مجازات موتور سیکلت سواران متخلف مصوب ۱۳۵۶/۴/۱۲ و قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ از مهمترین قوانین وضع شده در این موضوع می‌باشند. در دو نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ایجاد هر گونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع بوده و مرتکب مورد تعقیب قرار می‌گیرد.

ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) که در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسید صریحاً اقداماتی را که موجب لطمه به بهداشت محیط است را جرم شناخته و مجازاتی برای آن تعیین کرده است. ماده مزبور می‌گوید: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابانها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای کشاورزی ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد».

اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست از جمله جرایمی است که سلامتی جامعه را در

معرض تهدید قرار می‌دهد. عنصر مادی این جرم، اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط زیست است که به راههای مذکور در این ماده و راههای مشابه محقق می‌شود.

تبصره ۲ همین ماده آلودگی محیط زیست را تعریف کرده است. «منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.»

همچنین از تبصره یک همین ماده که می‌گوید «تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد برعهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان حفاظت از محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود». و نیز با عنایت به متن ماده مورد بحث می‌توان استنباط کرد که راههای مذکور در ماده، جنبه تمثیلی دارد، بنابراین اگر اقدامات دیگری نیز صورت گیرد که به تشخیص مراجع مذکور در تبصره یک (۱- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۲- سازمان حفاظت محیط زیست ۳- سازمان دامپزشکی) تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، مشمول مجازات این ماده خواهد بود. نکته مهمی که نباید از یاد برد این است که ملاک اصلی استناد به این ماده آن است که اقدام مذکور در ماده هم اگر تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته نشود، مشمول ماده نخواهد بود. به عنوان مثال، ریختن زباله در خیابانها از جمله اقدامات مذکور در این ماده است. ریختن زباله یک عنوان عام است و از یک شیء کوچک مانند چوب کبریت تا ریختن خروارها زباله را شامل می‌شود. روشن است که هر گونه ریختن زباله در خیابان را نمی‌توان از مصادیق این ماده دانست زیرا مصادیق این ماده چنانکه در صدر آن اشاره شده است شامل اقداماتی است که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود.

۵. فصل پنج. حقوق زیست محیطی و جرائم مربوط به آن

۵-۱. مفهوم حقوق محیط زیست

حقوق محیط زیست و منابع طبیعی به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی تحت تاثیر آن‌ها قرار گرفته و به همین علت درک مسائل آن مستلزم اطلاعات اولیه در محیط زیست است. با توجه به مفهوم رایج و متداول محیط زیست که بیان‌کننده همه فعالیت‌ها و رابطه متقابل بین انواع موجودات زنده از جمله انسان با محیط پیرامونشان است، این نتیجه حاصل می‌شود که حقوق محیط زیست علاوه بر زیر پوشش قرار دادن تمام رشته‌های مختلف حقوق کلاسیک شامل حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین‌الملل، آن قسمت از حقوق که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمام قسمت‌های حقوقی وارد کند نیز دربرمی‌گیرد. به همین دلیل حقوق کیفری محیط زیست جزیی یا کلی شامل بخش‌های متعدد از مقرراتی می‌شود که یا به ملاک‌های تاسیس و یا به محک‌های مادی و تعریف محیط زیست تاکید دارند.

در تعریف جرم زیست محیطی آمده است: «هر نوع فعلی یا ترک فعلی که سبب ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی سلامت بشر می‌شود». جرائم زیست محیطی را با توجه به ماهیتشان به دو گروه عمده تقسیم‌بندی می‌کنند:

الف- جرائم ارتكابی نسبت به جاندار محیط زیست منهای انسان که شامل همه جانداران گیاهی و حیوانی می‌شود. طبق قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف سازمان حفاظت محیط زیست، پیشگیری و ممانعت از هر آلودگی و اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، است. همچنین تمام امور مربوط به جانداران وحشی و آبریان آب‌های داخلی را شامل می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۶ همان قانون، تخریب

جنگل‌ها و مراتع نیز از جمله مواردی است که باعث برهم خوردن تعادل در محیط زیست شده و بنابراین عملی مجرمانه محسوب می‌شود.

ب- جرائم ارتكابی نسبت به عناصر بی‌جان محیط زیست از قبیل آب و هوا، خاک، صدا و آلودگی‌های شیمیایی.

۵-۲. جایگاه حقوق محیط زیست

بی‌تردید اهمیت و جایگاه حقوق محیط زیست به بهترین شکل آن در اصل پنجاهم قانون اساسی متبلور شده و پیام‌آور این مهم است که مسائل زیست محیطی یک امر کاملاً فرابخشی بوده و باید همه‌آحاد جامعه به ویژه سازمان‌ها و دستگاه‌ها هر یک به فراخور توان و کارایی تشکیلات خود در حفظ و نگهداری از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی از هر فعالیتی که با آلودگی و یا تخریب غیرقابل جبران محیط زیست همراه باشد، تلاش کنند.

بررسی سابقه قانون‌گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن است که نخستین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی (مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸)، قانون شکار (مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) فقط در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که به طور نسبی در خصوص همه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ است.

در قانون برنامه اول توسعه، جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست و جبران خسارت وارده راهکار خاصی در قالب تبصره ۱۳ این قانون لحاظ شده است به طوری که یک در هزار در آمد حاصل از فروش تولیدات کارخانجات و کارگاه‌های کشور به این امر اختصاص یافته است. با توجه به اهمیت موضوع با پایان مدت اعتبار قانون اول توسعه، موضوع در بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و معرف آن در موارد معین تکرار شده است.

شرح قانون مجازات اسلامی و مسائل زیست محیطی

با توجه به تعداد قوانینی که با مسائل زیست محیطی به معنای عام آن مرتبط هستند در این راستا و قوانین نسخ و منسوخ، عام و خاص، مطلق و مقید وجود دارد که قانونگذار با توجه به اهمیت موضوع، مواردی از قانون مجازات اسلامی مانند: ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹ را به این مهم اختصاص داده است.

نتایج بررسی‌های چند ساله اخیر حاکی از آن است که اغلب دعاوی مطرح شده از طرف ادارات کل حفاظت محیط زیست علیه واحدهای تولیدی و صنعتی که به نحوی آلاینده به چرخه محیط زیست وارد می‌سازند به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات است.

ابعاد موضوعی ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر قابل بررسی است:

۱- عنصر مادی این جرم: اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط زیست است که به روش ذکر شده در متن این ماده و راه‌های مشابه محقق می‌شود. راه‌های مذکور در ذیل مفاد تبصره یک جنبه تمثیلی دارد، بنابراین، هرگونه اقدام دیگری به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست، بهداشت عمومی را تهدید یا محیط زیست را آلوده کند، مشمول این ماده خواهد بود. در تبصره دوم این ماده، اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست به صورت کلی تبیین و آن را در حیطه چهار عنصر آب و هوا، خاک و زمین محاط کرده است.

۲- در نگاه اول به مفاد تبصره یک ماده ۶۸۸ ممکن است این نتیجه حاصل شود که اعلام مجرم موضوع این ماده فقط در صلاحیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست است.، اما با توجه به اینکه جرم مزبور بر اساس مفاد ماده ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی از آن دسته جرایم غیر قابل گذشت است و حتی در اغلب موارد اشخاص

دیگری اعم حقیقی و یا حقوقی از این جرم متضرر می‌شوند، بنابراین، اعلام جرم و تعقیب آن از سوی سایر اشخاص نیز ممکن است. همچنین مراجع نامبرده به عنوان شاکی خصوصی که حق گذشت داشته باشند، محسوب می‌شود.

۳- تشخیص اینکه اقدام انجام شده و تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست است یا خیر بر اساس مفاد مندرج در ذیل این ماده از وظایف قانونی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست بوده، اما عمل انجام شده زمانی قابل تعقیب است که قبلاً از سوی مراجع نامبرده تعیین و اعلام شود و کارشناسان ذیصلاح وزارت و سازمان مذکور فقط عمل ارتكابی را با مقررات اعلام شده تطبیق بدهند. اما اگر عملی به‌عنوان اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست تعیین نشده باشد و کسی مرتکب آن شود و سپس کارشناسان مزبور در پاسخ استعلام مرجع قضایی آن را اقدام علیه بهداشت یا محیط زیست اعلام کند با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مغایرت پیدا می‌کند.

۴- احتمال ارتكاب جرایم مصرح در ماده ۶۸۸ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و یا عمومی و خصوصی وجود دارد. به طور مثال، اگر شهرداری به عنوان متولی جمع‌آوری و تخلیه زباله‌های شهری هرگونه اهمال یا سهل‌انگاری در موضوع کند که منجر به آن شود که زباله‌ها جمع‌آوری نشود، مشمول حکم این ماده خواهد بود.

بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

بر اساس مواد ۱۴، ۱۵ و ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۳/۲/۱۳۷۴ مجلس شورای اسلامی، فعالیت کارخانجات و کارگاه‌های جدیدی که ضوابط و معیارهای موضوع ماده ۱۲ را رعایت نکنند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است. سازمان

حفاظت محیط زیست، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌هایی که آلودگی آن‌ها بیش از حد مجاز استانداردهای محیط زیست باشد را مشخص کرده و مراتب را با تعیین نوع و میزان آلودگی به صاحبان و یا مسئولان کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و نیروگاه‌ها ابلاغ خواهد کرد تا در مهلت معینی که توسط سازمان با همکاری و مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط تعیین می‌شود نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام کنند.

۳-۵. منابع آلوده‌کننده محیط زیست

در قوانین کشور ایران دو منبع آلوده‌کننده ثابت و متحرک تعریف شده است: منابع ثابت همان کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، پتروشیمی و... هستند و منابع متحرک وسایل نقلیه موتوری.

براساس ماده ۱۵ و ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، سازمان حفاظت محیط زیست موظف است واحدهای آلاینده را شناسایی کرده و پس از اخطار چنانچه برای رفع مشکل اقدامی انجام ندهند آن واحد را پلمب کند. در مورد آلوده‌کننده‌های متحرک نیز طبق ماده ۹ همین قانون، وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف است سیاست‌ها و برنامه‌های تولیدی واحدها و شرکت‌های تابعه تولید وسایل نقلیه موتوری خود را به نحوی تنظیم کنند که با استانداردها همخوانی داشته باشد و در تولید قطعات و واردات محصولات نکات استاندارد رعایت شود.

۴-۵. جرم انگاری تخریب درختان

درختان به عنوان بخش مهمی از محیط زیست، مورد حمایت اسناد بین‌المللی از جمله فصل یازدهم دستور کار ۲۱ و بیانیه اصول حفاظت از جنگل‌ها مصوب ۱۹۹۲ قرار گرفته است. در حقوق کیفری ایران مهم‌ترین مقرره‌های که به حمایت کیفری از درختان موجود در فضای شهری پرداخته است، ماده ۶۸۶ قانون

تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است. این ماده مقرر میدارد: "هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالمانه عامدانه و برخلاف مقررات قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد".

قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ است، اما این قانون مطابق قانون اصلاحیه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها در سال ۱۳۸۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مورد بازنگری قرار گرفت. مطابق ماده ۱ قانون اصلاح: "به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درختان، قطع هر نو درخت یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میدان ها، بزرگراه ها، پارک ها، بوستان ها، باغات و نیز محل هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است". اما ماده ۴ این قانون مقرراتی شبیه ماده ۶۸۶ را به تصویب رسانده است که باید آن را ناسخ ماده ۶۸۶ دانست. به موجب این ماده: "هر کس درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز را عالمانه عامدانه و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آن ها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده، حسب مورد به جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال برای هر درخت و در صورتیکه قطع درخت بیش از سی اصله باشد، به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد". در خصوص این ماده نکاتی قابل ذکر است که نمایانگر مثبت نبودن مداخله کیفری قانونگذار برای حمایت کیفری از درختان در فضای شهری است. نخست آنکه عملکرد قانونگذار در تصویب این ماده نسبت به ماده ۶۸۶ قانون تعزیرات را می توان از یک سو مطلوب و از سوی دیگر نامطلوب دانست. اقدام مفید قانونگذار در ماده جدید را می توان پیشینی جزای نقدی برای هر درخت به صورت مجزا دانست، درحالیکه در ماده ۶۸۶ جزای نقدی برای رفتار

فرد صرف نظر از تعداد درختان قطع شده پیش بینی شده بود؛ اما اقدام غیر مفید و نامطلوب قانونگذار را میتوان هم در تقلیل کیفر حبس از شش ماه تا سه سال به شش ماه تا یک سال و همچنین مشروط کردن اعمال این کیفر به قطع بیش از سی اصله درخت دانست. در واقع چنین مجوزی از سوی قانونگذار به اشخاص اجازه می دهد که تا سی اصله درخت را قطع نمایند و در قبال این چنین رفتار آسیب زای مهمی که نتایج بسیاری بر جای میگذارد فقط کیفر نقدی بر شخص اعمال شود؛ و همچنین بزهدکار با تجاوز قطع درختان به بیش از سی اصله درخت فقط با کیفر اندک شش ماه تا یک سال حبس مواجه است.

نکته دوم آن است که حقوق کیفری ایران به دو شکل از درختان واقع در فضای شهری حمایت کیفری به عمل آورده است. نخست حمایت از درختانی که جزء اموال شخصی اشخاص محسوب می شوند مانند آنچه در مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ قانون تعزیرات پیشبینی شده است. چنین حمایتی نه به جهت حفظ و حمایت از محیط زیست، بلکه به جهت حمایت از اموال شخصی است. به دیگر سخن، قصد قانونگذار در این حالت حفاظت درختان از تعرض، همچون حمایت از دیگر اموال اشخاص است. دوم حمایت از درختان به جهت آنکه جزء اموال ملی اند عمومی محسوب می شوند مانند آنچه در ماده ۴ قانون اصلاح قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها تعیین شده است. حال چالشی که در این خصوص پیش می آید آن است که چنان چه شخصی درخت متعلق به دیگری که در فضای شهری واقع شده است را آتش بیند باید معتقد به حاکمیت مواد ۶۷۵ و ۶۸۴ بود یا ماده ۴ قانون پیش گفته. به دیگر سخن آیا باید منفعت خصوصی را مقدم شمرد یا نفع جمعی را؟ برای پاسخ به این پرسش باید میان دو حالت تفکیک قائل شد. نخست آنکه درخت مزبور در ملک شخصی دیگری باشد که در این صورت بی تردید ماده ۶۷۵ حکم فرما خواهد بود چراکه ماده ۱ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها از معابر، میدان ها و هر آنچه جزء فضای شهری باشد سخن گفته است و ملک شخصی افراد جزء فضای شهری نیست. حالت دوم آن است که درخت متعلق به دیگری در معبر

عام مانند حریم خانه واقع شده باشد. به نظر می‌رسد که در این فرض باید معتقد به حاکمیت ماده ۶۷۵ بود چراکه از نظر قانونگذار مال شخص دیگری مورد تخریب قرار گرفته است اعم از اینکه درخت باشد یا خیر؛ اما چنانچه درخت متعلق به عموم باشد حکم ماده ۴ لازم الاجرا خواهد بود. نکته سوم آن است که قانون‌گذار در حمایت کیفری خویش از درختان متعلق به غیر در فضای شهری دچار نقصان شده است و آن عدم جرم‌انگاری تخریب درختان متعلق به غیر است. توضیح آنکه چنانچه درخت (بدون حاصل) متعلق به دیگری در فضای شهری مورد تخریب واقع شود هیچی از مقررات کیفری قانون تعزیرات از آن حمایت کیفری به عمل نیاورده اند چراکه از یک سو رفتار مرتکب در این فرض تخریب کردن است پس از اساس از حکم ماده ۶۷۵ که رفتار مورد نظر وی آتش زدن است خارج می‌شود؛ از سوی دیگر ماده ۶۸۴ نیز غیرقابل استناد خواهد بود چراکه ماده ای حاصل محور است و از این جهت نمیتوان به این ماده استناد کرد. چهارمین نکته را میتوان با طرح یک پرسش مطرح کرد و آن این است که ضمانت اجرای کیفری مقنن مشمول مال درخت نیز می‌شود یا خیر. به دیگر سخن اگر شخصی در فضای شهری درختی را بکارد و سپس آن را قطع نماید آیا چتر حمایتی قانونگذار بر موضوع رفتار وی نیز گسترانیده خواهد شد یا خیر. در پاسخ باید بیان داشت که هرچند به موجب ماده ۳۰ قانون مدنی: "هرمالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفا دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد" اما به موجب اصل ۴۰ قانون اساسی: "هیچکس نمیتواند اعمال خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد؛" بنابراین چون این رفتار یک جرم علیه اموال نبوده، بلکه یک بزه علیه آسایش عمومی است که هد از آن حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درختان می‌باشد از طرف مالک نیز قابل تحقق است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲). سرانجام چالش آخر حمایت کیفری قانون‌گذار از درختان واقع در فضای شهری آن است که این حمایت فقط محدود به قطع یا از بین بردن درختان به نحویکه باعث مرگ آنان شود می‌شود، بنابراین رفتارهایی مانند کندن شاخ و برگ درختان مشمول این ماده نمی‌شود.

۵-۵. جرم انگاری پسماند محور

جرم انگاری رفتارهای مرتبط با پسماندها هرچند خاص محیط زیست شهری نیست و می تواند خارج از این محیط نیز تحقق یابد، اما با توجه به اینکه اکثر فعالیت های انسان در این محیط رخ می دهد و انواع پسماندها مانند پسماندهای عادی (همچون زباله ها) و پسماندهای بیمارستانی در فضای شهری رخ می دهد از این نظر این پسماندها نیز در قالب حمایت کیفری از محیط زیست شهری بیان شده است. پسماندها به خصوص زباله های خطرناک مورد توجه اسناد بین المللی همچون فصول ۱۹ مدیریت مواد شیمیایی سمی، ۲۰ زباله های خطرناک، ۲۱ زباله های جامد و فاضلاب، ۲۲ زباله های اتمی، دستور کار ۲۱ کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از دفع مواد زائد و دیگر مواد مصوب ۱۹۷۲ و کنوانسیون بازل درباره کنترل انتقالات برون مرزی مواد زائد زیانبخش و دفع آنها ۱۹۸۹ قرار گرفته است. مطابق بند ب ماده ۲ قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳: پسماند به مواد جامد، مایع و گاز (غیر از فاضلاب) گفته می شود که به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل از فعالیت انسان بوده و از نظر تولید کننده زائد تلقی می شود. پسماندها مطابق ادامه همین بند به پنج گروه عادی، پزشکی، ویژه، کشاورزی و صنعتی تقسیم میشوند. مطابق ماده ۷ این قانون، مدیریت اجرایی پسماندها باهم متفاوت است. بر اساس این ماده، مدیریت اجرایی پسماندهای عادی، پزشکی و کشاورزی در شهرها و روستاها و حریم آنها به عهده شهرداری ها و دهزاری ها و در خارج از حوزه وظایش شهرداری ها و دهزاری ها، به عهده بخشداری ها است؛ اما مدیریت اجرایی پسماندهای صنعتی و ویژه به عهده تولید کننده خواهد بود. اما جرائمی که در این قانون پیش بینی شده است را میتوان در سه دسته بررسی کرد. دسته اول که شامل نگهداری، مخلوط کردن، جمع آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماند در غیر موارد مقرر قانونی مطابق ماده ۱۶ قانون مزبور جرم تلقی شده و برای آن کیفر در نظر گرفته

شده است. این ماده از لحاظ نوع کیفر، جزای نقدی را برگزیده و از لحاظ میزان کیفر، بزه های مرتبط با پسماندهای عادی را دارای سرزنش کمتری دانسته و کیفر نقدی کمتری را برای آن در رویارویی با سایر پسماندها در نظر گرفته است؛ اما دو نکته در خصوص رفتار فیزیکی بزه مزبور لازم به ذکر است. اول آنکه رفتارهای فیزیکی مقرر در ماده جنبه حصری داشته و نه تمثیلی؛ بنابراین رفتار فیزیکی لازم برای تحقق بزه مزبور باید یکی از رفتارهای نگهداری، مخلوط کردن، جمع آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، صدور و تخلیه در غیر موارد مقرر قانونی باشد. دوم آن که از ظاهر ماده برمی آید که این بزه با ارتکاب فعل مثبت و انجام کار تحقق میابد، نه ترک فعل. دسته دوم شامل ممنوعیتی است که در ماده ۱۳ این قانون مقرر شده است. مطابق ماده ۱۳: مخلوط کردن پسماندهای پزشکی با سایر پسماندها و تخلیه و پخش آنها در محیط و یا فروش، استفاده و بازیافت این نوع پسماندها ممنوع است. ضمانت اجرای عدم رعایت این ممنوعیت در قسمت اخیر ماده ۱۶ بیان گردیده که کیفر نقدی از دو میلیون ۲۰۰۰۰۰۰ ریال تا یک صد میلیون ریال و در صورت تکرار، دو برابر حداکثر کیفر پیش بینی گردیده است. قانونگذار در این مورد تاکید ویژه ای بر پسماندهای پزشکی داشته و با توجه به خطرناکی آن ها، حکم خویش را به صورت واضح بیان کرده است. دسته سوم نیز الزامی است که برای انتقال پسماندهای ویژه پیش بینی شده است. مطابق ماده ۱۴: نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه تابع مقررات کنوانسیون بازل و نظارت مرجع ملی کنوانسیون خواهد بود. نقل و انتقال درون مرزی پسماندهای ویژه تابع آیین نامه اجرایی مصوب هیئت وزیران خواهد بود. ضمانت اجرای رعایت این الزام در ماده ۱۷ مقرر گشته است. مطابق ماده ۱۷: متخلفین از حکم ماده ۱۴ این قانون موظف شده اند پسماندهای مشمول کنوانسیون بازل را به کشور مبدا اعاده و یا در صورت امکان معدوم کردن در داخل تحت نظارت و طبق نظر سازمان (مرجع ملی کنوانسیون مذکور در ایران) به نحو مناسب دفع نمایند. در غیر این صورت به مجازات مقرر در ماده ۱۶ محکوم خواهند شد. در کنوانسیون بازل مقررات مختلفی برای نقل و انتقال پسماندهای ویژه مورد پیشینگی

قرار گرفته است که عدم رعایت آنها موجب نقض کنوانسیون از سوی اعضا می‌شود. مهمترین مقررات موضوع این کنوانسیون برای نقل و انتقال برون مرزی پسماندهای ویژه، در مواد ۶ تا ۹ این کنوانسیون مطرح گشته‌اند. از جمله اینکه: کشور صدور باید کتبا و از طریق مرجع صالح کشور صدور، مرجع صالح کشورهای ذینفع را از هرگونه انتقال برون مرزی زباله‌های مضر یا سایر انواع زباله که در نظر دارد انجام دهد مطلع سازد، یا از ایجادکننده یا صادرکننده زباله‌ها بخواهد که چنین اقدامی را به عمل آورد. در مقابل نیز کشور ورود وظیفه دارد که کتبا به کشور اطلاع‌دهنده پاسخ دهد و موافقت خود را تحت شرایطی و یا بدون قید و شرط اعلام دارد و یا این که از اجازه انتقال امتنا ورزد یا اطلاعات بیشتری را درخواست نماید.

۵-۶. جرم انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی

تهدید علیه بهداشت عمومی رفتار دیگری است که قانونگذار برای حمایت کیفری از محیط زیست شهری (البته نه بهطور اختصاصی)، آن را جرم انگاری کرده است. ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این زمینه مقرر می‌دارد: هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد،... ریختن... زباله در خیابانها و ... ممنوع است و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. عمل مرتکب در این ماده تهدید علیه بهداشت عمومی است؛ بنابراین از این منظر تفاوتی میان رفتارهای مختلفش وجود ندارد و قانونگذار با استفاده از عبارت «هر اقدامی» و بهره‌گیری از رفتارهای تمثیلی گستره ماده را افیایش داده و منحصر به موارد خاصی نکرده است. موضوع این جرم یعنی آن چیزی که جرم علیه آن واقع می‌شود عبارت است از بهداشت عمومی. بهداشت عمومی که همان بهداشت محیط است مطابق ماده ۱ آیین نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱ هیئتوزیران، عبارت است از «کنترل عواملی از محیط

زندگی به گونه ای که روی س مت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تمایر میگذارند». نکته‌های که در خصوص این جرم قابل ذکر است آن است که صر اینکه رفتارهای مصرح در ماده رخ بدهند جرم مزبور قابل تحقق نخواهد بود بلکه باید این رفتارها تهدیدی علیه بهداشت عمومی شناخته شوند. از این حیث میتوان به رویکرد قانون گذار انتقاد وارد کرد، چراکه از منظر قربانی‌شناسی جرایم زیستمحیطی، محیط‌زیست فار از تمایر آن نسبت به انسانها دارای ارزش ذاتی است و اینکه برای هر ی از اجزای آن باید هویت و شخصیتی قائل بود؛ بنابراین صر آلوده کردن هوا یا آب یا رفتارهای مجرمانه خواهد بود، نه آن که حمایت از محیط‌زیست را زمانی قابل اجرا بدانیم که به منفعت انسان خدشهای وارد شود. این امر از جهت حقوقی نیز قابل انتقاد است؛ چراکه جرایم زیستمحیطی معمولاً ارزاتی بلندمدت دارند، حالآنکه به نظر میرسد ارزیابی تهدید بودن رفتار علیه بهداشت عمومی با نگاهی پیامد‌گرای مقطعی صورت گیرد که این امر سبب می گردد چنانچه رفتاری در کوتاهمدت تهدیدی علیه بهداشت عمومی نباشد ولی اثرات آن در بلندمدت نمایان گردد از گستره جرم انگای قانون - گذار خارج گردند. باینحال در وضع فعلی تحقق آلودگی محیط‌زیست متوقش بر ایجاد تغییر در اجزای محیط زیست (قاسمی، ۱۳۸۵). نکته دیگر در خصوص مرجع تشخیص مورد تهدید قرار گرفتن بهداشت عمومی است. قانونگذار در تبصره ۱ این ماده علاوه بر تعیین مرجعی خاص برای تشخیص تهدید علیه بهداشت عمومی، از مراجعی برای تشخیص آلودگی محیط‌زیست و نیز غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضالت دامی نیز سخن به میان آورده است. مطابق این تبصره، مرجع تشخیص اقدام علیه بهداشت عمومی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پیش‌کی؛ مرجع تشخیص آلودگی محیط زیست، سازمان محیط زیست و مرجع تشخیص غیرمجاز بودن کشتار دام و دفع فضالت انسانی، سازمان دامپزشکی خواهد بود. چالش دیگری که در پس این جرم به وجود می‌آید در دسترس نداشتن معیاری برای تشخیص تهدید کننده بودن رفتار علیه بهداشت عمومی است. توضیح آنکه برای مثال وزارت بهداشت، درمان و آموزش پیش‌کی بر چه اساس و معیاری تشخیص خواهد داد که زباله ریخته شده در خیابان تهدید

علیه بهداشت عمومی است. این نو از قانونگذاری راه را برای تفسیرهای ناروا باز می گذارد چراکه ممکن است ارزیابان این وزارت ریختن ی کیسهزباله در خیابان را نیز به عنوان اقدامی علیه بهداشت عمومی تلقی کنند حالآنکه قطعاً عر چنین تلقی را از این رفتار نخواهد داشت. بدینسان لازم است که مقنن از به کار بردن چنین واژههای مبهمی پرهیزی کند. در وضع کنونی نیز باید با به کار بردن قواعد تفسیر از جمله قاعده عدم دخالت مقنن کیفری جی در موارد کام ع ضروری، تفسیر قانون کیفری در پرتو قانون اساسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم (پوربافرانی، ۱۳۹۰) از تفاسیر ناروا و ناقانونی در این زمینه جلوگیری کرد. آخرین نکته در خصوص تمایی میان تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست است. توضیح آنکه بسیاری از متون مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی در ماده مذکور را با جرم آلودگی یکی دانستهاند. لذا به نظر میرسد این موضوع مقرون به صحت نباشد؛ چراکه تعاریف بهداشت و آلودگی محیط زیست متفاوت از یکدیگر است. به نحو یک در ماده (۱) آیین نامه بهداشت محیط، بهداشت عبارت است از: کنترل عواملی از محیط زندگی که به گونه ای روی سمت جسمی، روانی و اجتماعی انسان تمایر می گذارند. حال آنکه تعریف آلودگی مستند به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و با تغییرات بسیار جیهی در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اس می، عبارت است از: پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا، خاک یا زمین به میانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژی آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آمار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد. حال اگر ایجاد آلودگی منجر به صدمات به بشر نگردد، نمی تواند از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی باشد (نجات و دبیری، ۱۳۹۴). برای رفع این تعارض می توان سه نظر را مطرح کرد. نخست آنکه این دو را تعدد معنوی فرض کنیم و کیفر اشد را برای مرتکب در نظر بگیریم؛ اما به نظر میرسد که این فرض چندان با واقعیات علم حقوق سازگار نباشد چراکه مصادیق آلودگی محیط زیست در قالب جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظر گرفته شده اند و نه عنوان مجرمانه مستقلی. بر

اساس نظریه دوم باید فقط صحبت از جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نمود، چراکه قانونگذار زمانی ی جرم را رفتار فیزیکی جرم دیگر در نظر میگیرد قصدش جرم مهم تر بوده است. سرانجام بر اساس نظر سوم که نظری منطقیتر است، باید تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را که مقرر میدارد: «در صورتیکه مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمیشود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می شود» مستمسق قرارداد و معتقد بود که قانونگذار مجموع جرایم ارتكابی را ی جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظر گرفته است.

۵-۷. جرم انکاری آلودگی هوا

از جمله مهمترین اسناد بین المللی که به حمایت و حفاظت از هوا و جو پرداختهاند میتوان به کنوانسیون وین ۱ برای حفاظت از ایله ازن مصوب ۱۹۸۵، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آبوهوا (تغییرات ۲ اقلیمی) مصوب ۱۹۹۲ و پروتکل کیوتو در مورد ۳ کنوانسیون تغییرات اقلیم مصوب ۱۹۹۸ اشاره کرد. ماده ۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ پس از ممنوع ساختن هر عملی که موجب آلودگی هوا میشود مقرر میدارد: «... آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش ی یا چند آلودهکننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیرپرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را بهطوریکه زیانآور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آآر و ابنیه باشد تغییر دهد». منشم آلودگی هوا میتواند منابع مختلفی مانند استفاده از سوختهای فسیلی، وسایل نقلیه، فعالیت های صنعتی، به آتش کشیدن زبالهها و فضوالت باشد (قاسم زاده، ۱۳۸۹)؛ اما در این قسمت با توجه به اینکه قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ منابع آلودهکننده هوا را مطابق ماده ۳، به سه دسته وسایل نقلیه موتوری؛ کارخانه ها و کارگاهها و نیروگاه ها؛ و منابع تجاری و خانگی و منابع

متفرقه تقسیم کرده است، بر مبنای همین تقسیمبندی مسئولیت کیفری مرتکبان آن مشخص خواهد شد.

۵-۸. وسایل نقلیه موتوری

استفاده از وسایل نقلیه موتوری در مجموع می تواند از دو جهت مسئولیت کیفری به دنبال داشته باشد. اول از جهت تردد با وسایل نقلیه آلودهکننده غیرمجاز و دوم نقض ممنوعیتهای آلودگی هوا که در این قسمت بررسی خواهند شد.

۵-۸-۱. تردد با وسایل نقلیه موتوری آلودهکننده

این رفتار در ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ بدین نحو که: «افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلودهکننده غیرمجاز تردد مینمایند...» بزه انگاری شده است. رفتار مجرمانه این ماده «تردد» است که حتماً لازم است با وسایلی صورت گیرد که هم موتوری بوده و ۴ هم آلودگی غیرمجاز تولید نمایند. بدیهی است تردد به معنای عبور و مرور در فضای شهری است و چنانچه وسیله نقلیه موتوری بدون تردد روشن گردد و آلودگی تولید نماید با تمس به این ماده نمیتوان مرتکب آن را به کیفر رساند. نکته دیگر آنکه مال وسیله بودن یا نبودن تما یری در مسئولیت کیفری فرد نداشته و همینکه وی اقدام به تردد با وسایل نقلیه موتوری آلودهکننده نماید، بزه مزبور تحقیق یافته است. نکته آخر در خصوص مسئولیت کیفری فرد آن است که آیا اگر راننده از دودزا بودن وسیله مطلع نباشد و با چنین وسیلهای تردد نماید آیا باید کیفر مقرر در این ماده را بر وی بار نمود یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت که این بزه را باید از زمره بزلهای با سوءنیت دانست که بدون وجود عمد و علم قابل تحقق نیست؛ بنابراین پاسخ سؤال مزبور منفی است و زمانی کیفر بر مرتکب بار خواهد شد که وی از دودزا بودن وسیله اط داشته و با قصد با آن تردد

نماید. در ماده مزبور برای این رفتار مجرمانه، کیفر بسیار ناچیزی پیشبینی شده که بدیهی است نمی تواند هد بازدارندگی کیفر را به خوبی نشان دهد. در این ماده پن هزار ریال تا ی صد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر حجم موتور میان آلودگی و دفعات تکرار جرم به عنوان کیفر معین شده است؛ اما در این ماده اقدام تممینی پیش بینی شده است که بهوضوح سودمندی آن نسبت به کیفر تعینی نشده نمایان است. ادامه ماده مقرر می دارد که «... ضمناع از تردد وسایل نقلیه آلودهکننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد».

۵-۲. نقض ممنوعیتهای آلودگی هوا

قسمت دوم ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر میدارد: «... همچنین کسانی که محدودیت ها و ممنوعیتهای موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند...». ماده ۷ این قانون در زمینه ی بیان محدودیت ها بیان میدارد: «در مواقع اضطراری که به علت کیفیت خاص جوی، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پیشکی س مت انسان و محیطزیست را شدیداع به مخاطره بیندازد، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداریها و نیروی انتظامی جمهوری اس می ایران) ممنوعیت ها یا محدودیتهای زمانی، مکانی و نوعی را برای منابع ۱ آلودهکننده برقرار نموده و ب فاصله مراتب را از طریق رسانه های همگانی به اط عموم خواهند رسانید. با برطر شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرار شده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اط عموم خواهد رسانید». در خصوص این جرم دو نکته وجود دارد که باید بیان شوند. اول آنکه رفتار مرتکب در نقض ممنوعیتهای و محدودیتهای بهصر برقراری این ممنوعیتهای نیست و باید مطابق ماده حتماع برقراری آنها از طریق رسانه های جمعی به اط عموم برسد؛ بنابراین اگر این ممنوعیت ها برقرار شوند ولی به اط عموم نرسند، صر نقض

آنها جرم نخواهد بود، چراکه از لحاظ اصولی قاعده «قبح عقاب بد بیان» حاکم خواهد بود و تا زمانی که ممنوعیت به اطمینان نرسد، به کیفر رسانی ناقضان آن عقابی است که قبح بیاننشده و مخاطبان قانون از آن بیخبر بوده‌اند. دوم آن که به نظر میرسد با رفع شرایط اضطراری و رفع ممنوعیتها از طرف سازمان، دیگر نتوان رفتار ناقضان آن را جرم دانست هر چند که رفع آنها به اطمینان نرسیده باشد.

۹-۵. کارخانها، کارگاهها و نیروگاهها عددم رعایتد ضدوابط، رفدد آلدودگی یددا توقدد فعالیتهای موجب آلودگی هوا از سوی کارخانها و کارگاهها

ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «صاحبان و مسئولین کارخانها و کارگاههای آلودهکننده که برخ مواد ۱۴، ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم میشوند». ماده ۱۴ قانون مزبور بیان می‌دارد: «فعالیت کارخانه‌ها و ۱ کارگاههای جدیدی که ضوابط و معیارهای ماده ۱۲ را رعایت نمایند و همچنین فعالیت و بهره‌برداری از کارخانها و کارگاهها و نیروگاههایی که بیش از حد مجاز موجبات آلودگی هوا را فراهم آورند، ممنوع است». چنانچه کارخانها یا کارگاه‌هایی سبب آلودگی هوا شوند، سازمان محیط‌زیست به آنها اخطار داده و مهلتی را تعیین مینماید تا نسبت به رفع آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. ضمانت اجرای عدم رعایت این مقرر در ماده ۲۹ که خود نیز آن را به ماده ۱۶ احاله داده مقرر گشته است. مطابق ماده: ۱۶ «در صورتیکه صاحبان و مسئولان کارخانها و کارگاهها و نیروگاههای آلودهکننده ظرف مهلت تعیینشده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوطه نمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذیربط محل که بفاصله توسط مأمورین نیروی

انتظامی به مورد اجرا گذاشته میشود از کار و فعالیت کارخانها و کارگاه های آلودهکننده جلوگیری به عمل خواهد آمد». مطابق تبصره این ماده: «در صورتیکه صاحبان و مسئولان کارخانها و کارگاهها و نیروگاههای آلوده کننده پس از اب سازمان حفاظت محیطزیست از فعالیت و ادامه کار کارخانه ها و کارگاه های مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانها و کارگاههای مذکور ر ساع و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور ری دادگاه صالحه، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها نمایند برحسب مورد به مجازات مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوطه به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد...». ماده ۱۷ این قانون نیز به اعمال ممنوعیتها و نقض آنها اختصاص یافته است. مطابق این ماده: «در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست می تواند کارخانه ها و کارگاه هایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در برداشته باشد با اخطار سری ع خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت استنکا به حکم رئیس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید».

۵-۱۰. ممانعت از انجام بازرسی و عدم همکاری بداممهوران سازمان حفاظت محیطزیست

این بزه در ماده ۳۰ قانون مزبور مقرر گشته است. مطابق این ماده: «کسانی که از انجام بازرسی مهوران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونهبرداری و تعیین میان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانه ها و کارگاه های منابع تجاری بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به عملا آورده و یا اسناد و مدار و اطاعات موردنیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدار و اطاعات خ واقع اراهه نمایند برحسب مورد و اهمیت موضو به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پن میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از ی ماه تا سه ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد».

۵-۱۱. منابع تجاری، خانگی و متفرقه

مطابق ماده ۳۱ «صاحبان و مسئولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از ۱ صد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم میشوند». مطابق ماده ۳۲ «مسئولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی... به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از ۱ صد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد»

۵-۱۲. جرم انگای آلودگی آب

هرچند بحث حمایت از آب و پیش گیری از آلودگی آن در قوانین داخلی همچون قانون اجازه تسمیس بنگاه آبیاری مصوب، ۱۳۲۲ قانون تسمیس وزارت آب و برق مصوب، ۱۳۴۲ قانون حفظ و حراست منابع آبی زیرزمینی کشور مصوب، ۱۳۴۵ قانون حفاظت از دریاها و رودخانههای قابل کشتی رانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ و اسناد فرا ملی همچون کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی ها مصوب ۱۹۷۳، کنوانسیون آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی مصوب ۱۹۹۰ که ایران نیز عضو آنها است، مطرح شده (خالقی و رشنوادی، ۱۳۹۲)، اما همه این قوانین آلودگی آب را تعریف نکردهاند. آلودگی آب دارای منضم متعددی است. ممکن است از طریق پساب های تصفیه ای از مواد زائد یا دارای تصفیه نامناسب، ورود آبهای سطحی و از آنجا به رودخانه ها و دریاچه ها داخل شود یا این که از طریق مواد مصرفی زیانآور در کشاورزی (مثل کودها و آفت کشها) و همچنین بهوسیله مواد شیمیایی سمی خطرناک یا از مواد زائد در محل های دفع زباله یا تسمیسات صنعتی امکان آلودگی آب فراهم می گردد (گوندلینو و همکاران،

(۱۳۸۹) با اینحال در نظام حقوقی ایران مقرراتی قابل مشاهده هستند که بهصراحت به تعریض آلودگی آب پرداخته اند. اولین مقررده را میتوان ماده ۵۶ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ دانست که آلودگی آب را «آمیختن مواد خارجی به آب به میانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیکی آن را بهطوریکه مضر به حال انسان و چهارپایان و آبیان و گیاهان باشد، تغییر دهد» دانسته است. بند ۲ ماده ۱۰ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳ دومین مقررده است که در تعریض آلودگی آب بیان میدارد: «تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است، مضر یا غیرمفید سازد»؛ بنابراین آلودگی آب در اثر ورود مواد یا عوامل فیزیکی و شیمیایی به آن به میزانی که باعث تغییر حالت طبیعی آن گردد، تحقق مییابد (وفادار، ۱۳۸۶). در خصوص حمایت کیفری از آب باید بیان داشت که از سوی هرچند این قوانین به حمایت از منابع آب توجه داشته و حمایت‌های حقوقی از آن به عملاً آورده و آلودگی آن را ممنوع کرده اند اما حمایت آن‌ها همراه با سرزنش کیفری نبوده است و از سوی دیگر اگر در برخی قوانین همچون قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های قابل کشتیرانی در مقابل آلودگی به مواد نفتی مصوب ۱۳۸۹ حمایت کیفری صورت گرفته، به جهت آنکه قلمرو آن‌ها به محیط زیست شهری مربوط نمی‌شود باید آن‌ها را در خصوص منابع شرب شهری غیرقابل اجرا دانست. با اینوجود مقرراتی در حقوق کیفری ایران وجود دارند که بر اساس آنها میتوان نظاره‌گر حمایت کیفری قانونگذار از آب در محیط زیست شهری بود. نخست آنکه اگر شخصی به عمد باعث آلودگی آب شود، به مجازات مقرر در بند ۵ ماده ۶۰ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷ (محکوم خواهد شد) تقی زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۷۳. بر طبق این ماده، مجازات چنین شخصی جریمه و یا حبس از دو ماه تا شش ماه یا هر دو مجازات است. دوم ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که «آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده یا ریختن مواد مسمومکننده در رودخانه» را جرم تلقی کرده و کیفر حبس تا یک سال را برای آن پیشبینی کرده است. اما در

این خصوص همانطور که پیشتر نیز گفته شد چالش شناخت آلودگی محیط زیست (آلودگی آب) و تهدید علیه بهداشت عمومی وجود دارد. با اینحال باید معتقد بود که برای آلوده کردن آب شهری فقط ماده ۶۸۸ مجری است چراکه از سوی سو آلودگی آب رفتاری است که در پس آن تهدید علیه بهداشت عمومی وجود دارد و از سوی دیگر کیفر قانون نخست حبس از دو تا شش ماه است و بنابراین مشمول قسمت اخیر ماده ۶۸۸ که مقرر می‌دارد: «چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد» نخواهد شد.

۵-۱۳. جرم انگای آلودگی خاک

در سطح منطقه ای و بین‌المللی اسنادی در راستای حمایت از خاک به عنوان بخش قابل توجهی از محیط زیست به تصویب رسید هاند که میتوان مهم ترین آن ها را منشور اروپایی خاک مصوب، ۱۹۷۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابانزدایی در کشورهای که به طور جدی با خشکسالی و یا بیابانزایی مواجه میباشند، به ویژه در آفریقا مصوب ۱۹۹۴، پروتکل خاک آلپ مصوب ۱۹۹۸ و کنوانسیون آفریقایی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی مصوب ۲۰۰۳ برشمرد. سیاست تقنینی کیفری ایران در حوزه خاک مانند دیگر حوزه های زیست محیطی فعال نبوده است. در این خصوص دو مقررده وجود دارند. نخست تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ است که آلودگی خاک را «پخش یا آمیختن مواد خارجی... به خاک... به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژی آن را به طور یکه به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد» میدانند. بدینسان آلودگی خاک را میتوان از رهگذر کیفر مقرر شده برای تهدید علیه بهداشت عمومی که در ماده ۶۸۸ پیش بینی شده است مشمول حمایت کیفری قرار داد، زیرا ماده ۶۸۸ مادهای تمثیل محور بوده و مصادیق خود را به صورت تمثیلی و نه حصری بیان کرده است. علاوه بر این قانون حفاظت و بهسازی

محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ نیز ضمانت اجرای کیفری برای مرتکبان آلودگی خاک در نظر گرفته است. بر اساس ماده ۱۱ قانون مزبور سازمان محیط زیست در مورد کارخانه ها و کارگاه هایی که موجبات آلودگی خاک را فراهم می آورند میتواند دو اقدام «دادن اخطار» و «یا» دادن دستور «را انجام دهد. اخطار زمانی است که سازمان محیط زیست تشخیص دهد کارخانه یا کارگاهی اقدام به آلودگی محیط زیست می کند که از این جهت مراتب را کتبا با ذکر دلایل برحسب مورد به صاحبان یا مسئولین آنها اخطار مینماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند؛ اما در صورتیکه در مهلت مقرر اقدام ننمایند به دستور ۲ سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. ضمانت اجرای نقض این تکلیف در ماده ۱۲ بدین نحو مقرر گشته است. «صاحبان یا مسئولین کارخانه ها و کارگاه های موضوع ماده ۱۱ مکلف اند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس از شصت روز تا یک سال و یا پرداخت جزای و یا به هر دو محکوم خواهند شد». اما این ماده در خصوص اشخاص حقوقی است و ضمانت اجرای آلودگی محیط زیست توسط اشخاص حقوقی در ماده ۱۳ پیشبینی شده است که به موجب آن: «کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین نامه های موضوع ماده ۱۰ تخلف نمایند برحسب مورد که در آیین نامه های مزبور تعیین خواهد شد به جزای نقدی از ۳ پانصد ریال تا پنجاههزار ریال محکوم خواهند شد». در این خصوص نیز همان چالش تعارض قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ماده ۶۸۸ قانون تعییرات وجود دارد که باید به اعمال ماده اخیر در خصوص آلودگی خا معتقد بود.

۵-۱۴. جرم انگاری آلودگی صوتی

در نظام حقوقی ایران قوانین و مقرراتی به آلودگی صوتی توجه داشته اند که میتوان

مهم ترین آن ها را قانون شهرداری مصوب، ۱۳۳۴ آیین نامه نصب و استفاده از بلندگو مصوب، ۱۳۳۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب، ۱۳۵۳ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب، ۱۳۷۴ آیین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸ و قوانین برنامه سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برشمرد (دبیری و همکاران، ۱۳۸۹). مطابق بند ۲ ماده ۱ آیین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی این عمل عبارت است از: «پخش و انتشار ۱ هرگونه صوت و صدا و ارتعاش بیش از حد مجاز و مقرر در فضای باز (غیر سرپوشیده)». این آیین نامه میان عامل آلودگی صوتی و منابع آلودگی صوتی تفاوت قائل شده است. مطابق بند ۵ ماده ۱: «عامل آلودگی صوتی... عبارت است از هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع اکت و هدایت منابع سیار مولد آلودگی صوتی را خواه برای خود، یا به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر بر عهده داشته و یا شخصاع به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی است؛» اما از جمله منابع و کانون های آلودگی صدا می توان به نیروگاه ها و پالایشگاه ها، کارخانه ها و کارگاه ها، وسایل نقلیه موتوری اعم از هوایی، دریایی، زمینی و هوایی، فرودگاه ها و سایر منابعی اشاره کرد که به هر نحو آلودگی صوتی تولید میکنند. اما در خصوص جرم آلودگی صوتی می توان مقررات دوگانه های را یافت که دسته اول فقط بر ممنوعیت این رفتار تمکید داشته که از اینجهت چون همراه با سرزنش کیفری نبوده در قلمرو حقوق کیفری قرار نگرفته، اما دسته دوم پرچم ضمانت اجرای کیفری را برافراشته و بدین سان در قلمرو حقوق کیفری قرار میگیرند. از جمله مقررات دسته اول میتوان به ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ماده ۲ آیین نامه اشاره کرد که اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع کرده است. همچنین میتوان به بند ۲ اص حی قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴ اشاره کرد که تمسیس کارخانه ها، کارگاه ها، گاراژهای عمومی، تعمیرگاها و به طور کلی مشاغلی که ایجاد میاحمت و سروصدا کنند را ممنوع دانسته است. اما جرم انگای آلودگی صوتی بهصراحت در دو قانون مورد اشاره قرار گرفته است. اول آیین نامه

راجع به نصب و استفاده از بلندگو م صوب ۱۳۳۹ که استفاده از بلندگو را تحت رعایت ضوابطی دانسته است. از جمله مهمترین ضوابط این آیین نامه می توان به کسب اجازه از شهربانی برای استفاده از بلندگو؛ عدم ایجاد مزاحمت برای افراد و اخلال در نظم در صورت استفاده از بلندگو و ممنوعیت استفاده از بلندگو از ساعت ۱۳ تا ۱۶ و ۲۰ تا ۷ صبح اشاره کرد. ماده ۶ این آیین نامه ضمانت اجرای تخلف از این مقررات را حبس از دو روز تا ده روز و یا غرامت ۲ تا دوست ریال پیشبینی کرده است؛ اما پرسشی که در خصوص این آیین نامه پیش میآید آن است که از اساس آیین نامه می تواند جرم انگاری نماید و رفتاری را جرم بشمارد یا خیر؟ در پاسخ باید بیان داشت که مطابق نظام حقوقی قبل از انق ب، بر اساس قانون، آیین نامه میتواند در امور خ فی جرم انگای نماید اما در امور جنحه و جنایت خیر؛ اما پس از انق ب چون مقرراتی در این زمینه وجود ندارد، آیین نامه توان جرم انگای را نداشته و بر این اساس این آیین نامه نیز نمیتواند عنصر قانونی برای جرم آلودگی صوتی باشد. دومین قانون که مهمترین ضمانت اجرا برای به کیفر رسانی مرتکبان آلودگی صوتی است، ماده ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ است که مقرر میدارد: «... عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یک صد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد». در مواد ۱۱۷ و ۱۳ آیین نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی نیز پس از بیان رعایت شرایط و ضوابطی از سوی منابع تولیدکننده، نقض این ضوابط را مستوجب کیفر مقرر در ماده ۳۲ پیشگفته دانسته است. علاوهبر این قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست نیز مقرراتی را در زمینه ی جرم انگای آلودگی صوتی دارد. از جمله ماده ۱۰ این قانون که جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیطزیست در زمره وظایف سازمان محیط زیست شناخته شده است و تکلیف تصویب آیین نامه هایی در این راستا پیش بینی شده است و ماده ۱۳ که ضمانت اجرای نقض آیین نامه های ماده ۱۰ را جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال تعیین کرده است. در خصوص جرم آلودگی صوتی چند نک ته قابل ذکر است. نخست آنکه عمل مرتکب در این جرم پخش و

انتشار هرگونه صوت و صدا و ارتعاش بیش از حد مجاز. دوم آنکه به نظر میرسد جرم آلودگی صوتی یا جرم با مسئولیت مطلق است که در تحقق آن نیازی به ابات سوءنیت نیست؛ بنابراین مقنن با نگاهی به نتیجه ار که ایجاد آلودگی صوتی است، معتقد است که بروز چنین رفتار و نتیجهای موجب تحقق جرم می شود هرچند که مرتکب قصد چنین رفتار و نتیجه ای را نداشته باشد. سوم آنکه چالش پیشگفته در مورد پراکندگی قوانین کیفری در خصوص محیط زیست شهری وجود دارد و لازم است که مقنن به رفع این اختفات بپردازد چراکه در مورد این جرم نیز هم قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مقرراتی را به تصویب رسانده است و هم قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا.

۵-۱۰. نتیجه گیری

در دین مبین اسلام در کنار دستورات عبادی و فقهی، در زمینه بهداشت و نظافت نیز تعلیمات فراوانی به چشم می خورد علاوه بر تأکید دین اسلام بر رعایت نظافت و بهداشت، و محیط زیست پیشوایان معصوم نیز با کردار و رفتار خود عملاً مشوق این صفات حسنه بودند. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که دستورات محیط زیستی و نیز تعلیمات دین اسلام در مورد حفظ محیط زیست غالباً جنبه اخلاقی دارد و به صورت آداب و اخلاق اجتماعی یا فردی در کتاب های اخلاق ذکر شده است. به عبارت دیگر جرایم محیط زیستی در حقوق جزای اسلامی به تصریح بیان نشده و مجازات مشخصی نیز برای آن تعیین نشده است. بر همین اساس امروزه نیز این جرایم در شمار جرایم تعزیری قلمداد می شود. با وجود این، به دلیل اهمیت مسأله محیط زیست و سلامت جامعه و نیز امر درمان و مداوای بیماران، نظارت بر این امور از صدر اسلام مورد توجه خلفا و زمامداران اسلامی قرار گرفت.

بررسی سابقه قانون گذاری در خصوص مسائل زیست محیطی در کشورها حاکی از آن می باشد که اولین قوانین و مقررات مرتبط مانند مواد ۱۷۹ و ۱۸۹ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ (قانون شکار (مصوب ۱۳۳۵/۱۲/۴) و قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶) صرفاً

در ارتباط با محیط زیست طبیعی بوده و اولین قانون جامع که بطور نسبی در خصوص کلیه ابعاد محیط زیست که تغییرات ساختار تشکیلات سازمان حفاظت محیط زیست را نیز در پی داشت به تصویب رسید قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مورخ ۱۳۵۳/۳/۲۸ می باشد خودداری نمایند.

قوانین و مقررات متعدد و پراکنده‌ای در خصوص جرایم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست وجود دارد و ماده عام آن ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی است.

قوانین کیفری ایران محیط زیست شهری را مورد حمایت پنداشته و برای محافظت از آن به مداخله کیفری اقدام کرده اند. این مداخله از دو جهت مثبت ارزیابی نمیشود. اول آنکه این مداخله به صورت پراکنده و در قوانین مختلف به عمل آمده است. دوم آن که ضمانت اجرای مقرر در این قوانین به جهت خفیف بودن، الزام بازدارنده نداشته و موجب تبعیت تابعان حقوق کیفری از آنها نمی شوند. باین حال در حقوق کیفری ایران، محیط زیست شهری دارای ارزش قلمداد شده و قانونگذار در قوانین مختلفی به بزه انگاری رفتارهای مخرب علیه درختان، بزه انگاری پسماند محور، بزه انگاری آلودگی های زیست محیطی (هوا، آب، خاک و آلودگی صوتی) و تهدید علیه بهداشت عمومی مبادرت ورزیده است. بنابراین پیشنهاد میشود که مقنن در نخستین اقدام خویش به تدوین قانونی منسجم و یکپارچه زیست محیطی مبادرت ورزد تا از پراکندگی فعلی قوانین محیط زیستی جلوگیری به عمل آورد و در اقدام بعدی به اصلاح ضمانت اجرای قوانین زیست محیطی همت گمارد تا گامی مثبت برای جلوگیری از ورود آسیب های متعدد به این حوزه برداشته شود. همچنین مقنن باید با بهره گیری از متخصصان حوزه حقوق کیفری محیط زیست به رفع چالش های موجود در عرصه حمایت کیفری از محیط زیست به طور عام و محیط زیست شهری به طور خاص نائل آید تا از تفاسیر ناروا در این عرصه پیش گیری به کارایی و پویایی حمایت کیفری از محیط زیست شده باشد.

۱۶-۵. پیشنهادها

۱- با توجه به اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست، به نظر می رسد مجازات مقرر در این ماده کافی نباشد. با توجه به قوانین خاص برای آلودگی آب ها و آلودگی هوا و آلودگی صوتی و همچنین مجازات ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و پراکندگی مجازات برای این جرایم، این مجازات هم کم و غیر متناسب با جرم به نظر می رسد و بهتر است میزان آن حداقل تا ۱ الی ۳ درجه با توجه به میزان آلودگی و قصد و نیت مجرم بیشتر شود.

۲- در بحث نظارت بر جرایم زیست محیطی این انتقاد وارد است که نهادهای ذیربط فاقد نظارت کافی می باشند. پیشنهاد می شود اختیارات بیشتری به نهادهای ذیربط داده شود.

۳- در بحث مجازات ماده ۶۸۸ که تا یک سال حبس تعیین کرده در صورتی که کارخانه ها، سازمان ها، وسایل و ... که باعث آلودگی محیط می شوند چه کسی مجازات حبس را متقبل می شود. در کنار مجازات حبس مجازات مالی تبعی و تکمیلی دیگری باید لحاظ شود که اجرای حکم امکان داشته باشد مثل جزای نقدی، لغو شرکت (دائماً یا موقتاً).

۴- از آن جا که ارایه پاسخ های پیشگیرانه مناسب می تواند نقش بسزایی در کنترل انواع گوناگون آلودگی ها و مشکلات زیست محیطی که به وجود آورنده بحران زیست محیطی کنونی هستند، داشته باشد، بنابراین پرداختن به این موضوع می بایست مورد توجه واقع شود. البته در کنار اقدامات پیشگیرانه ضمانت اجرای مناسب و نیز در قالب کیفر و مجازات ضروری است و از آنجایی که قوانین وضع شده در این زمینه دارای قدرت باز دارندگی بحدی که مانع ارتکاب جرم شود نمی باشد. امید در آینده نزدیک شاهد وضع قوانین جامع تر با ضمانت اجرای مناسب باشیم.

۶. فهرست منابع

- اصفهانى ، محمد مهدى، «بازنگرى در مفاهيم سلامت، بيمارى، بهداشت، درمان و شفا با الهام از معارف اسلامى»، مجموعه مقالات سمینار
- ابوالقاسم گرجى، اسلام و محیط زیست، مجله نور علم، ش ۴، خرداد ۱۳۶۳
- احمد لواسانى، کنفرانس بین‌المللى محیط زیست در ریو، دفتر مطالعات سیاسى و بین‌المللى، تهران، ۱۳۷۲
- اردبیلی، محمدعلی: حقوق جزای عمومى، ج ۱، تهران: نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹
- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومى، نشر میزان، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۴
- اردبیلی، محمد علی: حقوق جزای عمومى، ج ۲، چاپ اول: تهران، میزان، ۱۳۷۷
- اردشیر امیر ارجمند، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللى، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۵، تابستان ۱۳۷۴
- افراسیابى، محمداسماعیل؛ حقوق جزای عمومى، انتشارات فردوسى، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶
- امام خمینى، طلب و اراده، مرکز انتشارات علمى و فرهنگى، ۱۳۶۲
- باهرى، محمد: حقوق جزای عمومى، تهران: انتشارات رهام، چاپ اول، ۱۳۸۱
- پارسا، علیرضا، محیط زیست و حقوق بشر، اطلاعات سیاسى اقتصادى ش ۱۳۶ - ۱۳۵، ۱۳۸۴
- تقى زاده انصارى، مصطفی، حقوق کیفرى محیط زیست، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶
- خالقى، علی، آئین دادرسی کیفرى، نشر شهر دانش، چاپ چهاردم (۱۳۹۰)
- دهخدا. علی اکبر، لغت نامه، ج ۴، چاپ دوم: تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷

- دیدگاه های اسلام در پزشکی؛ دبیرخانه دائمی سمینار، چاپ اول ۱۳۷۱
- رکنی، نوردهر، اصول بهداشت مواد غذایی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
- زراعت دکتر عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، انتشارات فیض، دانشگاه کاشان ۱۳۷۷
- شامبیاتی، هوشنگ: حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات ژوبین، چاپ دهم، ۱۳۸۰
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ سوم: تهران، ویستار، ۱۳۷۲
- صادقی حسن آبادی، علی، کلیات بهداشت عمومی، چاپ هشتم: شیراز، دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۷۵
- صانعی، پرویز: حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۴
- صرامی، سیف الله، حسب یک نهاد حکومتی، قم مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۷
- علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، ۱۳۵۳
- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، ج ۲، چاپ: پنجم، تهران، فردوسی، ۱۳۶۸.
- عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران
- فقیه نصیری فیروز، مجموعه قوانین جزایی، نشر صندوق، تهران ۱۳۷۶
- قاسم علی عمرانی، مواد زاید جامد، جلد اول، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران ۱۳۸۰
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۷
- مجموعه کامل قوانین و مقررات بهداشتی، درمانی و آموزشی، غلامرضا آجرلو، چاپ اول: تهران، حیان، ۱۳۷۶
- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ اول: تهران، گنج دانش، ۱۳۷۵

محمد جواد باهنر، انسان و خودسازی، به نقل از: صادق اصغری لقمجانی؛ مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸

مرتضی مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، ج ۳، صدرا، تهران، ۱۳۷۳
 معین، محمد؛ فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر، چاپ ۱۳۸۴، ۲۲
 ن. ک الیت، کاترین، فرانسیس کوئین؛ حقوق جزا، ترجمه آوا واحدی نوایی و نسرين غضنفری، تهران، میزان، ۱۳۷۸

ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۱، ۱۳۷۹
 نوربها، رضا: زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات دادآفرین، چاپ هشتم، ۱۳۸۲
 ولیدی، محمد صالح؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸
 ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی، ج ۲، چاپ اول، تهران
 ابن اخوه، محمد بن محمد، معالم القریه فی احکام الحسبه، مطبعه داروالفنون، ۱۹۳۷
 ابی داود، سلیمان، سنن، ج ۲، بیروت، دارالجلیل، بی تا
 حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا
 علی بن جمعه الحویزی، تفسیر نور الثقلین، دارالکتب العلمیه، ج ۳، قم، ۱۳۴۲
 ماوردی، ابن الحسن علی بن محمد، الاحکام السلطانیه، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

محمد بن یعقوب الکلینی، اصول الکافی، ج ۱، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱
 منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، چاپ دوم: قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۹

نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۲۳، صبحی صالح

دفتر حقوقی وزارت نیرو، مجموعه قوانین صنعت آب و برق، انتشارات وزارت نیرو، تهران
۱۳۷۳

روزنامه رسمی شماره ۱۹/۶۵۲۱ منتشره توسط شرکت روزنامه رسمی ایران
شریفی خضارتی، امیر: مقاله «جرم مشهود در نظام حقوقی برخی کشورهای جهان»، فصلنامه
حقوقی دادگستر، سال پنجم، شماره ۳۲،
محمد ربانی، بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام، مجموعه مقالات
همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸

پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۰). جددرای علیده امنیددت و آسایش عمومی. تهران: انتشارات
جنگل، چاپ اول

تقیزاده انصاری، مصطفی. (۱۳۷۴). حقدوق محدیطت زیست در ایددران. تهران:
انتشارات سمت، چاپ نخست

. خالقی، ابوالفتح؛ رشنوادی، حجتاهلل. (۱۳۹۲). سیاست تقیننی کیفیری ایران در
صیانت از منابع آب با عنایت به اسناد بینالمللی. فصلنامه پژوهش حقدوق کیفیری، ۳(۲)،
۱۴۱-۱۱۹

دیری، فرهاد؛ نصیری، پروین و آهتربای، نوشین. (۱۳۸۹). مقایسه قوانین ومقررات مربوط به
آلودگی صوتی در ایران و چند کشور آسیایی، فصلنامه انسان و محدیطت زیست، ۳(۸)، ۱۷-
۱۱.

عبداللهی، محسن. (۱۳۸۶). حمایت کیفیری از محدیطت زیست: تمللی برابستههای
حقوق کیفیری زیست محیطی. فصلنامه علوم محیطی، ۱(۵)، ۱۱۷-۹۷.

قاسمی، ناصر. (۱۳۸۵). مبانی تحققت جرایم زیست محیطی. فصلنامه دیدگاههای حقوقی، ۳۹ و
۲۹، ۴۰، ۳۸

- قاسم زاده، سید روح اهلل. (۱۳۸۹). بررسی ابعاد حقوقی محیط زیست با تاکید بر جنبه های پیش گیری از آلودگی محیط زیست. فصلنامه عالمده، ۱۵، ۱۳۴-۱۰۷.
- کاتوزیان ناصر. (۱۳۸۹). قانون مدنی در نظ حقدوقی کنونی. تهران: بنیاد حقوقی میان، چاپ بیست و ششم. کوشکی، غ محسن. (۱۳۸۸). چالشهای نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست محیطی. فصلنامه اپردال رسانی حقوقی، ۱۸ و ۱۷، ۱۰۴-۸۷.
- گوندلین، لوتار؛ هویسمان، جزء دلبیو؛ هلیپاپ، ای ای و شلتون، دینا. (۱۳۸۹). حقوق محیط زیست. ترجمه محمد حسن حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- مشهدی، علی. (۱۳۹۲). حق بدر محیط زیست سدل) الگوی ایرانی دد فرانسوی. تهران: بنیاد حقوقی میان، چاپ نخست.
- مشهدی، علی. (۱۳۸۶). مدیریت پسماندها در حقوق ایران و فرانسه (با تمکید بر قانون مدیریت پسماند مصوب ۱۳۸۳). فصلنامه مددیر پسددماند، ۳۸(۱)، ۲۲۹-۲۲۴.
- م کالیون، کنت. (۱۳۸۳). اجرای عدالت درباره محیط زیست بینالمللی: حقوق و راهحلهها. ترجمه محمدحسین زائین لبا، مجله حقوقی، ۳۱، ۱۸۵-۱۷۱.
- میرمحمد صادقی، حسین. (۱۳۹۲). جرای علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: انتشارات میان، چاپ ب یست و یکم. وفادار، علی. (۱۳۸۶). تعهد و مسئولیت دولتها در رعایت محیط زیست. فصلنامه علوم و تکنولدوژی محیط زیست، ۹(۱)، ۱۱۰-۱۰۱.
- نجات، سیدامین؛ دبیری، فرهاد. (۱۳۹۴). بررسی چالشهای کیفری ناشی از اجرای ماده ۹۱۴(۶۸۸) قانون مجازات اسمی. مجله مطالعا حقوقی دانشدگاه شدیراز، ۲(۷)، ۱۹۷-۱۷۳.
- هوشنو، مهران. (۱۳۵۶). آلودگی شیمیایی خا. مجله محدوددددیط شناسدددددی، ۷(۷)، ۱۳۰-۱۲۴.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸

قانون اخلال گران در تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲

قانون رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹

قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱

قانون راجع به متجاوزین به اموال عمومی و مردم اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مصوب

۱۳۵۸ شورای انقلاب

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰

قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷

قانون راجع به مجازات قطع و تخریب وسایل مخابرات و برق مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۹

قانون راجع به تعقیب اشخاصی که بدون مجوز قانونی به منظور بهره گیری از آب و برق

تأسیسات وزارت نیرو اقدام می نمایند بوسیله دادستانی کل انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۸

قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، با اصلاحات سال ۱۳۸۱

قانون شورای انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۲۵ مبنی بر صلاحیت دادگاه انقلاب برای رسیدگی به

جرایم علیه آب و برق کشور

واژه‌نامه توصیفی

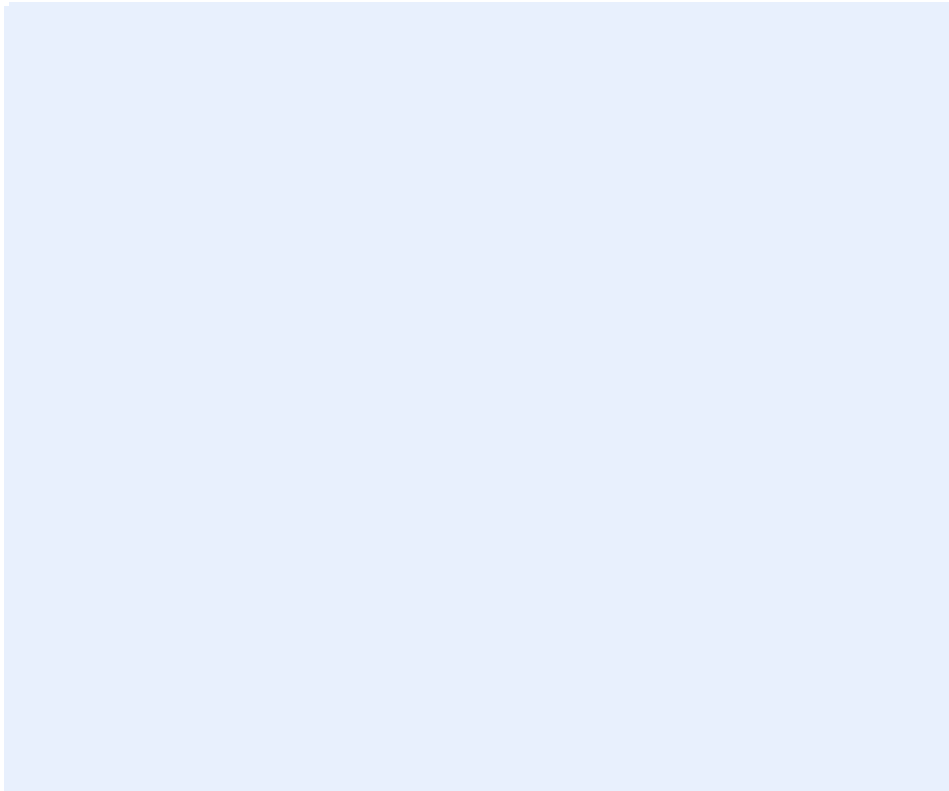
پایان‌نامه: واژه پایان‌نامه ریشه‌ای لاتین دارد که به معنای «مسیر» است.

فهرست مقاله‌های برگرفته از پایان‌نامه

رجبعلی بگلو، رضا، رحمت‌الله فتاحی، و مه‌ری پریروخ. ۱۳۹۵. «تأثیر نظام‌های اطلاعاتی بر شکل‌گیری مدل‌های ذهنی کاربران نرم‌افزارهای کتابخانه دیجیتال». فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. ۲۷ (۲) ۲۱-۳۹.

Rajabali Beglou, Reza, Rahmatollah Fattahi, and Mehri Parirokh. 2018. "Effect of using information systems on the development of mental models among digital library users". *The Electronic Library*, 4 (2), 44-66.

برگ تأیید هیئت داوران / صورت جلسه دفاع (به زبان انگلیسی)



Abstract

Purpose: To express the high position of the environment in the religions and religions of the world, and also to examine the views of different religions with a special attitude to the position of the environment and nature in the religion of Islam, the positions of the pure and innocent imams towards the environment.

Research methodology: The method used for this research is the descriptive-analytical method. For this purpose, tools will be used, among others, the use of resources available in libraries and databases and judicial decisions, after collecting the resources and extracting them, to describe and analyze the contents, identify the relevant problems and possible ways. They will be answered. This research will be done basically using the latest and newest articles, books and legal documents as well as reliable electronic sources. The method of data analysis is through inferential analysis method.

Findings: Religion can play a significant role in protecting the environment. Many religions acknowledge the need to care for the environment, and their scriptures encourage followers to care for the earth and its biodiversity. The religious writings of Christianity and Islam all contain verses that support environmental protection, Hinduism and other religions also encourage protection of the environment, and in general, religion can be a powerful motivator for environmental protection. affect attitudes and behaviors related to the environment.

Conclusion: In the religion of Islam, in addition to religious and jurisprudential orders, there are also many teachings in the field of environmental protection. They were good qualities. The remarkable point in this context is that the orders and teachings of the Islamic religion often have a moral aspect and are mentioned in the books of ethics in the form of social or individual manners and ethics. In other words, environmental crimes have not been explicitly stated in Islamic criminal law and no specific punishment has been determined for it. Accordingly, even today, these crimes are considered as punishment crime

Keywords: religions, Islam, jurisprudence, environment



Azarabadgan University
Faculty of Humanities

A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment for the Degree of
General Law

Investigating the right to the environment from the perspective of Iranian laws and Imami jurisprudence

By
Hosein Rahmani Rezaiyeh

Supervisor
Dr, Mahmoud Esmaili

Advisor
Dr, Saied Shahand

2023